ANDISHAH'HĀ-YI RASTĀKHĪZ

اندیشه‌های رستاخیز

سال دوم ـ امردادماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

۵

در این شماره

مدیر مسئول: منوچهر تسلیمی
سردبیر: مهدی قاسمی
مدیر داخلی: فرنگیس امیری
نشانی: خیابان ویلا ـ ساختمان شماره ۳
حزب رستاخیز ملت ایران
تلفن: ۸۹۹۱۵۶ ـ ۶ـ۸۹۹۱۶۱

وجوه اشتراک و بهای مجلات باید به حساب جاری ۱۴۵۰ بانک ملی ایران شعبه تخت جمشید واریز شود.

چاپ : خوشه

اندیشه‌های رستاخیز

۵

سخنی از خود

«اندیشه‌های رستاخیز» با این شماره بدومین سال عمر خود رسیده است. «دید» و «امیدی» که از آغاز سرمایه «هستی» و «تداوم» این نشریه رستاخیزی شد، در همان نخستین شماره در دل این کلمات نشسته‌بود: «آنچه اینك بنام «اندیشه‌های رستاخیز» در جمع مطبوعات حزبی ما ظاهر میشود یك «نوزاد» است وچون هرنوزادی همراه با کاستی. می‌باید رشد کند و با شتاب هم رشد کند و چنان شود که در خورروزگار «رستاخیز» است. پشتوانه این طلب بی‌گفتگو همتی است که در انبوه اندیشمندان و صاحبنظران رستاخیزی موج‌میزند...»

اکنون در پی این یکسال تکاپو ـ تکاپوئی آمیخته با چنین «دیدوامید» میتوان بداوری نشست. حالیکه این داوری نه‌ازسوی «گردانندگان» مجله که تنها از جانب «خوانندگان‌آن» زیبنده و سزاوار است و اما اگربتوان در پس این داوری از توفیقی دم زد، بیگمان باید آنرا بحساب نویسندگان و پژوهندگانی نوشت که همت و یاری‌شان هستی این «نشریه» را تاکنون پاسدار بوده و نیز همین همت و یاری است که تداوم آنرا درآینده‌ها نیز باید تضمین کند.



یادآوری این نکته هم خالی از سود نیست که در طول این یکسال تلاشی صمیمانه بود تا «اندیشه‌های رستاخیز» استوار برپایگاههای ایمانی و آرمانی حزب، نه، پیگیروبندی سلیقه‌ها و برداشتهای «خاص» بلکه بازتابنده رای‌ها و نظرهای گونه‌گون در برابر مسائل گونه‌گون زندگی کمال‌پذیر وطنمان باشد و لاجــرم کوششی شد تا صفحات آن با سهمی که در ساحت پندارهای رستاخیزی پذیرفته است به عرصه‌ای دیگراز بازتاب‌های «خرد ایرانی» بدل شود. در گذرگاه ایــن تلاش و تکاپو، دلبستگی به خط کمال، فارغ از فریب و وهم «کمال مطلق» ـ همچنان پایا و گرم بود که این را هم بنام فضای رستاخیز باید نوشت، فضائی که به یك‌یك‌مردم این سرزمین فرصت داده است تا دست‌ها و مغزهای آفرینندهٔ خود را به آزادی و آسانی جولانگر میدان‌های آفرینش بسازند.

اینك، «انـدیشه‌هـای رستاخیـز» در آستانـــه دومین سال تولد خود: با نگاه به آزمون‌های ارجمنـد گذشته و امیدهای گرمابخش آینده و بهرلحظه استوار برایمان و اعتقاد به حرمت اندیشه، از میثاق خود در پایائی خدمتی یاد میکند که بدیهی است تنها به یاری اندیشه‌گران مسئولیت‌پذیر وطنمان میسر خواهدبود.

«اندیشه‌های رستاخیز»

از نصراله واحدی فریدی

بمناسبت کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی «رامسر»

«وقتی خداوند تصمیم به آفرینش جهان گرفت، در تصورش تمام جهانهای ممکنه قرار داشتند. پروردگار از میان همه آنها، یکی را که بهترین آنها بود، انتخاب کرد و به‌آن وجود بخشید و به‌این طریق جهان‌واقعیت یافت و جهان‌شد. بدیهی است که هرجهان ممکنه دیگر نیز بالقوه یك جهان است، فقط به آنها صفت وجودی داده نشده است.»

آنچه که در بالا آورده شد، بیان خلاصه‌ای از «تئودیسی»* Theodzee لایب‌نیس Leibniz است.

بنابراین گفتار، منحصر بفرد بودن جهان خلقت، موضوعی فلسفی میگردد، زیرا کلمه «ممکنه» تصور اشیاء بدون صفت وجودی را برایمان مجاز میکند، تا بتوان با در کنار هم قراردادن جهانهای ممکنه وتشخیص مشخصه آنها، جهان واقعی را شناسائی کنیم.

مشخصات جهان، شرایط وجودی وی‌اند و جهان واقعیت است زیرا هست و منحصر بفرد است زیرا مشخصاتش منحصر به فردند. بعبارت‌دیگر مشخصاتش مطلوبترین (Optimal) اند. ساده‌تر، خداوند ازمیان

---

* دلیل علمی وجود خداوند و منحصر به‌فرد بودن جهان.

همه جهانهای ممکنه، جهانی را که همه مشخصاتش تواما مطلوب‌ترین بودند، بیافرید.

لازم به توضیح است که آنچه را که «لایب‌نیس» بیان میدارد، در واقع تصویری فلسفی از تفکری‌فیزیکی است که بدون شك در این علم مورد قبول افتاده‌است.

در واقع تفکر «لایب‌نیس» مشابه اصل «اکسترم» بودن (Exterm) در فیزیك است. مثلا براساس این اصل پرتو نور از نقطه‌ای بنام مبداء به نقطه‌ای بنام مقصد، بروی راهی انتشار خواهد یافت که کوتاهترین زمان رابرای رسیدن به مقصدلازم داشته باشد. دراینجا صحبت از همه راههای ممکنه به میان می‌آید و درواقع همه راههای ممکنه، منحنی‌هائی هستند که دو نقطه مبداء و مقصد را بهم متصل میکنند و اصل «اکسترم» بودن، از میان همه این راهها فقط یکی را، مطلوب‌ترین را برمیگزیند و به‌آن واقعیت می‌بخشد و بربقیه مهر غیرفیزیکی بودن میزند و این درست تشابه فیزیك و «تئودیسی» «لایب‌نیس» است.

نتیجه این اصل قانون حرکت مستقیم‌الخط نور و قوانین انعکاس و انکسار نور در محیط‌های مادی است. بطور کلی از این اصل می‌توان قوانین حرکت و تحول و رشد پدیده‌های فیزیکی را بدست آورد.

شاهنشاه در کتاب (انقلاب سفید) می‌نویسند:

«بالاخره بدین نتیجه رسیدم که مملکت احتیاج به یك انقلاب عمیق و اساسی دارد که در یك‌زمان با یك جهش بتمام تناقضات اجتماعی و همه عواملی که‌باعث بیعدالتی و ظلم و استثمار میشود و همچنین به تمام جنبه‌های ارتجاعی که مایه جلوگیری از پیشرفت و ممد عقب افتادگی است خاتمه دهد و برای ساختن اجتماع جدیدی در جای آن، راههائی ارائه نماید که بیشتر و بهتر بدرد خود ما بخورد، یعنی با روحیات ایرانی و

اخلاق ایرانی با مقتضیات اقلیمی و جغرافیایی این سرزمین، با مختصات و سنن روحی و تاریخی این ملت سازگار و هم‌آهنگ باشد. در عین حال سریعتر ما را به هدف برساند.»

از سطور بالا بخوبی آشکار است که تفکرشاهنشاه براصل یافتن «مطلوب‌ترین راه» استوار است ـ که بدون شك یکی از خصائص رهبری آگاه است.

بدیهی است که بکار گرفتن این اصل همیشه با در نظر گرفتن نقاط مبداء و مقصد امکان‌پذیر است. در گفتار شاهنشاه مبداء که اوضاع و احوال ایران به روزگار قبل از انقلاب است بخوبی تشریح شده است و به هدف نیز اشاره آمده است.

در جای دیگری می‌نویسند:

«من می‌بایست این میراث گرانبها را که استقلال و حاکمیت و شرافت ملی ایرانی نام داشت و تاریخ آن را بصورت ودیعه مقدسی بدست من سپرده بود، کاملتر و غنی‌تر از آنچه تحویل گرفته بودم بدست نسلهای آینده بسپارم.»

بعدها کلمه کاملتر و غنی‌تر بخود شکل گرفت و بدل به «تمدن بزرگ» گردید که در واقع مقصدحرکت انقلابی فعلی است.

انقلاب ما که به ابتکار و به‌رهبری شاهنشاه شروع شد. از همان آغاز راه بازسازی جامعهٔ ایرانی را با تکیه برسنت‌ها و ارزش‌های درست و پسندیدهٔ کهن در پیش گرفت. یعنی با تکیه برارزش‌های مطلوب به در هم شکستن سنت‌ها و ارزش‌های نامطلوبی که مانع رشد و تحول جامعهٔ ما بود، پرداخت.

بازسازی جامعه مسلما فقط به معنای ایجاددگرگونی در زمینه‌های صنعت، کشاورزی‌و روابط تولیدی‌نیست. **جامعهٔ انقلابی باید به معنویات و جهان‌بینی متناسب با**

جهش انقلابی در همهٔ زمینه‌ها مجهز باشد.

در واقع‌اصول ششگانهٔ اولیهٔ انقلاب‌ایران، مطلوب‌ترین رهنمودهائی بودند که سبب شکستن سنت‌های کهنهٔ نامطلوب شدند، سنت‌هائی که مانع رشد و شکوفائی جامعهٔ ایرانی بودند، به واقع این اصول «سرپلهائی» از موضع جامعهٔ در حال رکود، در راه رسیدن به تمدن بزرگ بودند که از طریق اصل مطلوب‌ترین، از میان اصول ممکنهٔ بیشماری انتخاب شده بودند.

هدف و انگیزهٔ انقلاب شاه و ملت صیانت گوهر وجودی و یا ارزش اساسی جامعه است. ارزش اساسی واقعیت و تمام زندگی جامعه و تعیین کنندهٔ شخصیت آن است.

با بررسی اجمالی در تاریخ خود، در می‌یابیم که ارزش اساسی جامعه ما، موجودیت شکوفای ملی در ظرف نظام شاهنشاهی است که نتیجه‌ای ثابت از مجموعهٔ ارزشهائی است که باید به آنها ارزش‌های معرف اسم گذاشت. تداوم نظام شاهنشاهی ایران مبنی بر:

الف ـ فر ایزدی

ب ـ رابطهٔ معنوی بین ملت و شاهنشاه

ج ـ حفظ استقلال و حاکمیت ملی

د ـ همبستگی و وحدت ملی در مقابل تهاجم ونفوذ خارجی

هـ ـ پرورش ادب و فرهنگ ایرانی

و ـ احترام به مذاهب و عقاید

بوده است و به ملت ایران هویت ملی بخشیده است. هرگاه جامعهٔ ایرانی و شاهنشاهان ایران این نکات را درخود آگاهی خود منعکس نساخته‌اند، فساد و آشوب و نابسامانی درکارها، رواج داشته است.

تحول و دگرگونی‌های ایران در قالب نظام شاهنشاهی شکل گرفته و تکامل یافته است، فلسفه‌ها و فرهنگ‌ها و مذاهب خارجی همواره در برخورد با اندیشهٔ نظام شاهنشاهی دگرگونی یافته و هویت‌ایرانی پیدا کرده‌اند.

انقلاب ما یك سلسله ارزش‌های منحط جامعه را در هم شکست و ارزش‌های نوی را جانشین آنها کرد، این انقلاب دگرگونی عمیقی در غالب زمینه‌های زندگی اجتماعی پدید آورد و چون این انقلاب برخوردار ازیك رهبری آگاه بود، جهت حرکت اجتماعی ما را نیز تعیین کرد.

بدیهی است که ارزشها و ترمهای جدیدی که با اصول شش‌گانهٔ انقلاب بدست آمد، برازندهٔ جامعه‌ای که از نظر فکری عقب افتاده باشد، نیست بلکه به‌همراه این تحولات لازم بود که فضای انقلاب نیز، مساعدبرای جذب تحولات گردد. به عبارت دیگر لازم بود که ازجامعهٔ در حال رکود، جامعهٔ علمی ساخت. زیــرا در کشور صنعتی که براساس خودکفائی کشاورزی و صنعتی و علمی و هنری استوار است، وجود جامعهٔ علمی‌ضرورت دارد.

جامعهٔ علمی، جامعه‌ایست که افرادش بطور منطقی با یکدیگر همکاری و همدلی دارند؛ عدالت اجتماعی را احترام می‌گذارند و از آن حراست می‌کنند و می‌توانند متناسب با هرموضوع روش بررسی برازندهٔ آن‌را نیز خلق کنند.

بعلاوه بررسی تحولات صدساله اخیر کشورهــای صنعتی پیشرو نشان میدهد که وجود سنت های علمی دراین ممالك نقش تعیین کننده را داشته است وکشور-هائی که این سنت‌ها را زنده نگاه داشته و همواره مبانی آن را باتحولات اجتماعی واقتصادی هماهنگ ساخته‌اند،

امروزه مترقی‌ترین جوامع بشمار می‌آیند.

بدیهی است که هرسنتی از یك جامعه به جامعهٔ دیگر غیر قابل انتقال است مگر اینکه شرایط ایجاد چنین سنتی در جامعه مفروض فراهم آمده باشد. درست است که با وارد کردن تکنولوژی مدرن به کشور و استخدام کارشناسان خارجی، شرایط رشد صنعتی و اقتصادی حاصل آمده است، لکن باید توجه داشت که چنانچه مراکز علمی کشور تقویت نگردند و نیازهای مملکت معلوم نباشد و بخصوص در رشته‌های علمی توانا نباشیم، مفهوم سیاست مستقل ملی در خطر خواهد افتاد.

بطور کلی فعالیتهای علمی بردوقسم‌اند که هردو با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند.

الف ـ آموزش علمی که به معنی انتقال علم به‌افراد واجد شرایط است و چهره فرهنگی هرجامعه‌ای وابسته به چگونگی این انتقال است مضافا اینکه توانائی اقتصادی هرکشور را در آگاهی علمی و اجتماعی مردمش باید جستجو کرد.

ب ـ پژوهش‌های علمی.

پژوهش به معنی، فعالیت در ایجاد و توسعه و رشد علم است. پژوهش‌های علمی سبب وسعت افق دانش میشود و کشفیات علمی کیفیت زندگی بشر را تغییر می‌دهد.

ـ تنها کشورهائی که این دوگانگی فعالیت علمی‌را شناخته‌اند و به اعتلای آن و بستگی هرچه بیشتر این دو فعالیت همت‌گماشته، به شکوفائی صنعتی و رفاه اجتماعی دست یافته‌اند و از استقلال فرهنگی و سیاسی کامل برخوردارند.

لذا کشور ایران که از نظر صنعتی نوپا است و مراحل نوسازی جامعه را چه از نظر تفکر و چه از نظر

وسایل زندگی می‌گذراند، می‌باید به کیفیت آموزش و پژوهش مراکز علمی خود همواره آگاهی داشته باشد و بداند که این مراکز درچه مرحله‌ای از رشد و توسعه قرار دارند و آیا جهت رشد آنها جهتی مطلوب و سازگار با نیازهای جامعهٔ پرتحرکش هست یا خیر؟ وبا چنین آگاهی‌ها است که می‌تواند به موقع مسیر آنها را اصلاح کند و از ضایعات مادی و معنوی غیرقابل‌جبران جلوگیری نماید و شرایط مناسب‌برای ایجاد سنت‌علمی در جامعه فراهم سازد. در این راه باید همهٔ استعدادهای کشور پرورش یابند و امکان این پرورش برای همهٔ افراد جامعه بوجود آید.

تشکیل کنفرانسهای ارزشیابی انقلاب آموزشی (رامسر) برای ایجاد چنین فضای فرهنگی و آموزشی و پژوهشی ضرورت داشت که هدفهای آن بطوردرشت در سطور فوق تظاهر یافته است. منظور شاهنشاه از همایش سالانهٔ رامسر در واقع مشخص کردن وضع موجود آموزش و پژوهش کشور چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی است و بررسی انطباق این اوضاع با نیازهای مملکت امری ضروری است تا رهبر آگاه‌انقلاب با استفاده از قوانین دیالکتیکی که یکی از آنها به نام یافتن مطلوب‌ترین راه مورد توجه قرار گرفت، رهنمود-های تازه‌ای برای رسیدن به تمدن بزرگ عرضه دارند. لذا هرگونه تظاهر و پرده‌پوشی و درست گزارش نکردن وضعیت آموزش و پژوهش کشور خیانتی به آرمان ملی کشور و مردم ایران است.

زیرا بطور کلی هدف آموزش و پژوهش در ایران، بایستی برآورده کردن نیاز مملکت باشد .

نیاز مملکت، مفهومی سه بعدی است که مولفه‌های آن عبارتند از:

نیاز علمی، نیاز اجتماعی و نیاز سیاسی.

نیاز علمی کشور در واقع یکی از پراهمیت‌ترین نیازهای جامعهٔ کنونی است. در ۱۵ سال آینده بایستی مملکت‌آن توانائی راکسب کند که بتواند جانشینی مناسب برای ثروت نفت کشور باشد.

این جانشینی، بدون شك ضمن دستیابی به تکنولوژی مدرن، توانائی شکل دادن از طریق تفکر به مواد خام است. اشکالی که قابل عرضه در بازار بین‌المللی باشند.

در واقع قدرت آیندهٔ کشور در گرو شیوهٔ تفکر مردم و شکوفائی تمدن ایران وابسته به توانائی خلاقهٔ فکری آنان است. به عبارت دیگر وابسته به تولیدات صنعتی و کشاورزی است که در آن از مرحله موادخام تا مرحله ظهور کالا در بازار، سهم ذهن انسانها بالاترین و بیشترین باشد.

تنها ماده اولیه که ضامن ترقی و رفاه و استقلال ملت ایران است تفکر علمی اوست. **جهان امروز، تنها جهان آموختن نیست، بلکه جهان پرورش مغزها و استعدادهاست ودراین راه بایستی توانستن را همراه با دانستن بخوبی ارزیابی کنیم چه دانستن بدون توانستن بی‌ارزش است و توانستن در خواستن جلوه میکند و خواستن در عمل ظهور دارد.**

لذا کنفرانس ارزشیابی آموزش و پژوهش رامسر به واقع وظیفه‌ای بس دشوار و مهم به عهده دارد زیرا آینده کشور و استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن، وابسته به تصمیماتی است که برای رفع مشکلات و نارسائی‌های آموزشی کشور در آنجا گرفته می‌شود. پس آنان که در این کنفرانس سهمی برعهده دارند بایستی چنین مسئولیتی را احساس کنند و درچارچوب آن نیز عمل نمایند.

اقبال- اقبال

روش‌شناسی (متدلژی) و برنامه‌ریزی

توسعه منابع آب و انرژی

مقدمه

همگام با دیگر رشته‌ها، برای گسترش و بهره‌وری از منابع آب و برق کشور نیز تلاشهای گسترده‌ای در عصر انقلاب و دوران رستاخیز بعمل آمده است. این تلاشها اگر از دیدگاه همه‌جانبه و به یاری تکنولوژی پیشرفته امروزی عمل میشند نتایج بهتری بدست میداد. این دیدگاه بایستی هماهنگ با استراتژی امنیت ملی کشور مشخص گردد.

هر جهش اقتصادی الزاماً بایستی همراه برنامه‌ریزی علمی و منطقی باشد، بنحویکه همه بخش‌های توسعه عمرانی را بپوشاند، بخش توسعه منابع آب و برق که مستقیماً با قطب‌های گوناگون همبستگی نزدیک دارد و زیربنای فعالیتهای عمرانی را تشکیل میدهد، اساس برنامه‌ریزیهای اقتصادی، در چهارچوب سیاست استراتژی امنیت ملی کشور را شامل است.

مسئله برنامه‌ریزی توسعه منابع آب و برق، در برخورد پارامترها، سیاست‌ها و عوامل متفاوت خلاصه میشود. نتیجه این برخورد، تشکیل بیلان منابع، نیازها و داده‌ها است که زیربنای مدل و برنامه پیشنهادی را بوجود خواهد آورد.

با توجه به تجربه چندین ساله اجرائی کار درامور فنی مملکت و تدریس رشته‌های فنی در دانشگـــاه و مخصوصاً چهار سال اخیر در شرکت خدمات مهندسی آب و برق (مهاب) و برخورد با مشکلاتی که حین انجام پروژه‌ها مشهود بوده و بالاخره نیاز به داده‌های لازم برای تدوین پروژه‌های عمرانی در رشته‌های مختلف و عدم دسترسی به بانك اطلاعات، این گزارش سیاست کاربری و بهره‌وری از نتایج آب و برق راکه منطبق بر خواست زمان انقلاب در فضای جدید سیاسی ایران و رستاخیز است تدوین نمود.

تلاشهای گوناگون که به آنها وزن ویژه‌ای بلحاظ اهمیت مسئله در برنامه‌های جامع داده خواهد شد، به شرح زیر ارائه میگردد:

- بیلان نیازها و منابع بکمك ارتباط داده‌ها
- تعیین سیاست و خط‌مشی بهره‌وری از منابع
- بحث در مورد محدودیتها
- اپتیمم کردن تلاشها
- دخالت عامل سرمایه‌گذاری و تخصیص‌سرمایه‌ها به قطب‌های مصرف
- انتخاب اولویت‌ها

در این مقاله به برنامه کلی آب کشورهای مختلف جهان بویژه کشور مکزیك که بلحاظ منابع و نیازهـا شباهت نزدیکی با ایران دارد توجه شده است، کشور مکزیك بکمك کمیته‌های مرکب از کارشناسان سازمان ملل و متخصصین بین‌المللی برنامه ملی آب خـود را مورد مطالعه قرار داده و به آن نظم علمی داده است.

بخش‌های گسترده‌ای از این روش‌شناسی هم‌اکنون در سازمانهای مختلف کشور به کاربرده میشود، ولی مقصود از ارائه این برنامــه و روش‌شناسی، ایجـــاد هم‌آهنگی و تلفیق فشرده بلحاظ دستیابی‌به نتیجهٔ بهتر،

رعایت زمان‌بندی طرحها و بالاخره جلوگیری از اسراف اعتبارات میباشد.

ایجاد سیستم‌های تحقیقاتی و بانك اطلاعات می‌تواند کمك‌های شایسته‌ای در نیل به هدف‌ها نموده و کاربرد عملی برنامه‌ها را سهل‌تر نماید، بعنوان مثال تحقیقات در مورد باروری ابرها میتواند در زمینه عملی نمودن و صنعتی کردن این منبع آب مراحل روشنی را ارائه دهند.

امید است با ارائه روش‌شناسی توسعه منابع آب و برق کشور و روشن نمودن هدفهاو سیاستهای‌مربوط به آن و با توجه به موقعیت شکوفای کنونی ایران‌بتوان در راه نیل به هدفهای رستاخیز گامهای موثری‌برداشت و بویژه مشکل محدودیت‌های آب و انرژی کشور را با استفاده حداکثر از امکانات به کمك تکنولوژی پیشرفته بر طرف نمود.

عناصر و تلاشهای گوناگون این برنامه، هدفها و سیاست‌ها در ارگانیگرامهای شماره ۱و۲و۳ داده شده است.

بخش اول

هدف و اصول کلی برنامه‌ریزی ـ سیاستهای کلی عمرانی کشور

کلیات

هدف از ارائه واجرای برنامه‌های توسعهٔ عمرانی، تامین رفاه هر چه بیشتر یك جامعه است.

در این رهگذر گسترش منابع و عوامل اقتصادی و ایجاد تعادل منطقی و هم‌آهنگ بین نیازها و امکانات نقش ارزنده‌ای را بازی میکنند.

اساس، تاروپود و مکانیسم برنامه‌ریزی آب و برق

در چهارچوب برنامه‌های جامع‌عمرانی قابل توجیه‌است، بنحویکه طرح و تدوین هر روش با الگو و ضوابط پیش تعیین شده و مشخص شده در برنامه جـــامع بلحاظ کاربردهای عملی از سهولتهای ویـژه‌ای بـــرخوردار خواهد بود.

در این‌گزارش سعی‌شده‌است‌به واقعیت‌هاوامکانات توجه نموده و از شکل‌های آزمایشی و روشهای‌تقلیدی احتراز شود تا بلکه شرایط اصولی و منطقی رهنمود- های واقعی برنامه‌ها را تشکیل دهند.

در این بخش از مطالعات، مراحل گوناگون تصمیم- گیری با توجه‌به حدود وظایف و مسئولیتهاو بهره‌گیری از تلاشها گروهی در سطوح مختلف معین شده است.

بدیهی است، سعی شده است برآوردها و متون روشها از جنبه‌های ایده‌آلي و احتمالی دور باشند، در اینصورت شانس موفقیت کامل درمراحل اجرائی‌بیشتر خواهد بود.

۱- عوامل مؤثر در سطوح برنامه‌ریزی برق وآب

در سیستم اقتصادی پیشرفته امروز، منابع اولیه از حدود ملی و منطقه‌ای خارج شده و بصورت مسئله بین‌المللی درآمده است. برای روشن نمودن این مطلب شاهنشاه فرمودند: هنگام استفاده از منابع اولیه دو مسئله سبب میشود که تغییرات شرایط و ضرورت- های جهانی در نظر گرفته شود:

الف- افزایش روزافزون مصرف مواد اولیه که‌خود تابعی است از توسعه و تکامل جوامع بشری.

ب- محدود بودن منابع

بنابراین منابع و نیازها دو متغیر اساسی توسعه و بهره‌برداری از منابع آب و انرژی کشور و ایجادرابطه و تعادل صحیح و علمی میان آنها پایه‌ی ارزنده هـــر

برنامه جامع محسوب میشود.

عناصر مختلف تشکیل دهنده این بخش از مطالعات را میتوان بطور خلاصه در زیر یادآوری نمود.

۱ر۱ـ برنامه اولیه

تحت این عنوان در مقیاس بسیار کلی و در سطح عالی تلفیق دو متغیر ذکر شده در بالا موردبررسی‌قرار خواهد گرفت. ضرورت‌های عینی، سیاسی و غیره در این مرحله از تصمیم‌گیری کاملا در نظر گرفته خواهد شد. بلحاظ تلفیق با سازمان دهی عمرانی کشور این بخش از کنکاش‌ها در «مرحله ۱ تصمیم‌گیری» انجام خواهد پذیرفت. در این مرحله سیاست استراتژی‌امنیت کشور در نظر گرفته خواهد شد و به یاری این سیاست و اطلاعات زیربنائی، تصمیم‌گیری در مورد انتخاب انرژی پایه یا بهره‌وری از سیستم‌های ئیدرولیکی‌کشور بعمل خواهد آمد.

۲ر۱ـ برنامه‌ریزی درازمدت

هنگامیکه خطوط اصلی سیاستها در بالا مشخص شد رابطه بین امکانات نیازها و کمبودها مورد بررسی دقیق‌تری قرار خواهد گرفت، پارامترهای گسترده‌تری در این مرحله از مطالعات میتوانند مسئله را بیشترمورد موشکافی قرار دهند. تصمیم‌های لازم برای دوران درازمدت در این بخش از مطالعات انجام خواهدپذیرفت، نتیجه این تلاشها در «مرحله ۲ تصمیم‌گیری» حدود و زمینه‌های پیشرفت را برای مدت طولانی مشخص خواهد ساخت.

۱ر۳ برنامه‌ریزی کوتاه مدت

برقراری تعادل بین پارامترهای موثر در برنامه‌

های اجرائی بلحاظ توسعه سیستمها و هم‌آهنگی تولید و مصرف وظیفه اساسی کارشناسان در این مرحله از کار خواهد بود. پارامترهای اساسی این بخش از تلاشها با عنوانهای زیر یادآوری میگردد:

- بودجه و اعتبارات
- مطالعات اقتصادی و اپتیمم کردن
- برنامه رفع کمبودها
- بهبود بهره‌برداری
- برنامه توسعه سیستمها

حاصل این کار در «مرحله ۳ تصمیم‌گیری» برای برآورد هدفهای کوتاه مدت بکار برده خـــواهد شد. جزئیات این مرحله در مورد آب در ارگانیگرام شماره ۲ و در مورد انرژی در ارگانیگرام شماره ۳ نشان داده است.

٤ر۱ـ هم‌آهنگی

سیستمهای پیشنهاد شده‌از قابلیت انعطاف‌ویژه‌ای برخوردار هستند، بنابراین برای رسیدن بهدفهای‌عینی پیش‌بینی شده، لازمست وضع موجود را کاملا در نظر گرفت و هم‌آهنگی لازم بین برنامه‌های اجرا شده و در دست اجرا ایجاد کرد. این هم‌آهنگی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری در شمار عوامل مهم بکار برده‌خواهد شد.

٥ر۱ـ ارزشیابی

پس از اینکه تصمیم‌های گرفته شده در سطـــوح مختلف تصمیم‌گیری کاربرد عملی پیدا کرد، بایستی تغییرات ناشی از تغییر سیاست‌های کلی و بروزعوامل غیرقابل پیش‌بینی را وارسی کرد. کنترل و ارزشیابی درجه موفقیت اجرائی برنامه‌ها که از وظایف سیستم یا سازمان ارزشیابی است بصورت تاثیر معکـــوس از

سطوح پائین به سطوح بالاتر منعکس خواهد شد(۱).

ارتباط ارگانیگرامهای شماره ۱و۲و۳ در محدوده‌های مراحل ۱، ۲، ۳، و ٤ تصمیم‌گیری در سمت چپ هر يك از ارگانیگرام‌ها نشان داده شده‌است.

بخش دوم

روش‌شناسی و برنامه‌ریزی توسعه منابع‌آب کشور

کلیات

ایران اساساً در منطقه خشك و نیمه خشك نیمکره شمالی قرار دارد. افزایش جمعیت و سطح زندگی‌مردم سبب ازدیاد نیاز به مواد اولیه خوراکی و خواربار شده است و این نیازها مطالعات و اجرای طرحهای بزرگ عمرانی را الزام‌آور ساخته است. برنامه‌ریزی صحیح بسیج و انتقال منابع آب کشور عامل اصلی موفقیت طرحها است. محدودیت‌های‌احتمالی بهره‌برداری ازمنابع آبی نقش بسیار بارزی در اقتصاد منطقه یا کشور ایفا میکنند.

بنابراین لازم است شناخت پارامترهای گوناگون معادله بیلان در سطح منطقه یا کشور انجام گیرد. مسلم است که با توجه به تعداد کم داده‌های موجود، این شناخت بسهولت انجام‌پذیر نخواهد بود ولی‌می‌توان‌با روشهای ریاضی و مقایسه‌ای تلاش بخاطر برآوردارزش منابع بالقوه و قابل بهره‌برداری را ادامه داد.

در چهارچوب بررسیهای اساسی بیلان عناصرزیر

۱ـ عوامل و پارامترهای گوناگون این بخش از مطالعات در ارگانیگرام شماره ۱ داده شده است، عناصر این برنامه‌ریزی در ارگانیگرام شماره ۱ آورده شده است.

باید دقیقاً مورد وارسی قرار گیرد:

- منابع بالقوه آب ایران
- نیازهای گوناگون
- برنامه‌ریزی تعادل منابع و نیازها
- مشخص کردن سیاست استفاده از منابع آب
- مطالعه محدودیتها
- بررسی اپتیمم کردن تلاشها
- محاسبه سرمایه‌گذاری
- بررسی و گزینش واریانتها

روش‌شناس بهره‌وری از منابع آب در ایران- هدف‌ها و سیاستها

بهترین سیاست در بهره‌برداری از منابع آب را اینگونه می‌توان خلاصه کرد: بیشترین استفاده از منابع بالقوه در مقام مقایسه با نیازها و به حداقل رسانیدن تلفات با توجه به صرفه‌جوئیهای آب. بنابراین محور چرخشی تلاشها بایستی در جهت درك و هم‌آهنگی عوامل سیکل منطقی منابع‌آب در یك منطقه باشد. بکمك شناخت منابع، نیازها و اطلاعات و داده‌ها از یکسو و ارتباطات منطقی بین این عوامل از سوی دیگر میتوان با کاربرد ابزار پیشرفته ریاضی و برنامه‌ریزیها در برآورد این‌هدفها اقدام کرد.

متاسفانه تاکنون اقدام منطقی برای‌محاسبه‌وبرآورد کلیه پارامترهای سیکل آب بعمل نیامده‌است وهیچگونه برنامه‌ریزی برای منظورو هدفهای پیش‌تعیین شده‌وجود نداشته است. بنابراین تلاشهای اساسی میباید در تلفیق سه بخش مهم زیر انجام‌پذیرد:

- برآورد نیازهای مختلف با آینده‌نگری رشد اقتصادی ایران

– منابع آبهای مهار شدنی
– داده‌ها و اطلاعات

۱– برآورد نیازهای مختلف

در بیلان کلی کشور پارامتر نیازها عامل بسیار مهم را تشکیل میدهد. با توجه به تحول مصرف‌ها که خود در رابطه مستقیم با تحول اقتصادی کنونی کشور است، بایستی در مقیاس مملکت کلیه نیازهای آبی برآورد شود. هم اکنون مطالعات پراکنده از نیازها به عمل آمده است. جمع‌آوری این مطالعات، تجزیه و تحلیل و بالاخره پیش‌بینی و آینده‌نگری لازم سرفصل مشخص سیاست آب کشور را تشکیل خواهد داد.

بطور کلی برآورد نیاز به آب بشرح زیر در سه بخش انجام خواهد گرفت:
– نیازهای کشاورزی
– نیازهای صنعتی
– نیازهای شهری

۱ر۱ نیازهای کشاورزی

همانگونه که گفته شد جهش اقتصادی کشور همگام با پیشرفت فعالیتهای کشاورزی قابل توجیه است. چون آبیاری صحیح یکی از ارکان اساسی پیشبرد کشاورزی است بنابراین ادامه‌و اجرای سیاستهای مشخصی در این زمینه به کمال ضروری است. ازدیرباز برآورد نیاز آبی در ایران و تامین‌آب کشاورزی درشمار برنامه‌های عمرانی گردانندگان اقتصاد کشور بوده‌است ولی بعلت نبودن یك برنامه‌ریزی صحیح توفیقی دراین رهگذر بدست نیامده است، بدیهی است پیش‌بینی نیازهای آبی برای آبیاری بایستی با کمال صرفه‌جوئی در مصرف آب انجام پذیرد. تحقق بخشیدن به این امر

مستلزم انجام مطالعه عمیق در نحوه جلوگیری از تلفات آب خواهد بود. این تلفات ادامه دارد و باید گفت متاسفانه بازده آبیاری در ایران هنوز یکی از پائین‌ترین بازده‌های آبیاری در جهان است، این عدم توجه در کشوری که قطره آب بهای زندگی دارد موجب نگرانی شدید است.

۲ر۱ نیازهای صنعتی و معدنی

ایران هم اکنون شاهد رشد اقتصادی خود وابسته به پیشرفتهای صنعتی و معدنی است. در یک چنین موقعیتی مصرف آب برای صنایع سنگین نظیر فولاد سازی کاغذسازی و غیره توجه طراحان طرحهای جامع را بخود معطوف میسازد. غالبا تامین آب برای هدف‌های صنعتی و معدنی مستلزم انجام‌هزینه نسبتاً سنگین است، ولی با توجه به اثر صنایع در اقتصاد وبازدهی این نوع تلاشها لازم است که این پارامتر را همواره‌در برنامه‌ریزیهای سیاست آب کشور مورد توجه قرارداد. چون غالباً این نوع مصرف همراه آلوده نمودن راه آبه‌ها است لذا باید پیشنهاد و ارائه طرحهای گوناگون مقابله با آلودگی نیز همزمان بمورد اجرا گذاشته‌شود. این نوع آلودگی هم‌اکنون در بخشی از صنایع و در برخی از نقاط کشور بروشنی بچشم میخورد.

۳ر۱ـ نیازهای شهری

توجه به بهداشت مصرف‌آب‌شهرها ومراکزجمعیت و تامین سیستمهای بهداشتی مصارف شهری آب در کلیه برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای از نتایج تحول یك‌جامعه با اقتصادشکوفااست. بلحاظ تخصیص سرمایه‌گذاریها، این نوع مصرف از اولویت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. تامین آب آشامیدنی و مصارف خانگی چه درسطح

یك شهر و چه در سطح روستاها از هدفهای اساسی‌و بی‌چون وچرا است، زیرا تقاضا و درخواست آب آشامیدنی بهداشتی از ویژگیهای جامعه پیشرووومتمدن است. توفیق در این راه گسترش هر چه بیشتر تلاشهای آب‌یابی زیرزمینی و تغذیه مصنوعی خواهد بود که هم‌اکنون با آهنگ کندی دنبال میشود.

۲ـ منابع آب مهار شدنی

برای تامین نیازهای گوناگون آب، دستگاه مسئول آب کشور باید کلیه منابع آبی را با توجه به ملاحظات اقتصادی بسیج نماید بنحویکه یك قطره آب بدون استفاده نماند. جلوگیری از اتلاف آب و صرفه‌جوئی‌در آن چه در مقیاس بزرگ نظیر جریان بطرف کویرها، تبخیر و چه در حد کوچك نظیر نفوذ در مزرعه قابل ملاحظه است. برنامه بسیج منابع آب مهار شدنی باید جامع بوده و کاملا با سیاست بهترین‌استفاده وبهره‌وری از منابع آب کشور مطابقت داشته باشد. اصولا مهار منابع آبی نمیتواند خارج از موارد زیر باشد:

آبهای سطحی شامل:

- آبهای جاری بطرف دریاها و دریاچه‌ها (رودخانه‌ها)
- آبهای جاری بطرف کویرها (محاصرهٔ کویرها)
- جریان آب خروجی از مرزها
- مصرف مجدد از آبهای سطحی و پس‌آبها

آبهای زیرزمینی شامل:

- جریان آب زیرزمینی بطرف کویرها
- اتلاف آب در انهار
- بهره‌برداری مستقیم از آبهای زیرزمینی
- آب نگهداری شده در خاك

سایر منابع شامل:

- آبهای شور (شیرین کردن آبهای شور)

- باروری ابرها

ارزش‌یابی پایه‌های اساسی منابع، تحت نظم یك برنامه جامع انجام نگرفته وحتی اقدامی در بررسی‌برخی از نکات فوق بعمل نیامده است.

۱ر۲- آبهای سطحی

۱ر۱ر۲- آبهای جاری بطرف دریاها و دریاچه‌ها (رودخانه‌ها)

کلیه رودخانه‌هائیکه بطرف خلیج فارس و بحرخزر جاری میشوند بایستی در چهارچوب طرحهای عمرانی و استفاده بهتر و منطقی‌تر از آب، کنترل شوند. این کنترل ممکن است با احداث سیستم سدها یا انحراف آب به اراضی حاصلخیزتر انجام پذیرد. بدیهی است در مقام کنترل این آبها لازم است مطالعات جامع انجام پذیرد و اولویت‌ها بهرلحاظ در نظر گرفته شوند. اولویت‌ها با توجه به ملاحظات سیاسی، اجتماعی‌وسایر محدودیتها تعیین خواهد شد، استفاده از این آبهاعلاوه بر احداث سدها در صورتیکه ملاحظات اقتصادی اجازه دهد میتواند بکمك طرحهای پرهزینه نظیر پمپاژ آب به ارتفاعات بالاتر نیز انجام پذیرد. محاسبات اقتصادی حفظ یارد این طرحها را تائید خواهد نمود. طرحهای بسیج منابع آب در آینده، محیط سالم، بهره‌برداری بیشتر، جلوگیری از پیشرفت کویر، افزایش قدرت بالقوه و غیره را ایجاد خواهد نمود. بخشی از آبها که به خلیج‌فارس یا دریای عمان یا دریاچه رضائیه وارد میشوند، در مسیر خود از تشکیلات گچی و نمکی می‌گذرند و در این صورت غیرقابل‌استفاده برای‌کشاورزی و آشامیدن میگردند، مقدار این آبها به ۵ میلیارد مترمکعب میرسد که بایستی بکمك سدهای مخزنی و انحرافی از شور شدن و گچ‌دار شدن این

آبها جلوگیری نمود. تلاشهای پراکنده‌ای در این زمینه بعمل آمده است.

۲ر۱ر۲ـ آبهای جاری بطرف کویر (محاصره کویر)

نظر به وضعیت شکل‌شناسی ایران ملاحظه میشود که سلسله جبال البرز و زاگرس در حالیکه کویر را محاصره کرده، خود منبع ریزشهای جوی آنرا تشکیل میدهند. با توجه به این شکل شناسی میتوان دریافت که جریانهای آب غیر دائمی و طغیانهای بهاره بطرف کویر سرازیر میشوند. در سیاست بیشترین استفاده از منابع لازمست که این نوع آبها کنتـــرل و مـــورد بهره‌برداری قرار گیرند. در این صورت از پیشروی کویر جلوگیری بعمل آمده باندازه قابل‌ملاحظه‌ای این نوع کنترل در ملایم کردن آب‌و هوا و پائین‌آوردن‌درجه حرارت شهرهای حاشیه کویر نظیر قم و اصفهان نقش ارزنده‌ای را ایفاء خواهند نمود. راه آبه‌ها و مسیل‌هادر پای کوههای مرکزی که جریان آب به طرف کـویر را تامین میکنند کاملا بصورت گسترده‌ای مشهود است.

تمامی طرحهای اطراف کویر با یك دید اقتصادی مورد نگرش قرار نخواهند گرفت. از ابتدا بـــایستی مبادرت باجرای طرحهای اقتصادی نمود وسپس بتدریج به دیگر طرحها پرداخت، بهر صورت دست‌آورد این تلاشها بایستی منجر به محاصره کویر شود.

بعنوان مثال هم اکنون سه سد امیرکبیر، فرحناز پهلوی و گلپایگان ساخته شده‌اند و مطالعات سد ساوه و قم نیز پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده است و این‌پنج سد در چهارچوب سیاست محاصره کویر بـــا دیگـــر تاسیسات پیشنهادی میتوانند مجموعه مفیدی راتشکیل دهند.

اضافه مینماید با بالا رفتن‌درآمدملی میتوان امیدوار

بودکه در آینده محاصره کویر را با تلاش بیشتر دنبال کرد و از دست رفتن نزدیك به ۳ میلیاردمتر مکعب‌آب بطرف کویر جلوگیری نمود.

۳ر۱ر۲ـ آب خروجی از مرزها

همه ساله مقادیر بسیار زیادی ازمنابع آبی‌کشور از مرزهای ایران خارج میشود، مهار، تنظیم و احتمالا انحراف این آبها درصورتیکه مقررات بین‌المللی اجازه دهد باید یکی از هدفهای اساسی جمع‌آوری منابع آب باشد. کشوری که خود به قطره‌های آب نیاز حیاتی‌دارد نباید اجازه‌دهدکـه منابع آبی‌آن بدون توجه و عـدم برنامه‌ریزی صحیح از مرزها خارج و از دسترس دور گردد.

٤ر۱ر۲ـ مصرف مجدد ازآبهای سطحی‌و تصفیه‌پس‌آبها

برای افزایش بهره‌وری از آبها بویژه در مناطقی که ملاحظات اقتصادی اجازه میدهد و ارزش آب از نرخهای بالائی بهره‌مند است میتوان از واحد بده آبهای زائد، فاضلابها و پس‌آبها چندین مرتبه استفاده کرد و بدین وسیله سیکل بسته‌ای بوجود آورد. در سیکل بسته از بهره‌برداریهای منابع آب سعی خواهد شد، تلفات‌مسیر بحداقل برسد.

۲ر۲ـ آبهای زیرزمینی

۱ر۲ر۲ـ جریان آب زیرزمینی بطرف کویر

همان مطالبی که در مورد آبهای سطحی که بدون بهره‌گیری وارد دریاچه‌های شور میشوند و یا اینکه از تشکیلات گچی و نمکی عبور میکنند گفته شد، درمورد آبهای زیرزمینی نیز درست است. همه ساله مقادیـر زیادی بالغ بر حدود ۳ میلیارد متر مکعب آب از لایه‌

های زیرزمینی وارد کویر وسیع شرقی ایران میشود بنابراین بایستی اقدامات زیر در این زمینه بعمل آید:

ـ با احداث چاه و تلفیق آن با قنوات و بالاخره پمپاژ آنها از ورود آب سفره‌های زیرزمینی به سفره زیرزمینی کویر جلوگیری کرد.

ـ همانند مسئله آبهای سطحی از تماس آبهای زیرزمینی نیز با تشکیلات گچی و نمکی جلوگیری‌نمود.

ـ جلوگیری ازجریان آبهای‌زیرزمینی بطرف دریاها و دریاچه‌های شور.

بدیهی است اجرای یك چنین طرحهائی بویژه به لحاظ مصرف انرژی زیاد پر هزینه خواهد بود ولی با توجه به تعداد زیاد ساکنان شهرهای حاشیه کویرنظیر یزد و کرمان و با در نظر گرفتن سالهای خشك متوالی مطالعه یك چنین طرحهائی کاملا ضروری بنظر میرسد. در صورتیکه آبهای زیرزمینی حاشیه کویرها جمع‌آوری گردد بدون شك دو هدف زیر تامین شده است:

ـ ساکنان شهرهای حاشیه کویر که بخشی ازآب آشامیدنی خود را بسختی تامین میکنند از رفاه‌وآسایش بیشتری برخوردار خواهند شد و با فکری آسوده مثلا مشغول ادامه صنعت دستبافی قالی که ویژه این منطقه است خواهند گردید.

ـ آب پمپ شده و جمع‌آوری شده‌به مصرف آبیاری حاشیه کویر خواهد رسید.

با اینکه ارزش کیفی اراضی اطراف کویر متوسط است تاکنون از ابزار مکانیکی مناسب کشاورزی استفاده نشده است، بدیهی است بدلیل افزایش جمعیت طرحهای آبرسانی شهری با وجود گرانی‌نسبی آن بمورد اجرا گذاشته میشود، ولی نباید چنین طرحهائی را مردود شناخت.

۲ر۲ر۲ـ اتلاف آب در انهار

یکی از منابع قابل ملاحظه آب جلوگیری از اتلاف آب در کانالهای آبیاری و غیره میباشد. اصولا جز در مواردمحدود، انهارآبیاری درایران بصورت سنتی وغیر فنی در زمانهای قدیم‌ساخته شده‌اند و طبق آزمایشهای انجام شده در جنوب ایران (منطقه شیراز) در طول ۱٦ کیلومتر یك نهر، مقادیر آبهای تلف شده راتا ۷۱درصد اندازه گیری کرده‌اند در صورتیکه ۸ کیلومتر از این کانال توسط سنگ و ملات پوشش داده شده بود. جمع‌آوری و بهره‌برداری این نوع منابع نسبت بسایر منابع آبی نسبتا ارزان و اقتصادی خواهند بود وبالا بردن راندمان و جلوگیری از تلفات باید یکی از سرفصلهای عمده سیاست برنامه‌ریزی منابع آبی باشد.

مسئله جلوگیری از تلف شدن آب همانند یك منبع جدید و مشهود مورد تقاضای مردم نیست، ولی نظربه اهمیت ویژه برآورد و ادامه روشهای جلوگیری‌لازمست توجه زیادی به آن معطوف گردد.

۳ر۲ر۲ـ بهره‌برداری مستقیم از آبهای زیرزمینی

بهره‌برداری مستقیم از آبهای زیرزمینی ازدیرباز در تمام نقاط ایران سابقه طولانی دارد و هم اکنون مقادیر زیادی از نیازهای آبی در شکل‌های گوناگون به وسیله منبع آبهای زیرزمینی برطرف میشود. این بهره‌برداری بصورت استخراج از چاههای عمیق، نیمه عمیق قنوات و تلفیق قنوات با چاههای عمیق عمل میشود.

توجه به جلوگیری از اسراف در بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی و هم‌آهنگی بهره‌برداریهای تلفیق‌شده آبهای سطحی و زیرزمینی نکات اصلی این نوع‌بهره‌برداری را تشکیل خواهد داد.

۴ر۲ر۲ـ آب نگهداری شده در خاك

خاکهای مختلف با توجه به بافت و ساختمان فیزیکی خود مقادیر زیادی از ریزشها را در فصول مرطوب در فضای بین دانه‌ای ذخیره میکنند. در مناطق خشك نظیر ایران سیستم کشت دیم بر اساس استفاده از این نوع منابع عملی است. در این زمینه حتی شبنم حاشیه کویر نیز بخشی از منابع رطوبی دیم‌کاری را تشکیل میدهد. گسترش این نوع بهره‌برداریها باتغییر معقول و منطقی بافت و ساختمان فیزیکی خاك به‌یاری شخم‌های بموقع و حساب شده میتواند روشنگر منبع آبی قابل ملاحظه‌ای باشد.

۳ر۲ سایر منابع آب

۱ر۳ر۲ـ شیرین کردن آب شور دریاها و دریاچه‌ها

در برخی از نقاط ایران مانند جزائر خلیج‌فارس و بنادر واقع در سواحل جنوب یافتن آب آشامیدنی با روشهای معمول مشکل و چه بسا غیرممکن‌است، بنابر-این با توجه به هزینه گزاف روش شیرین کردن آب شور باید پس از مطالعه کافی در توسعه آن کوشش کرد. علاوه بر بنادر و سواحل جنوب، در کویر لوت دریاچه‌های شوری وجود دارند که میتوان با شیرین کردن آب آنها، آب آشامیدنی بخشی از واحه‌نشینان را تامین کرد. در هر صورت در برنامه‌ریزی منابع آب درسطح‌کشور نیز نباید امر مهم‌کوچ به‌قطبهای جذب جمعیت را از نظر دور داشت. در این رشته نیز جزبرای تامین‌هدفهای‌ویژه موضعی هیچگونه پیشرفت‌گسترده‌ای حاصل نشده است.

۲ر۳ر۲ـ بارروری ابرهاـ استفاده چند باره از آبها

تولید ریزشهای جوی از طریق بارروری ابرها نظر

کارشناسان آب را همواره بخود جلب کرده است. در ایران نیز آزمایش‌ها و تحقیقات چندی در این مورد انجام گرفته است. اساسا بهره‌برداری از این منبع هنوز بصورت عملی و اقتصادی درنیامده است و بایستی دامنه تحقیقات در این باره گسترش یابد و کاربرد عملی این تحقیق درآینده میتواند در برخی از نقاط ایران کمك شایسته‌ای در نظم توزیع ریزشهای جوی بعمل آورد. استفاده چند باره از آبها نیز میتواند منبع جدیدی را بوجود آورد.

۳ـ داده‌ها و اطلاعات

برای رسیدن بهدف برنامه‌ریزی دینامیك علاوه بر برآورد منابع و نیازها (جهت ارتباط بین پارامترها و یا تشخیص بزرگی و ویژگیهای واقعی هر تلاش) لازم است کلیه داده‌ها و اطلاعات اولیه جمع‌آوری گردد وبا سیستم کاملا علمی و ریاضی طبقه‌بندی و در یك مرکز بنام بانك اطلاعات آب نگهداری شود. تاکنون در مقیاس کشور بررسیهای بسیار فراوان در مورد آب بعمل آمده است ولی این بررسیها بهیچوجه در الگوی علمی جمع‌آوری و در دسترس نیازمندان فنی گذاشته نمی‌شود. چه بسا این نقص مسلم دوباره کاریها رابدنبال داشته‌است. تاسیس بانك اطلاعات یاد شده بایستی به سرعت تحقق پذیرد. اساسا داده‌ها و اطلاعات از دوراه در دسترس برنامه‌ریز قرار میگیرد:

۱ر۳ـ منشاء آزمایشگاهی

چون برخی از پدیده‌ها رانمیتوان در شاخص واقعی مورد کنکاش قرارداد،لذا لازمست‌به‌نسبت منطقی‌وعلمی آنها را با ابزار تشابه ریاضی یا فیزیکی، کوچك نمود و سپس مبادرت به تحقیق کرد. در این زمینه

کنش و واکنش پارامترهای شیمی یا اندازه‌های فیزیکی نیز قابل بحث و مطالعه است. اصولا اطلاعات آزمایشگاهی بدلیل دستیابی سریع به نتایج برای محقق بسیار جالب خواهد بود. نقص مسلم این روش در تعمیم نتایج آن باندازه‌های طبیعی است. کاربرد هم‌زمان نتایج تجربی و آزمایشگاهی بدون شك دست‌آوردهای ارزنده‌ای در اختیار برنامه‌ریز منابع آب کشور خواهد گذاشت.

۲ر۳ منشاء مستقیم از طبیعت

درست‌ترین داده‌ها در صورتیکه در شرایط کاملا علمی جمع‌آوری شده باشد از سنجش‌های مستقیم از طبیعت بدست میاید. اندازه‌گیریهای مستقیم از عوامل تشکیل‌دهنده پارامترهای طبیعی با ارزش‌ترین اطلاعات را در اختیار طراح قرار میدهد. سیاست جمع‌آوری داده‌ها و اندازه‌گیریهای مستقیم باید بطور همیشگی دنبال شود. تحول فنی یك جامعه در گرو دستیابی به نتایج سنجشهای مستقیم درازمدت پارامترهای طبیعی است. نقص این روش در زمان طولانی جمع‌آوری اطلاعات و آماده کردن شرایط طبیعی اندازه‌گیریها خلاصه شده است. چون جمع‌آوری اطلاعات، پایه‌اساسی هر طرح جامع منطقی است بنابراین لازمست کمال دقت در دسترسی‌ها و اندازه‌گیریها به عمل آید. سیستم سنجش‌های موجود بایدبرحسب هدفهای پیش تعیین شده برنامه‌ای تغییر نماید.

٤ـ برنامه‌ریزی منابع آب

۱ر٤ـ داده‌های برنامه‌ریزی

ـ هنگامیکه تعادل منابع و نیازها با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده مشخص شد، برنامه‌ریزی منطقه‌ای یا کشوری با توجه به داده‌های زیر پایه‌بندی خواهد شد:

- تعیین هدفهای توسعه منابع آب
- تشخیص داده‌های لازم برنامه‌ریزی
- طرح روش‌شناسی برنامه‌ای
- کاربرد طرحهای آب در سیستم برنامه‌ای- روش انفرماتیك
- تحلیل طرحهای توسعه آب
- دخالت محیط بلحاظ زیست وآلودگی‌دربرنامه‌ها
- کاربرد سیستم تحلیلی در برنامه‌ریزی آب
- دخالت عوامل جنبی در برنامه‌ریزی
- تحول نیازهای آبی
- طرحهای چند منظوره
- نیازهای وابسته در طرحهای چند منظوره
- تجانس در کاربرد طرحهای چند منظوره
- تخصیص هزینه‌ها برای طرحهای چند منظوره
- صرفه‌جوئی در مصرف منابع

عوامل گفته شده فوق همانند پایه و اساس برنامه‌ریزی دینامیك توسعه منابع آب کشور وبمنزله داده‌های برنامه است.

۲ر٤- هدفها

هدف عبارت از توزیع منطقی منابع گوناگون آب در سطح کشور بشرح زیر است:

- منابع آب برای آبیاری A درصد
- منابع آب برای مصارف صنعتی B درصد
- منابع آب برای مصارف شهری C درصد
- منابع آب برای تولید نیروی حرارتی D درصد
- منابع آب برای مصارف نیرو بوسیله مراکز هسته‌ای و اتم E درصد
- منابع آب برای سایر مصارف واتلاف F درصد
- منابع آب برای مصارف تولید نیروی‌آبی G درصد

۳ر۴ـ ضوابط طرح جامع توسعه منابع آب

ضوابط طرح جامع توسعه منابع بشرح زیر خلاصه میشود:

- طبیعت ویژه زندگی‌بخش آب
- توجه به طبیعت جهانی و بین‌المللی آب
- محدودیتهای اقتصادی بیلان آب
- آلودگی آب
- تخصیص سرمایه‌گذاریهای بزرگ برای‌طرح‌های آب
- توجه به هدفهای اساسی توسعه منابع آب
- توجه به صرفه‌جوئی شدید در مصرف آب

۴ر۴ـ گرفته‌ها ـ طرح جامع کشوری جهت بهره‌برداری و حفاظت منابع آب همگام با برنامه‌ریزی اقتصاد ملی

با آنچه که گذشت استخوان‌بندی و شبکه‌بندی برنامه‌ریزی توسعه منابع آب مشخص شد. اکنون سعی میشود گرفته‌ها از برنامه‌ریزی طرح جامع منابع‌بنحویکه هم‌آهنگ با تحول اقتصادی و صنعتی کشورباشدمورد بررسی قرار گیرد.

۱ر۴ر۴ اساس اطلاعات توسعه رشته‌های اصلی‌اقتصادی ملی

در این زمینه برنامه‌های درازمدت و آینده‌نگری‌های توسعه اقتصادی از هر نوع کشاورزی، صنعتی، تحول جمعیتی و غیره بایستی در برنامه‌ریزی توسعه منابع گنجانیده شود.

۲ر۴ر۴ـ بخشهای عمده طرح جامع توسعه منابع آب

بخشهای عمده زیر تاروپود طرح جامع را از نظرگاه برنامه‌ریز در مقیاس کشوری مشخص مینماید:

ـ ملاحظات اقتصادی
ـ منابع آب
ـ مصرف آب و در اختیار داشتن فاضلاب کارخانجات و شهرها
ـ توسعه و بهبود کشاورزی
ـ بهره‌برداری از نیروی آب
ـ استفاده از منابع آبی بعنوان آب راهه
ـ پرورش ماهی
ـ کاهش آلودگی
ـ خسارات ناشی از آب
ـ بیلان منابع آب
ـ استفاده چندباره از یك واحد حجم آب (استفاده مجدد و تصفیه پس‌آبها)

۵ـ سیاست و خط مشی استفاده از منابع آب

خطوط اصلی برنامه‌ریزی در مقیاس کلی مشخص و شبکه‌بندی آن تعیین شد. با در دست داشتن ابزار برنامه(*) بایستی تحت سیاستی مشخص، بهروری از منابع آب و برآورد نیاز مصرف‌کننده تامین شود و سپس مطالعه امکان‌یابی‌در جهت طراحی تاسیسات بزرگ هیدرولیکی (ظرفیت مخازن، ارتفاع سدها، تونل‌های آب بر، کانالها، ایستگاههای پمپاژ وغیره) ادامه داده شود. در حقیقت در این مرحله از برنامه‌ریزی توزیع جغرافیائی و ویژگیهای فنی مراکز ایجاد تحرك و نیروی بالقوه منابع آب از یکسو و انتقال از مخازن و مراکز انبارش به محدوده و مکانهای مصرف از سوی دیگر مورد کنکاش قرار خواهد گرفت. تاکنون اقدامات

* عناصر این برنامه‌ریزی در ارگانیگرام شماره ۲ داده‌شده‌است.

انجام یافته در زیر یک چتر سیاست و خط مشی استفاده از منابع آب نبوده است و بدین لحاظ نارسائیهای جدی بچشم میخورد.

۱ر۵ـ مراکز ایجاد تحرك و نیروی بالقوه منابع آب، مخازن (مهار کردن و انبارش)

نتیجه برنامه‌ریزی طرح جامع در سطح کشور یا محدوده‌ای از آن، انتخاب مراکز ایجاد تحرك و مخازن را بدنبال خواهد داشت. تاسیسات اساسی این بخش از تلاشها در پنج گروه بنحو زیر خلاصه میشود:

- مخازن آبهای سطحی و دریاچه‌های مصنوعی
- مخازن آب سیستم‌های تپه ماهوری
- مخازن آب زیرزمینی و تغذیه مصنوعی سفره‌های آب‌زیرزمینی
- مخازن پلکانی با سیکل بسته پمپاژ (Pump Storage)
- تاسیسات آبشار جهت تولید نیروی برق آبی

۲ر۵ تاسیسات انتقال از محل مخازن به محدوده‌های مصرف (آبرسانی و پخش)

با توجه به ملاحظات اقتصادی و ارتباط بین‌مخازن، لازم است آبهای انبار شده به محل مصرف کشاورزی صنعتی و شهری منتقل شود. تاسیسات انتقال بشرح زیر دسته‌بندی میشوند:

تاسیسات بندهای انحرافی، تاسیسات انتقال زیرزمینی (تونلها)، تاسیسات انتقال آبرسانی شهری (لوله‌کشی) تاسیسات انتقال در سطح مزرعه (انهار درجه ۳ و ٤) و گسترش آبیاری قطره‌ای جهت صرفه‌جوئی در مصرف آب

۳ر۵ـ تحقیقات علمی

در برنامه‌ریزیهای دینامیك همواره پژوهشهای علمی مقام‌ویژه‌ای دارند، اثر تحقیقات‌علمی جزءجداناپذیر کنترل روند اجرائی برنامه‌ریزیها و فراهم ساختن‌ابزار کاربردی آن است.

۶ـ محدودیت‌ها

هنگامیکه کلیه طرحهای جامع توسعه منابع آب برنامه‌ریزی شد، باید جهت انتخاب واریانت‌ها و راه حلهای مناسب‌تر و اقتصادی‌تر عوامل محدود کننده‌را دخالت داد. عوامل محدود کننده ممکن است از نوع فنی نظیر محدودیتهای فنی و بهره‌برداری بوده و یا منشاء غیر فنی محدودیتهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نیروی انسانی باشد. بهرحال این عوامل همانند اولین سیستم حذف کننده و انتخاب کننده (فیلتر) عمل خواهند کرد.

۱ر۶ـ محدود کننده‌های اقتصادی

پارامترهای اقتصادی در تکنولوژی برنامه‌ریزیهای امروزه نقش بسیار قاطع ایفاء میکنند. اقتصادتوسعه منابع آب اصولا همبستگی بسیار نزدیك با سایرطرح‌های عمرانی نظیر گسترش صنعت، معادن، صنعت غذائی و غیره دارد. بنابراین محاسبات اقتصادی در مورد طرح توسعه منابع آب در مقیاس منطقه‌ای وبطور مطلق، کاملا نامعنی‌دار است.

ممکن است یك طرح بلحاظ شرایط طبیعی‌منطقه‌ای کلیه ویژگیهای مناسب را دارا باشد ولی بعلت عدم دسترسی به بازاریا گرانی‌عملیات (محدودیت اقتصادی) نتوان اقدام به اجرای یك طرح ویژه نمود.

۲ر۶ـ محدودیت سیاسی

شرایط و عوامل سیاسی یك کشور در تسریع و کندی طرحهای توسعه منابع آب دخالت بدیهی دارند. اغلب اتفاق میافتد که حوضه آبریزیك رودخانه در یك کشور و مناطق مصرف در کشور دیگراست. درکشور-های اروپائی بدلیل کوچك بودن آنها، رودخانه‌هـــای فراوانی هستند که از چند کشور عبور میکنند، بنابراین اقدام به سرمایه‌گذاری و اساساً تخصیص‌عوامل برنامه‌ای مستقل از ملاحظات سیاسی نمیتواند باشد، بصورت مثال میتوان گفت بدلیل توسعه بنادر جنوب و عمران سواحل خلیج فارس تامین آب با روش شیرین کردن آب‌شور نمیتواند بعنوان یك طرح غیر قابل اجراء به دلیل پیچیدگی تکنیك و گرانی تلقی شود.

۳ر۶ محدودیت اجتماعی و نیروی انسانی

جهش‌های اقتصادی بویژه وابسته به توسعه منابع آب چه در حال اجراء و چه در دوران بهره‌برداری نیاز زیاد به موقعیت اجتماعی و نیروی انسانی بلحاظ‌چندی و چونی دارند. در مناطقی که الزاماً بایستی نیـــروی انسانی با صرف هزینه و قبول مشکلات معنوی ازخارج منطقه وارد شود، عامل اجتماعی یك عامل ترمز کننده روند مناسب طرحهای توسعه منابع آب خواهد بود.

نوع تخصیص منابع آب به قطب‌های صنعتی یـــا کشاورزی نیز کاملا با فرهنگ و شعور اجتماعی در ارتباط است. بعنوان‌مثال بخشی ازکشور که استعداد صنعتی شدن دارد، محدودیتی در تخصیص نیـــروی انسانی آن مناطق بقطب‌های توسعه منابع آب بـــرای کشاورزی بوجود خواهد آورد. این موضوع در وضعیت کنونی از مرحله بحث و گزارش بصورت پراکنده‌تجاوز نکرده و جنبه عملی بخود نگرفته است.

٤ر٦ محدودیت تکنولوژی

محدودیت‌های فنی در برنامه‌ریزی دینامیك‌طرح‌های بسیج و مهار منابع آب ضریب تاثیر پر اهمیتی را بخود اختصاص میدهد. محدودیتهای فنی با توجه به مسائل گوناگون برنامه‌ریزیهای توسعه منابع آب به تعداد زیاد بوده و غالباً بسیار متنوع هستند، بعنوان مثال میتوان موارد زیر را بویژه در ایران یادآوری کرد:

ـ جریانهای روباز و زیرزمینی آب بایستی‌بنحوی انجام پذیرد که جهت جریان از مناطق شور عبور نکند.

ـ بهیچوجه نبایستی جریانهای روباز و زیرزمینی آب از مناطقی که سطح‌آب زیرزمینی بالا است عبور کند.

ـ انحراف آب نباید طوری انتخاب شود که جهت جریان به شمال یا شرق کشور باشد.

ممکن است این شکل برداشت از مسئله در برخی موارد مشکل بنظر برسد ولی با پیشرفت تکنولوژی و علم، مسلماً میتوان راه حلهای منطقی و کم‌هزینه پیدا کرد. نظائر این نوع برداشت‌ها در ایالات متحده‌امریکا، روسیه و استرالیا مورد اجرا درآمده است.

این طرحها با توجه به بزرگی ویژه خود خالی از اشکال نیستند و بایستی تدریجا آنها را بمرحله اجراء نزدیك کرد.

٥ر٦ـ محدودیت بهره‌برداری

در اجرای طرحهای بزرگ توسعه منابع آب بایستی همواره به قابلیت بهره‌برداری سیستم توجه نمود. کارآئی و بازدهی طرحهای مربوط به منابع آب در گرو این عامل محدود کننده است. در دنیا بسیار اتفاق افتاده که موفقیت برخی از طرحها بعلت عدم ملاحظه کافی در این مورد با ناکامی روبرو شده است.

بعنوان مثال میتوان موارد زیر را یادآوری کرد:

ـ کاربرد تجهیزات نوین و پیچیده در منطقه‌ای که دسترسی به قطعات یدکی و ساخت برخی از لوازم، سریع و آسان نیست.

ـ کاربرد تجهیزات بهـــره‌بـرداری پیچیـــده در قطب‌هائیکه هنوز باندازه کافی مهارت فنی وجودندارد.

ـ ساختمان تاسیسات بزرگ آبی در نقطه‌ای از رودخانه بنحویکه سرآب یا پایاب آن هنوز ظـــرفیت بالقوه قبول اثرات ناشی از آن را ندارند.

روش‌شناسی و برنامه‌ریزی توسعه برق‌کشور

کلیات

موقعیت کنونی ایران در اقتصاد جهانی وبرنامه‌های این کشور در مورد توسعه‌های اقتصادی و شئون اجتماعی ایجاب میکند که سیاست‌های جدیدی بـــرای دیدگاه انرژتیك کشور ارائه گردد. اساسا تامین‌انرژی کشور بلحاظ کمیت و کیفیت با شرایط ده‌سال گذشته کاملا متفاوت است، این تفاوت بعلت موقعیت وشرایط ایران در زمینه تلاشها و جهش‌های اقتصادی و وارد شدن در ردیف ممالکی است که در دنیای آزاد اقتصاد، تعهدات تولید و تامین مواد اولیه و ساخته شده راقبول کرده‌اند. بنابراین مسئله تولید و مصرف انـــرژی در ایران نباید منحصرا در چهارچوب شرایطداخلی مورد بررسی قرار گیرد بلکه امکانات تولیدی برای صادرات ایران و صنایع سنگین در مقیاسهای بین‌المللی نیـــز بایستی مورد توجه قرار گیرد، بعبارت دیگر انرژی و تامین آن در قالب تولیدات منطقه‌ای ویژه ممالکی گردد که متقابلا با ایران در کارهای سرمایه‌گذاری شرکت نموده‌اند. اینك می‌پردازیم به نیروی مورد نیاز کشور از سال ۲۵۱۵ شاهنشاهی به‌بعد.

دوره ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰

در این دوره بهره‌گیری از نیروی برق برای‌مصارف شهری از ۳۰۰ هزار به ۵۰۰ هزار کیلـــو وات رسیده است (رشدی معادل ۷۵ر۱۰ درصد)

دوره ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵

میزان رشد در این دوره بعلت افـــزایش مصارف خانگی و تجاری بوده و نیازها را تا حدود ۹۰۰ هزار کیلو وات بالا برده است (رشدی معادل ۵ر۱۲ درصد)

دوره ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵

در این دوره بواسطه بوجود آمدن صنایع کوچك و گسترش سریع آنها، میزان متوسطرشدبه ۳ر۱۷درصد افزایش یافت و میزان نیاز مملکت به نیروی برق به حدود دو میلیون کیلو وات رسید.

دوره ۲۰۳۰ تا ۲۰۳٦ (دوره صنعتی و کشاورزی)

گسترش بزرگ‌صنعتی‌مقیاس‌منطقه‌ای (شرکت در کارهای بزرگ صنعتی با سایر کشورها) و توسعه تجاری در مقیاس بزرگ بین‌المللی ایجاب مینمود که توسعه شبکه‌های بزرگ به روستاها، سیستم‌هـــای سریع حمل و نقل و تامین رفاه بیشتر اجتماعی برای خانواده‌ها تحقق پذیرد

در موقع گزینش برنامه‌ای جهت افزایش منابـع اقتصادی، نیروی برق نقش برجسته‌ای را بازی میکند. علاوه بر آن نیروی برق در بهسازی محیط زیست و افزایش کیفیت زیست به کمال پر اهمیت است. براین پایه و با توجه به اهمیت گسترش نیروی برق بایـد مطالعات درازمدت و با مقیاس و روشهای جدید ارائه گردد.

با این مقدمه باید قبول کرد که منابع انرژی و سیستم‌های تامین برق با کیفیت عالی میتواند راه‌گشای انجام سایر برنامه‌های توسعه اقتصادی شود. بدون ایجاد روشها در زمینه تامین برق، برنامه‌های اساسی و عظیم مملکت دچار مشکلات خواهد شد بنابراین با توجه به حیاتی بودن تامین‌نیروبرای برنامه‌های کشوری لازم است سرفصلهای زیر دقیقا مورد بررسی وکنکاش قرار گیرد:

- امکانات انرژتیك ایران (منابع انرژی)
- نیازهای مختلف به‌انرژی
- برنامه‌ریزی تعادل امکانات و نیازها
- خط‌مشی مصرف انرژی و استفاده از سیستم‌ها
- مطالعه محدودیت‌ها
- بررسی اپتیمم کردن تلاشها
- محاسبات سرمایه‌گذاری
- انتخاب راه حل‌ها و اولویت‌ها

سیاست هماهنگ در مصرف انرژی و توسعه سیستم‌های تامین برق کشور

(هدفها و برنامه‌ها)

امروزه علاوه بر پارامترهای فنی و اقتصادی‌توسعه منابع و سیستم‌ها، مصرف انرژی نیز درخور اهمیت است. کاربرد روشهای انتقال و مصرف انرژی زیربنای بهسازی محیط زیست را تشکیل میدهد و قابلیت اعتماد، کنترل و حفاظت در مصرف (برای تامین رفاه مصرف‌کننده) را تامین خواهد نمود. از اینجا معلوم میگردد که هماهنگی و کنترل عملیات در مصرف انرژی تا چه اندازه پر اهمیت است. بنابراین ایجاد سیستم ارتباط منطقی بین منابع، نیازها، اطلاعات و داده‌ها کاملا ضروری است. این امر بکمك روشهای علمی و

برنامه‌ریزیهای اصولی و مستدل امکان‌پذیر خواهدبود.

تاکنون در زمینه توسعه‌سیستم‌های انرژی ومصرف آن هیچگونه توجهی باصول هماهنگی و برقراری ارتباط بین پارامترهای فوق و در نتیجه ارائه یك روش نوین در مصرف انرژی نشده است. (حوادث اخیر بر زمینه مسائل مربوط به برق کشور یکی از نشانه‌های این عدم توجه است.) سیاست‌های ضد و نقیض توسعه سیستم‌های حمل و توزیع مواد نفتی، گازی و الکتریکی در مراکز عمده مصرف را به عنوان مثال باید نام برد.

امروزه در اغلب کشورها این اصل ساده پذیرفته شده است که سرمایه‌گذاری‌های بزرگ برای منبع توزیع گاز در داخل شهرها برای مصارف خانگی به دلائل زیر تا چند سال‌آینده‌دیگر انجام نخواهدپذیرفت:

- آلودگی محیط که از طریق سوخت‌های مختلف در شهر بوجود می‌آید.

- خطرات استفاده از این سیستم‌ها و عدم امکان کنترل کامل بلحاظ ایمنی از دستگاههای خانگی.

- امکان آتش‌سوزیهای بزرگ در اثر شکستن لوله‌های سالم (ایران در منطقه زلزله‌خیز قرار داد.)

- سرمایه‌گذاری و تاسیسات گران‌قیمت و تکراری در سیستم‌های انرژی.

سازمان‌های تامین نیروی برق باید سیاستی را اتخاذ بکنند که تا به هم‌آهنگی با سازمانهای تهیه‌کننده سوختهای فسیلی روش تولید نیرو در مناطق دورافتاده را پی‌گیری و سیستم‌های توزیع برق با شرایط کیفی و کمی پیشرفته‌ای را ارائه نمایند. در اینصورت به بهسازی محیط‌زیست کمك میشود و از وسائل جدید برقی که از لحاظ کاربرد رقابت ناپذیر هستند، استفاده خواهد شد. این نکته بلحاظ سرمایه‌گذاری کلی

در سطح مملکت هم مسلماً صرفه‌جوئی‌های قابل توجهی را بدنبال خواهد داشت:

مثلا میتوان:

توسعه‌های تکراری و یا در خلاف جهت استفاده سیستم‌های نفتی، گازی و الکتریکی در شهرها و یا بین شهرها و غیره را نام برد.

بنابراین تلاشهای اساسی باید در تلفیق سه‌بخش مهم زیر انجام پذیرد:

ـ برآورد نیازهای انرژتیك با آینده‌نگری رشد اقتصادی ایران

ـ امکانات انرژتیك کشور

ـ اطلاعات و آمارها

۱ـ برآورد نیازها

در بررسی مسائل انرژتیك کشور، پارامتر نیازها عامل بسیار مهمی است، فعلا مطالعات بسیار پراکنده از نیازها و در جهات مختلف (بدون تلفیق آنها) بعمل آمده است. جمع‌آوری این اطلاعات و تجزیه و تحلیل و بالاخره آینده‌نگری لازم در مقیاس داخلی سیاست مشخص انرژتیك کشور را تشکیل خواهد داد.

بطور کلی برآورد نیازها در ٤ بخش بشرح زیر انجام خواهد گرفت:

ـ نیازهای کشاورزی و روستائی

ـ نیازهای شهری

ـ نیازهای صنعتی و معدنی

ـ نیازهای حمل و نقل

۱ر۱ـ نیازهای کشاورزی و روستائی

کشور ایران که بخش مهمی از ساکنین آنرا کشاورزان و روستائیها تشکیل میدهد باید دربرنامه

جهش‌اقتصادی خود مکان محکمی برای تامین انرژی‌مورد نیاز کشاورزی و روستاها در نظر گیرد. متاسفانه‌توجه عمیق به تامین انرژی و رفاه شهرها باعث می‌شود که کشاورزان برای کاریابی به شهرها و یا لااقل حومه شهرها هجوم بیاورند. بنابراین در جهش اقتصادی صحیح تنها نباید به عناوین سیاست‌های تئوریک توجه شود، بلکه باید عناصر تشکیل دهنده این سیاست‌ها هم مورد بررسی عمیق قرار گیرد. با شرایط اقتصادی و استفاده از طرحهای ساده‌روستائی برق باید به مراکز کشاورزی و روستا با قیمتهای‌ارزان گسترش پیدا کند. این امر بادید نظری و یا ادامه سیاست‌های ناهماهنگ تکنیکی گذشته امکان‌پذیر نخواهد بود، در این رهگذر بهره‌گیری از تخصص‌هائی که بتوانند هدفهای تامین انرژی را برای مصارف کشاورزی و روستائی تحقق بخشند ضروری است.

۲ر۱ـ نیازهای شهری

توسعه و تامین انرژی برای شهرها باید باسیاست بهسازی و رفاه اجتماعی شهرها و هماهنگ با برنامه‌های کلی محدود کردن شهرهای بزرگ و کنترل قیمتها تعقیب شود.

۳ر۱ـ نیازهای صنعتی و معدنی

در این زمینه باید فلسفه، معیارهای آمارگیری، برآوردها و مذاکرات حضوری را کنار گذاشت و از سیستم پیشرفته (که در بخش اطلاعات و آمار به آن اشاره خواهد شد) استفاده کرد.

اصولا روند صنعتی شدن کشور نباید با دید داخلی بررسی شود بلکه در زمینه صنایع باید نیازها و امکانات بزرگ منطقه‌ای که ایران بخشی از آن

خواهد بود مورد توجه قرار گیرد.

٤ر۱ـ نیازهای حمل و نقل

در زمینه حمل و نقل، استفاده از راه‌آهن حائز اهمیت است و در توسعه شبکه‌های انرژی این مطلب بکلی فراموش شده است و ضرورت دارد هماهنگ با این تسهیلات، شبکه‌های برق پیش‌بینی و توسعه داده شود، زیرا امکان دارد اجرای برنامه‌های حمل و نقل سریع بعلت عدم هم‌آهنگی ایجاد شبکه‌های برق بتاخیر افتد.

۲ـ امکانات و سیستم‌های انرژی

در این مورد دو موضوع اساسی باید مورد توجه قرار گیرد:

ـ ایجاد هماهنگی صحیح و پیشرفته با سازمانهای تهیه‌کننده سوختهای مختلف مراکز تولید برق و یا سازمانهای تولیدکننده برق آبی و اتمی‌در آینده وتلفیق برنامه‌ها از هم‌اکنون.

ـ اتخاذ سیاست توسعه و تکمیل شبکه‌های نیروی برق برمبنای هم‌آهنگی فوق و منابع مختلف انرژی.

بنابراین موضوع هم‌آهنگی امکانات و سیستم‌ها عبارت خواهد بود از:

ـ منابع طبیعی انرژی (منابع نفتی، انرژی‌خورشید، باد، ژئوترمیك، جزرومد و غیره)
ـ شبکه سوختهای فسیلی
ـ مراکز برق آبی
ـ مراکز اتمی
ـ شبکه‌های تولید و انتقال نیروی برق
ـ تقلیل تلفات انرژی وازدیاد بازده تجهیزات
ـ سیستم مبادله انرژی با کشورهای هم‌جوار

۱ر۲ـ منابع طبیعی انرژی

بررسی‌های عمیق و متمرکز در مورد کلیه‌امکانات طبیعی انرژی باید بعمل آید و کلیه مطالعات و طرح‌های پراکنده که تا بحال انجام یافته است‌براساس یك بررسی عمیق با هم تلفیق شوند و در خدمت‌سیستم انرژتیك مملکت درآید. بطوریکه موجودیت این منابع موجب دلگرمی بنیان‌گذاری و توسعه شبکه‌های انرژی گردد.

۲ر۲ـ شبکه سوختهای فسیلی

برمبنای ارائه یك سیستم مشخص‌و درحداقتصادی از سوختهای فسیلی و گازی کشور شکل عمومی سیستم‌های انتقال و توزیع برق تعیین میشود. دراین مورد اتخاذ چهارچوب تلاشها برای هر یك ازسیستم‌ها ضرورت کامل دارد.

۳ر۲ـ مراکز هیدروالکتریك

اغلب سدهای ایران چند منظوره‌اند، با توجه به اهمیت تنظیم آب ضرورت کامل دارد که یك خط مشی صحیح و پیش‌بینی شده قبلی برای تولید انرژی برق از این مراکز تنظیم گردد. دراغلب مراکز نبودن‌سیاست مشخص ضررهای زیادی به اقتصاد انرژی کشور وارد میکند (اتلاف آب مورد نیاز کشاورزی و شهرها)

٤ر۲ـ مراکز اتمی

موقعیت این نیروگاهها، سیاست تامین سوخت، قابلیت اعتماد انتقال نیروی این مراکز، امکانات بهره‌برداری و تامین آب، شرایط حفاظت محیط‌زیست و سایر استفاده‌های هسته‌ای حائز اهمیت است ومستلزم یك برنامه‌ریزی و هم‌آهنگی دائمی با سایر سیستمهای

انرژی است.

۵ر۲ـ شبکه‌های تولید و انتقال نیروی برق

هماهنگی توسعه و ایجاد این شبکه‌ها با توجه به سایر منابع انرژی، انتقال انرژی، ارائه قابلیت اعتماد کافی و مداوم به تجهیزات مختلف سیستم، برقراری بهره‌برداری صحیح، تدوین برنامه‌های عملیاتی مورد نظر، مواردی هستند که استخوان‌بندی این‌نوع شبکه‌ها را تشکیل میدهند. بویژه بهره‌برداری اقتصادی از نیروگاهها و سیستم‌های انتقال مطلبی است که‌کاربرد روشهای تجربی و بهره‌گیری از مهارتهای علمی وفنی را در آینده الزام‌آور میسازد.

۶ر۲ـ تقلیل تلفات انرژی وازدیاد بازده تاسیسات نیروی‌برق

این موضوع بیشتر مربوط بطراحی و کنترل‌صحیح سیستم‌های نیرو، خواه در مورد سیستمهای در حال بهره‌برداری و یا سیستم‌های آینده میشود و باید پیش‌بینی‌هائی بعمل آید که تلفات از دیدگاه اقتصادی به حداقل برسد.

در مورد افزایش بازده ماشینها، استفاده ازترکیب واحدهای تولیدی و انتخاب بهترین واحد، برای مراکز تولید و گزینش ماشینهائی با بهترین بازده توصیه میگردد.

موضوع بسیار حیاتی و تکنیکی در ایجاد شبکه‌های آینده خلاصه میشود. هماهنگ با این اقدام واحدهای تولیدی و سیستم‌هائیکه با راندمان بسیار پائین کار میکنند بایستی مورد بررسی قرار گیرد.

۷ر۲ـ مبادله انرژی با کشورهای همسایه

ضمن نظربه وضع کنونی‌که ما را نیازمند خرید

برق از همسایگان کرده است باید در طرحهای اصولی و آینده‌نگری‌های خود چنان تدابیری اتخاذ نمائیم که رویه فعلی معکوس شود، بدین معنی که با توجه به اختلاف ساعات زمان حداکثر بار بین ایران و ترکیه و افغانستان و همچنین احتیاج مبرم کشورهای همسایه به انرژی در سالهای آینده، موضوع‌فروش انرژی باین کشورها مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه لازم است یك برنامه‌ریزی درازمدت بعمل آید.

۳ـ اطلاعات و آمار

برای رسیدن به هدف برنامه‌ریزی دینامیك علاوه بر برآورد منابع و نیازها، ارتباط بین پارامترها و یا تشخیص بزرگی و ویژگیهای واقعی هر تلاش لازم است کلیه داده‌ها و اطلاعات اولیه جمع‌آوری گردد وبا سیستم بسیار علمی و ریاضی طبقه‌بندی و در یك‌مرکز بنام مرکز اطلاعات «برنامه‌ریزی و فنی» نگهداری‌شود.

۱ر۳ـ پژوهشهای منطقه‌ای

بررسی و تحقیقات دامنه‌دار در مورد امکانات انرژتیك منابع طبیعی (منابع شناخته شده، کیفیت و کمیت این منابع) و پارامترهای وابسته به سیستم‌های انرژی کاملا ضروری است.

۲ر۳ـ تمرکز آمار

بمنظور تلفیق اطلاعات و ترکیب تازه‌ای از داده‌ها که موردنیاز طرحها خواهد بود توجه به تمرکز آمار به کمال پراهمیت است.

۳ر۳ـ اندازه‌گیریها

مستلزم یك برنامه تحقیقاتی و آزمایشگاهی پیشرفته است که نیاز سیستم‌ها را از آثار عوامل‌طبیعی و ناشناخته برطرف خواهد ساخت.

٤ـ برنامه‌ریزی سیستم‌های نیرو

۱ر٤ـ داده‌های برنامه‌ریزی

هنگامیکه تعادل منابع و نیازها با توجه به‌اطلاعات جمع‌آوری شده مشخص گردید برنامه‌ریزی کشوری با توجه به فرضیات و ضوابط زیر پایه‌بندی خواهد شد:

- تعیین هدفهای توسعه سیستم نیرو.
- تشخیص داده‌های لازم برنامه‌ریزی.
- طرح روش‌شناسی برنامه‌ای.
- کاربرد طرحهای نیرو در سیستمهای‌برنامه‌ای‌ـ روش انفرماتیك.
- تحلیل طرح‌های توسعه نیرو.
- دخالت محیط بلحاظ زیست‌و آلودگی دربرنامه‌ها و سایر پارامترهای اجتماعی.
- دخالت عوامل جنبی در برنامه‌ریزی.
- تحول نیازهای الکتریکی.
- طرحهای چند منظوره.
- تجانس در کاربرد طرحهای چند منظوره.
- تخصیص هزینه‌ها برای طرحهای چند منظوره.

عوامل گفته شده‌اساس برنامه‌ریزی دینامیك‌توسعه سیستم‌های برق کشور بوده و بمنزله داده‌های‌برنامه میباشد.

۲ر٤ـ هدفها

هدف عبارتست از توزیع منطقی انرژی در سطح کشور بشرح زیر:

ـ برای مصارف آبیاری	A	درصد
ـ برای مصارف روستائی	B	درصد
ـ برای مصارف شهری و تجارتی	C	درصد
ـ برای مصارف صنعتی و معدنی	D	درصد
ـ برای مصارف حمل و نقل	E	درصد

– برای مصارف تلفات سیستم F درصد

۳ر۴– ضوابط طرح جامع توسعه سیستم‌های انرژی

این ضوابط بشرح زیر خلاصه میشود:
– بعنوان زیربنای توسعه‌های اقتصادی کشور.
– توجه به اهمیت انرژی به لحاظ تولیدات.
– محدودیت‌های منابع انرژی.
– تخصیص سرمایه‌گذاریهای بزرگ برای پروژه‌های نیرو.
– توجه‌به هدفهای اساسی‌توسعه سیستم‌های نیرو.
– توجه به صرفه‌جوئی در مصرف سوختها و تقلیل تلفات.

۴ر۴– گرفته‌ها

طرحهای پیاده شده و روشهای تجربی حاصل از آن بنحوی خواهد بود که مناسب با شرایط فنی، اقتصادی و قابلیت اعتماد باشد.

۵– سیاست و خط‌مشی استفاده از سیستم‌های تامین نیرو و مصرف انرژی

با توجه به موارد فوق خطوط اصلی برنامه‌ریزی سیستم‌های نیرو در مقیاس کلی معین میگردد. با در دست داشتن امکانات برنامه و تحت این سیاست که نیروی برق باید در مقام سنجش عمومی و با توجه به شرایط فنی و اقتصادی، قابل رقابت در بازار مصرف باشد، درجه اطمینان تامین نیرو مورد کنکاش قرار خواهد گرفت. سپس مطالعات امکان‌یابی در جهت طراحی سیستم‌های بزرگ تولید که شامل مواردزیر باشد، سرفصلهای ویژه سیاست وخط مشی رامشخص

خواهد نمود:

- مراکز هسته‌ای
- مراکز بخاری
- مراکز حرارتی باسیکل مرکب(بخارو توربین گاز)
- توربین گازی
- مراکز هیدروالکتریك
- مراکز هیدروالکتریك، سیکل بسته پمپاژ Pump - Storage
- مراکز تولید متفرقه (باد، خورشید، حرارت داخلی زمین و جذرومد)
- مراکز واحدهای فرعی (سلول نیرو)

۱ر۵ـ مراکز تولید نیرو

برنامه‌ریزی درازمدت با اصول بیان شده درسطح کشور و با توجه‌به تلفیق و هم‌آهنگی سیستمهای‌انرژی مراکز تولید نیرو و بارعایت کلیه جوانب اقتصادی، فنی رفاه اجتماعی و محیط زیست پی‌ریزی خواهد شد. در این بررسی با توجه به انواع مراکز که قبلا اشاره شد باید ترکیب امکانات و تطبیق آنها با شرایط جغرافیائی و طبیعی و نیازها عمیقا بررسی شود.

۲ر۵ـ شبکه‌های انتقال و توزیع نیرو

ملاحظات اقتصادی، ارتباط مرکز تولید و مصرف وبهم‌بندی مراکزمختلف‌تولید (ایجادشرایط‌بهره‌برداری مطمئن و اقتصادی) ایجاب میکنند که سیستمهای‌انتقال و توزیع نیرو بطوری طرح‌ریزی شود که شرایط‌ایجاد سرویس مناسب برای مصارف مختلف تضمین گردد. نکات مهمی که باید در تاسیسات انتقال و توزیع نیرو مورد توجه قرار گیرد عبارتست از:

- شرایط فنی سیستم بنحویکه پاسخگوی امکانات و نیازها در برنامه‌ریزی درازمدت بوده و هم‌آهنگی

سیستم‌ها را ممکن گرداند.

ــ درمورد سیستمهای توزیع‌باید جوانب اقتصادی، امکان توسعه سریع همه‌جانبه و انعطاف پذیر سیستمها رعایت گردد.

۳ر۵ تحقیقات علمی

در برنامه‌ریزیهای دینامیك همواره پــژوهشهای علمی مقام ویژه‌ای دارند، اثر تحقیقات علمی جزء جداـ ناپذیر کنترل روندا‌جرائی برنامه‌ریزیهاو فراهم ساختن ابزار کاربردی آن میباشد.

٦ــ محدودیت‌ها

در برنامه‌ریزی درازمدت سیستمهای نیرو بایــد توجه عمیقی به محدودیتها شود تا بدین وسیله‌واریانتها و راه حلهای مناسبتر و اقتصادی‌تر ارائه گردد. عوامل محدود کننده را بشرح زیر میتوان در بررسی‌هادخالت داد.

۱ر٦ــ محدودیتهای اقتصادی

اقتصاد توسعه سیستمهای نیرو همبستگی بسیار نزدیك با سایر طرحهای عمرانی نظیر گسترش صنایع، معادن، سطح زندگی امکانات طبیعی و جغرافیائــی، منابع انرژی و غیره دارد.

بنابراین در طرح و برنامه‌ریزی سیستمها توجه به این محدودیت پر اهمیت میباشد و چه بسا بعلت محدودیت اقتصادی فقط سیستمهای محدودی رامیتوان ارائه و اجرا کرد.

۲ر٦ــ محدودیت بهسازی محیط زیست

این محدودیت در گذشته و در برنامه‌ریــزیهای

بزرگ انرژی بهیچوجه مورد توجه قرار نگرفته است و چون این محدودیت درآینده ممکن است بعضی سرمایه‌گذاری‌های بزرگ را به لحاظ رفاه اجتماعی و محیط‌زیست نامناسب جلوه دهد، بنابراین در برنامه‌ریزی درازمدت توجه عمیق به این موضوع حیاتی و اجتماعی بویژه در زمینه ایجاد مراکز بزرگ تولید نیرو، ضرورت دارد. این نیاز در مورد شبکه‌های‌انتقال (از لحاظ تحریم و تغییر طبیعت) نیز وجود داشته و بررسیهای همه‌جانبه را بدنبال خواهد داشت.

۳ر٦ـ محدودیت اجتماعی و نیروی انسانی

جهش‌های اقتصادی بویژه وابسته به توسعه‌منابع و سیستم‌های انرژی چه در حال اجرا و چه در دوره بهره‌برداری نیاز زیاد به موفقیت اجتماعی و نیروی انسانی بلحاظ چندی و چونی دارند. در اغلب موارد نیروی‌انسانی با صرف هزینه‌های زیاد و مشکلات معنوی از خارج منطقه و کشور وارد میشود. این یك عامل ترمزکننده روند مناسب طرحهای توسعه‌سیستم‌های نیرو خواهد بود. درگذشته میبایستی توجه خاصی به تربیت کادرهای ماهر مبذول میگردید و تحت یك برنامه‌ریزی همه جانبه علمی برای تربیت نیروی‌انسانی مورد نیاز هر بخش از تلاشها اقدام سریع بعمل می‌آمد. این موضوع پس از ده سال که از توسعه سیستمهای نیرو میگذرد هنوز مورد توجه قرار نگرفته و باید در برنامه‌ریزی جدید بطور فوق‌العاده و اضطراری پیگیری شود.

٤ر٦ـ محدودیت فنی

محدودیت‌های فنی در برنامه‌ریزی دینامیك طرح‌های توسعه وایجاد سیستم‌های انرژی دارای اهمیت

است محدودیت‌های فنی با توجه به مسائل برنامه‌ریزی‌های درازمدت گوناگون بوده و موارد ویژه آن با توجه به عوامل طبیعی و جغرافیائی عبارتند از:

مشکلات توسعه سیستم‌های نیرو با توجه به محدودیت‌های تامین آب، خشکی هوا، آلودگی‌های جوی (نمك، گردوغبار)، زلزله و شرایط نامناسب خاك.

۵ ر۶ـ محدودیت‌های بهره‌برداری

در اجرای طرحهای بزرگ سیستم نیرو باید به قابلیت بهره‌برداری توجه بیشتری شود زیرا این موضوع به کیفیت تجهیزات و ماشین‌آلات، هم‌آهنگی تجهیزات با شرایط منطقه‌ای، سرویس و تامین لوازم یدکی و امکانات فنی برای تعمیرات و غیره بستگی دارد. بنابراین در برنامه‌ریزی درازمدت رعایت این محدودیت در شاخه‌های مختلف سیستم نیرو کاملا ضروری است.

۶ر۶ـ محدودیت سوختهای فسیلی و سایر منابع‌انرژی

محدودیت کیفی و کمی سیستم‌های تامین نیرو در چهارچوب مسائل مربوط به رقابت در مصرف سوخت‌های فسیلی و با توجه به جلوگیری از سوزاندن این نوع سوختها از یکسو و محدودیت سوختهای‌هسته‌ای از سوی دیگر بخش مهمی از عناصر لازم یك برنامه‌ریزی درازمدت را تشکیل میدهند.

عناصر این برنامه‌ریزی در ارگانیگرام شماره ۳ داده شده است.

بخش چهارم

اپتیمم‌کردن تلاشها- محاسبات سرمایه‌گذاری- گزینش واریانت‌ها و اولویت‌ها

کلیات

دومین سیستم حذف‌کننده و انتخاب‌کننده (فیلتر) در یك برنامه‌ریزی همگانی در فصل اپتیمم کردن تلاشها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بعبارت دیگر عوامل تشکیل‌دهنده زیر برنامه اپتیمیزاسیون آن چنان بایستی انتخاب گردند که طرحهائی با مرغوبیت کمتر یا کم‌مطلوب‌تر حذف گردند. در حقیقت مرحله اپتیمم کردن تلاشها دومین فیلتر پراهمیتی است که راه حلهای باقیمانده را بمرحله محاسبات سرمایه‌گذاری نزدیك میکند. پس از دخالت پارامتر سرمایه‌گذاری میتوان در گزینش بهترین واریانتها وپیشنهاد والاترین اولویت‌ها که در حقیقت نتیجه سیستم میباشد اقدام نمود.

در این بخش به ترتیب در مورد فصل‌های عمده زیر بررسی بعمل خواهد آمد:

- اپتیمم کردن تلاشها
- محاسبات سرمایه‌گذاری
- انتخاب بهترین واریانتها و اولویت‌ها
- اجزاء این بخش در ارگانیگرامهای شماره ۱و۲ داده شده است.

۱- اوپتیمم کردن تلاشها

دیدگاههای گوناگون اپتیمیزاسیون بطور خلاصه‌در زیر آورده شده است.



۱ر۱ـ اپتیمم کردن قیمتها

صحت دربرآورد هزینه‌های مطالعاتی، اجرائی، بهره‌برداری و نگهداری طرحهای مختلف توسعه منابع آب و سیستم نیرو علت بی‌چون‌و چرای آن طرح را تشکیل خواهد داد. راه حلهای مختلف ارائه شده برای یك برنامه‌ریزی دقیق همواره با قیمتهای متفاوت قابل اجراء است. سرمایه‌گذاریهای انجام شده در هر یك از مراحل:

- مطالعاتی
- اجرا
- بهره‌برداری و نگهداری

بایستی کاملا بانوع و طبیعت بازدهی طرح وفق داشته باشد. اپتیمم کردن قیمتها علاوه بر اینکه در جهت‌دهی طرح توسعه منابع آب و سیستم‌های نیرو دخالت دارد، باید با توجه به طرحهای دیگر داخل منطقه‌ای و خارج منطقه‌ای مورد کنکاش قرار گیرد. عامل قیمت چون‌یکی از پارامترهای مهم مقام تصمیم گیرنده است، لذا نقش ارزنده‌ای در برنامه‌ریزی خواهد داشت.

۲ر۱ـ اپتیمم کردن ابعاد

بزرگی و گستردگی جغرافیائی تأسیسات نیز بایستی با نیازهای اساسی منطقه سازش داشته‌باشند. بنابراین بعددهی به ساختمانهای اساسی طرح بلحاظ هزینه‌ای معنوی و بهره‌برداری و درجه اطمینان بعنوان یك عامل تعیین کننده روند منطقی برنامه میباشد. به عنوان مثال میتوان گفت که جایگزینی دو سد مخزنی بجای یك سد بزرگ مخزنی که اجبارا اراضی و دهکده‌های فراوانی را زیر آب خواهد برد کاملا منطقی بنظر میرسد. در مورد نیرو نیز اجرای دو خط‌انتقال نیرو بجای یك خط به لحاظ ارتباط مطمئن مراکزتولید

و مصرف انرژی کاملا منطقی است، در صورتیکه ممکن است یك خط به تنهائی در شرایط حداقل قادر به‌حمل انرژی باشد. در صورتیکه پایاب پر جمعیت یك سد قابلیت عبور طغیانهای بزرگ را ندارد، نباید مبادرت به ساختمان آن بــه صرف وجود ضوابط آبشناسی و هواشناسی مسلم نمود.

۳ر۱ـ سازش‌پذیری کیفی

عوامل و پارامترهای گــوناگــون تشکیـــل دهنده برنامه‌ریزی توسعه منابع آب‌و سیستم نیرو بایستی‌بین خود از یکسو و با توجه به کنش‌ها و واکنشهای‌احتمالی با سایر طرحها از سوی دیگر سازش‌پذیری کیفی‌داشته باشند. به عبارت دیگر دریك برنامه‌ریزی صحیح اجرای یك طرح نبایستی عامل رکود یا موجب عدم موفقیت طرح دیگر باشد. اجرای یك برنامه در صورتیکه باعث ایجاد مسائل پیچیده جدیدی شود، از نظریك برنامه‌ریز مردود شناخته خواهد شد.

بعنوان مثال اگر ساختمان یك سد و اثرات ناشی از آن باعث شوری و یا باطلاقی نمودن اراضی پایاب شود، نمیتوان ساختمان آن سد و تأسیسات وابسته‌به آن را در یك برنامه‌ریزی دینامیك توجیه نمود. با همین استدلال لازمست آب مورد نیاز یك نیروگاه بخاری به لحاظ کیفیت پاسخگوی ضوابط خواسته شده باشد.

٤ر۱ـ سازش‌پذیری کمی

بعدوبزرگی یك سیستم بهره‌برداری‌از توسعه‌منابع آب وازسیستمهای نیرو همواره به‌لحاظ کمی با عوامل تشکیل‌دهنده آن سیستم تطبیق‌پذیر است. ناهم‌آهنگی بین علت و معلول خطرات اقتصادی و اجتماعی جبران‌ـ ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.

بعنوان مثال میتوان سازش‌پذیری کمی ساختمان یك تصفیه خانه آب یا یك نیروگاه را با مقدار آب در دسترس و جمعیت مصرف کننده نام برد.

۵ر۱ـ درجه اعتماد

برنامه‌ریزی توسعه منابع آب و نیرو برپایه عوامل و داده‌های احتمالا ناشناخته یا کمتر شناخته شده استوار است. این عوامل بیشتر از نوع عوامل طبیعی میباشند. چون تحول مصرف و دگرگونیهای اقتصادی در آینده نیز احتمالی بیش نیست، لذا در محاسبات برنامه‌ریزی همواره عامل درجه اعتماد (ضریب‌اطمینان) وارد خواهد شد.

اهمیت، درستی و پیچیدگی دخالت درجه اعتماد در برنامه‌ریزیها با کیفیت داده‌های اولیه، منشاء آنها، اهمیت سیاسی و اجتماعی طرح بستگی دارد. بعنوان مثال درجه اعتماد سیستم‌های بهره‌برداری منابع آب و تولید نیرو برای تأمین مصارف کشاورزی، صنعتی و شهری کاملا با همدیگر متفاوت هستند. درجه اعتماد در برنامه‌ریزی طرحهای چند منظوره حالت پیچیده‌ای خواهد داشت بویژه اگر این نوع برنامه‌ریزی در سطح منطقه یا کشور انجام پذیرد.

۲ـ محاسبات سرمایه‌گذاری

پس از اینکه فیلترهای حذف‌کننده و انتخاب‌کننده در مراحل محدودیتها و اپتیمم کردن تلاشها در مدل برنامه‌ریزی شده وظیفه خود را انجام دادند، تعداد راه حل‌های مشخصی بدست خواهد آمد. اکنون با دردست داشتن مشخصات گفته شده در برنامه، عامل سرمایه‌ـ گذاری همانند فیلتر سوم در محاسبات وارد خواهدشد.

چون در طرح‌های چند منظوره بهره‌وری‌های

گوناگون وجود دارد لذا لازم است که برآورد قیمت‌تمام شده آب یا نیرو وبا توجه به سرمایه تخصیص داده‌شده بهر یك از بخش‌ها معین گردد.

در بحث سرمایه‌گذاری برای طرحهای مختلف مسئله تخصیص اعتبارات به بخش‌های گوناگون عمرانی پیش می‌آید. در حقیقت روشی که توسط آن میتوان بطرحهای مختلف با توجه‌به اولویت‌ها، اعتبارات ضروری را اختصاص داد، وجود ندارد.

بکمك محاسبات سرمایه‌گذاری در حال و آینده و کاربرد روش‌های مختلف احتساب تخصیص اعتبارات میتوان جهت تلاشهای عمرانی و توسعه منابع آب و انرژی را در یك‌منطقه و حتی‌در یك کشور مشخص کرد.

بدیهی است پارامتر سرمایه‌گذاری در طرح‌های مختلف قابل مقایسه با یکدیگر همراه فعلی کردن داده‌ها، سرمایه‌ها، هزینه‌ها و سایر عوامل در مدل پیش‌بینی خواهد شد.

۳ـ انتخاب اولویت‌ها

گرفته‌های برنامه‌ریزی (۱) بصورت اولویت‌ها نتیجه کار مدل خواهد بود این اولویت‌ها و راه حلها از هر حیث جامع هستند و تمامی عوامل و پارامترهائیکه در شکل دهی مدل برنامه‌ریزی شده دخالت داشته‌اند در نظر گرفته شده‌اند. با در دست داشتن نتایج مطالعات مقام تصمیم گیرنده بسهولت و روشن‌بینی علمی‌خواهد توانست در مورد این یا آن پروژه تصمیم بگیرد. توزیع سرمایه‌ها در بخشها و قطب‌های متفاوت با توجیه کاملا علمی انجام خواهد پذیرفت.

پس از انتخاب واریانت‌های منطقی میتوان اقدام به

۱ـ عناصر این برنامه‌ریزی در ارگانیگرامهای شماره ۲ و ۳ آورده شده است.

مطالعه مرحله طرحها نمود، در این شرایط تصمیم‌ها با آینده‌نگری و دوراندیشی ویژه‌ای توام بوده و درنتیجه از دوباره و چند باره کاریها جلوگیری بعمل خواهدآمد.

نتیجه

برنامه‌ریزی توسعه منابع آب و سیستم‌های نیرو با اصولی که گفته شد جهت‌های منطقی را به طرحها میدهد. این برنامه‌ریزی مشخص میکند که چگونه می‌توان در سیر تحول اقتصادی جامعه از پویش‌ها و بهره‌وری‌های موضعی به طرحهای گسترده جامع منابع آب و سیستم‌های نیرو رسید.

بنابراین ارائه روش‌شناسی علمی جهت تحقق بخشیدن به روندهای منطقی و توسعه عمرانی چند منظوره کاملا ضروری بنظر میرسد.

جهش اقتصادی دوران انقلاب دیگر با تلاشهای پراکنده سازگار نیست و افت و تلف انرژی سنخیتی با جنبش رستاخیز کنونی ندارد.

بنابراین بسهولت نتایج ارزنده یك برنامه‌ریزی دینامیك و اجرای صحیح توسعه منابع‌آب و سیستم‌های تأمین نیرو در دنیای تکنولوژی امروز را میتوان به شرح زیر پیشنهاد کرد:

- کاربرد مناسب نیروی‌انسانی بدون ایجاد افت
- جلوگیری از چند باره‌کاری در امر توسعه منابع آب و سیستم‌های تولیدی و توزیع انرژی
- افزایش درجه موفقیت طرحهای وابسته به توسعه عمرانی
- جلوگیری از تلف شدن آب و انرژی که خود ارزش حیاتی برای ایران دارد
- تعیین بهترین عملیات و خط‌مشی بهره‌وری از منابع آب و انرژی کشور

- دستیابی به بهترین روش تخصیص اعتبارات به اولویت‌ها

- انتخاب بهترین اولویت‌ها بلحاظ فنی، اقتصادی و سیاسی

- ایجادسهولت تصمیم گیری برای مقام تصمیم گیرنده

- ایجاد بانك اطلاعات و داده‌های مربوط به آب و سیستم‌های انرژی با سیستم کمپیوتروانفرماتیك

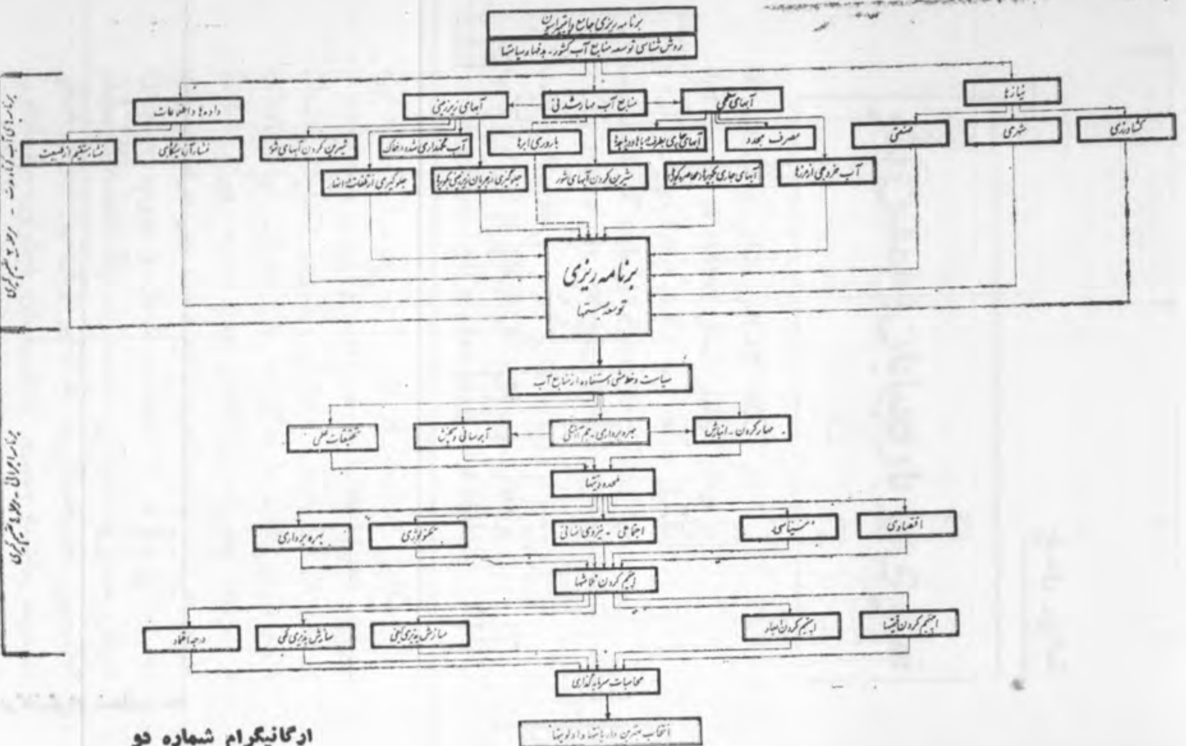
امید است صاحبان فن با امعان نظر در به کمال رساندن این نوشته‌ها یاری فرمایند تا بتوان با دست پر در ساختمان ایجاد تمدن بزرگ کشور عزیز ایران کوشش نمود.

عناصر این روش‌شناسی در ارگانیگرامهای شماره ۱ و ۲ و ۳ داده شده است.

★ با توجه باینکه آب و برق در وطن ما همچنان در مقام «مساله» مطرحند و با توجه باینکه «مشارکت» را، بمعنای عام و گستردهٔ آن تلقی میکنیم، مصلحت دیدیم مقاله فوق را که از سوی یکی از متخصصان «انرژی» به دست ما رسید با همه تفصیلی که دارد در این شماره بیاوریم. باشد که کارشناسان و اندیشمندان وطنمان بر زمینه مسائل گونه‌گونی که در متن «توسعه ملی» ما ظاهرند بابراز نظر و ارائه طریق بنشینند که این خود شکلی موثر و مفید از مشارکت ملی است.

«اندیشه‌های رستاخیز»

ارگانیگرام شماره یک



ارگانیگرام شماره دو

ارگانیگرام شماره سه

شاپور راسخ

تفکری دربارهٔ بیابان و تمدن بشر

«در آستانهٔ کنفرانس جهانی بیابان‌زدائی که در اواخر سپتامبر امسال (۱۹۷۷) در نایروبی (کنیا) تشکیل خواهد شد، تفکری دربارهٔ «بیابان‌زدگی» و «بیابان‌زدائی» خصوصا از این بابت که ثلث مساحت کل کشور ما را مناطق کویری و صحرائی پوشیده است و از سالها پیش، تثبیت شن‌های روان و کشت بوته‌هائی چون تاغ و کوشش‌هائی از این‌گونه وجهه اهتمام دولت بوده، بموقع و بمورد خواهدبود.»

هنگامی که سخن از توسعهٔ بیابان و «بیابان‌زدگی» میرود، ذهن‌ها غالبا به قهراقلیم و بی‌مهری طبیعت و عواملی از این قبیل، معطوف میشود. اکثریت عالمان علوم طبیعی قلت بارندگی به علل مختلف، مقدارآفتاب و سرعت تبخیرات یا آبکش بودن شدید زمین، دامنهٔ تغییر حرارت و بالاخره واقع شدن بین عرض‌های جغرافیائی ۲۰ و ۳۰ درجه در شمال و جنوب استوا را عوامل عمده بیابان‌زدگی دانسته‌اند. یك اقتصاددان بنام انگلیسی، خشکسالی را به تاثیر زیان‌خیز احوال فلکی منسوب داشته است. دانشمندان دیگری، به تناوب

ادوار خشك و ادوار مرطوب که گاه چند ده سال طول میکشد، عقیده دارند. آنان که روشن‌بین‌ترند، به اثر پرضرر بعضی روش‌های نادرست کشت و زرع که سبب «فرسایش» خاك میشود، اشارت میکنند و عوامل جمعیتی و فرهنگ زراعی را در میان می‌آورند. اعتقاد ما آن است که بی‌گمان هردو دسته عوامل در کار است اما آن‌چه در قرنهای‌اخیر، موجب‌شدت گسترش‌بیابانها شده است تمدن صنعتی و بنیاد فکری آن است که تسلط بی‌قید و شرط برطبیعت و تجاوز بی‌امان به‌حریم آن را از حدود چند قرن پیش تجویز کرده است. انسان آغاز عهد رنسانس باآن که از سلطه مطلقه دین، خود را آزاد کرده بود اما هنوز حتی تا اواخر قرن هجدهم، طبیعت را حرمت میداشت و قوانین آن را بردیده‌طاعت مینهاد. انسان قرن نوزدهم چنان به‌قدرت علمی و فنی خویش غره شد که به‌گمان خویش، خدا را از صحنه تاریخ بیرون کرد و برآن شد که جهانی تصنعی به‌میل خویش بسازد و آن را جایگزین دنیای طبیعت کند. حتی در هنرپای صنعت، بمیان آمد و تقلید طبیعت مکروه شناخته شد و در مکاتبی چون کوبیسم و آبستره، در عرصه نقاشی، خطوط و رنگها بیشتر معرف ماشین و دنیای مصنوع جدید شد تا زبان زیبائی‌های طبیعت و انعکاس واقعیت به‌گونه‌ای که پیش از آن مطلوب و مقبول بود. اوگوست کنت واضع جامعه‌شناسی به اصطلاح علمی، اعتقاد به خداوند و طبیعت را نشانه مراحل متاخراندیشه انسانی پنداشت و بدنبال او، خیلی از علما، آینده‌ای را که در آن از روشنی خانه تا پروتئین مورد مصرف عامه همه بطور مصنوع تهیه میشود قبله احلام خویش‌ساخت. تفکر نیچه وبرنهاردی و دیگران، داستان «ابرمرد» را برسر زبانها افکند و تجلی آن در عصر ما بصورت قصهٔ شگفت غول‌پیکرانی

که از کرات ناشناخته فرود می‌آیند و اوضاع جهان ما را یکسره آشفته میکنند و نابغه دانشمندانی که مغز انسانها را بازسازی میکنند و افسانه‌هائی از این‌گونه، در آمد.

در منطق دنیای فنی، طبیعت درخور هیچ تقدیر و عنایت نیست آن‌چه اصالت دارد صناعت است. حتی کشاورزی نیز غالبا فدای صنعت شده و میشود. بی‌علت و جهت نیست که هرسال، حدود ۵ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی به زمینهای صحرائی تبدیل میشود وزمینهای وسیع در زیرپای شهرنشینان که قدرت خود را هرلحظه بیشتر برجهان میگسترند از باروری می‌افتد. گوئی بشریت امروز با طبیعت و مظاهر آن، سر دشمنی دارد.

تردید نیست که استعمار، استثمار و جنگ، جمله از عوامل تخریب جنگلها ـ مراتع و کشتزارها وتبدیل آنها به اراضی بایر و بی‌حاصل در قرن حاضر بوده است. استعمال بعضی مواد شیمیائی در دهه‌های اخیر که مناطق سرسبز را به دشتهای مرده بدل کرده است نشانه دیگری از آثار ناگوار تمدنی است که معنویت و انسانیت از درون آن رخت‌بربسته است. برطبق اسناد بخشی از سازمان ملل متحد که به برنامه‌محیط زیست میپردازد «در میان چهل وپنج علت شناخته بیابان‌زدگی، تنها سیزده درصد به عوامل طبیعی و تغییرات آن مربوط است اما ۸۷ درصد باقی، به سوء اداره عوامل آب و خاك و گیاه و حیوان و انرژی از جانب انسان ارتباط دارد.» به عقیدهٔ من سوء اداره عوامل‌طبیعی نیز در موارد بسیار از جهل و غفلت ناشی نیست بلکه معلول نظام ارزشها و جهت فرهنگ آدمیان است چنانکه هرجا حرص و آز و نفع‌جویی بی‌منطق در کار است و مردمان احترامی برای طبیعت

قائل نیستند ودر حفظ منابع طبیعت بنحوی که مستمرا بتوان بهره از آن گرفت قیدی ندارند، اداره عواملی که یاد کردیم یکسره مختل میشود و گرایش به‌خشکی و صحراگونگی پیش می‌آید.

انسان امروز انسانی است اسیر دائره‌ای خبیثه که در آن مصرف، هدف تولید است و انتفاع، هدف هردو در رفاه مادی یگانه کعبه آرزوی اوست. چنین انسانی پروای تضییع و اتلاف منابع جهانی را ندارد و بگمان آن که چشمه طبیعت بمدد علم و فن دائمافیض بخش میماند از اسراف پرهیز نمیکند. کتاب «محدودیت رشد» یا نخستین گزارش کلوب رم، پایان حال چنین انسانی را خوب مجسم کرده و مطالعات تازه «برنامه محیط زیست ملل متحد»، خطر استفاده مفرط از چوب برای تولید گرمی و انرژی، را بدرستی معلوم داشته است.

ناگفته نماند که «همسایگان بیابان» یعنی جماعاتی را که در حول وحوش صحاری زندگی میکنند، به پاسداران مرزها، میتوان مقایسه کرد. زیرا نقش آنان در ممانعت از پیشروی صحراها، چون تجاوز اعدا، عظیم و مهم است. اما با تاسف باید گفت‌که در جهان سودگرای و رفاه‌جوی امروز، حاشیه‌نشینان بیابان که به زندگی ساده روستائی خود قناعت‌کنند، و مجذوب کشش‌های کاذب شهری نشوند، انگشت‌شمارند. دهات پیرامون کویرها، متدرجا از سکنه تهی میشود، و شن و ماسه صحرائی عنان‌گسسته، به سوی آبادی‌های دورتر هجوم می‌آورد.

از آن چه گفتم، مرادم انکار تاثیر عواملی چون عوامل اقلیمی ـ اکولوژیکی ـ و مانند آن نیست، بلکه منظور، تاکید در مورد عوامل تمدنی و فرهنگی است‌که کمتر محل اعتنای متفکران قرار میگیرد و آثار خطربار

آن، کمتر از عوامل صوری و طبیعی بیابان‌زدگی نباید تصور شود. اینك که در آستانهٔ تدوین برنامه ششم عمرانی کشور قرار داریم، در فاصله چند هفتگی کنفرانس جهانی بیابان، فرصت مناسبی برای تجدید اندیشه در روش‌های توسعه و جهات عمده آن ، بدست آمده است. توسعه بدان‌گونه که همه نظم‌های طبیعی و اجتماعی را برهم زند و تنها با کمیات و شاخص‌های مقداری رشد باز نموده شود، البته مطلوب ما نبوده و نیست. توسعه اگر بضرورت، با شکستن بعضی تعادل‌های دست پائین توام است با استقرار تعادل‌های نوین دست بالا، مباینت ندارد و از جمله این تعادل‌های اخیر، تعادل بین جامعه و محیط زیست اوست ومصرف به اندازه و معتدل منابع طبیعت و برقراری مجدد یك تعادل درونی نزد انسان که در عین قناعت، به‌معیشتی در حداقل ضرور، همتش را معطوف هدف‌های والاتر معنوی کند. اگر چنین تحول فکری و اخلاقی روی دهد، بی‌گمان یکی از عوامل عمده و اساسی بیابان زدگی خود بخود از میان برداشته میشود.

کاظم خسروشاهی

سیستم مدیریت سیاسی در کشور ما

اصل انقلاب اداری و عدم تمرکز مدیریت

وقتی نیل بیك هدف نیازمند همکاری و فعالیت جمعی است و در راه تحقق آن سازمانی بوجود می‌آید، ملاحظه میشود که همواره میان خط‌مشی یا استراتژی رسیدن به‌هدف و ساخت سازمانی و شیوه سرپرستی و نوع تکنولوژی و وسعت میدان عملیات ارتباط‌بسیار نزدیك حاصل میگردد که مسلما باید باهم هم‌آهنگ و سازگار باشند.

اینك با توجه بدین اصل مهم، موضوع مدیریت را در جامعه خود، در نظر میگیریم که در آن رشد وتوسعه با مفهوم فراگیر آن شامل: کلیه امور اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، ماموریت سیستم تعیین گردیده است.

در اینصورت باید دید که ساخت سازمانی آن که از ارتباط گروههای شغلی بوجود می‌آید شیوه سرپرستی و مدیریت آن که ممکن است دستوری و یا آزادمنشانه باشد ـ تکنولوژی آن که ممکن است ساده یا پیچیده انتخاب شود ـ میدان عملیات آن که ممکن است گسترده یا محدود و سرانجام تنوع عملیات آن‌که ممکن است زیاد یا محدود باشد به‌چه ترتیب با این

استراتژی تطبیق خواهد کرد.

اگر توسعه و پیشرفت و سلامت یك جامعه را **در میزان و کیفیت توانائی و استعداد افراد آن جامعه بدانیم** بدینحال که از آنچه دارند نهایت بهره را بدست می‌آورند ـ **در میزان خواستهای مردم آن جامعه بدانیم** که با جان و دل میخواهند در پرورش استعدادهای‌خود همت بگمارند و از وصول بـــه کمال لذت میبرند ـ **در تامین آن شرائط زندگی بدانیم** که رافع محرومیتها و آلام انسانی باشد: در اینصورت هدف سیستم را باید حفظ و پرورش انسانهای **سالم و فعال و خلاق و مومن به مقدسات ملی** تعیین کنیم و در این حال:

نخست‌ـ چون خودسازی و آموزش و پرورش روح سازندگی و نوآوری و نوسازی و همکاری اجتماعی در یك محیط آزاد بهتر صورت می‌پذیرد لذا جامعهٔ سالم جامعه‌ایست که در آن فرهنگ تعاون اجتماعی بیـــن گروهها طوری ریشه گرفته باشد که هیچ گروه‌شغلی در صدد ایجاد سلطه برگروه دیگر و استثمار آن گروه نیست و در چنین جامعه‌ای این اصل پابرجاست کـه هرگونه تجاوز به گروهی از گروهها موجب سلب‌آزادی افراد آن گروه میشود و به پرورش آنها لطمه وارد می‌آورد.

دوم ـ برای تامین این هدف ناچار است آن نوع مدیریت و سرپرستی را اختیار کند که به مردم اجازه دهد تا اطلاعات و دانش خود را فزونی بخشند و بـه مسئولیت‌های خود واقف شوند و آنها را بپذیرند و در تصمیم‌گیریها شرکت نمایند تا احساس رشد و بلوغ روانی کنند و در نتیجه افرادی فعال و خلاق بشوند.

سوم ـ اگر مقصود فراگیری رشد و توسعه در تمامی زوایای زندگی جامعه و جنبه‌های مختلف و تنوع آن از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی

مورد تاکید باشد در اینصورت جامعه برای تامین این هدف ناگزیر از پذیرش یك مدیریت غیرمتمرکزخواهد بود.

چهارم ـ اگر هدف تامین رشد و توسعه‌ای باشتاب باشد در اینصورت جامعه ناچار به بهره‌گیری از تکنولوژیهای پیچیده و قبول اولویت برای پرورش نیروی انسانی ماهر و خلاق است و پرورش این نیرو را باید یك وسیله استراتژیکی برای رسیدن به هدف بداند.

اینك با توجه به‌این مقدمه مدیریت سیاسی‌جامعه‌مان را از دیدگاه این چهار مسئله مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهیم:

الف ـ ساخت سازمانی جامعه از لحاظ مدیریت سیاسی

میل به تخصص‌ها بمنظور بهره‌برداری بیشتر از فعالیت‌ها همیشه جامعه را به گروههای شغلی تقسیم کرده است و انسان که یك موجود اجتماعی استتحت تاثیر گروه، واجد رفتاری گروهی و متمایز از رفتار شخصی میشود، بعبارت دیگر رفتار سازمانی وی در اوضاع اجتماعی و شغلی که با آن زندگی میکند شکل میگیرد، یعنی این رفتار معمولا تابع شرایط گروهی است که انسان با آن احساس پیوستگی میکند.

طبیعت انسان چنان است که در یك محیط آزاد بیشتر رشد میکند و بهتر کار انجام میدهد، همچنین عشق و علاقه برای بدست آوردن قدرت و شکوه و افتخارات از خصوصیات طبیعی و فطری انسانی است. تلاش برای حفظ آزادیها از یکطرف و تسلط و تجاوز یك‌گروه به گروه یا گروههای دیگر و یا استثمار آنها از طرف دیگر از همان آغاز حیات بشر با وی‌همراه بوده

است و در این کشمکش گروهها، رفتار گروهی، اساس و مبنای عملی در بدست آوردن قدرت بوده است ــ رفتاری که از فرهنگ گروهی تبعیت میکند.

قدرت و اختیارات خصوصیتی دارد که اگر دریك گروه شغلی بیشتر فشرده شود ایجاد فساد میکند. قدرت و اختیاراتی که ناگهان ایجاد نشود و متدرجا در طول زمان بیشتری جمع و متبلورگردد، چون در هرزمان میزان افزایش آن به زمان قبل اندك و نامحسوس است لذا «رفته رفته» جزو فرهنگ گروهی شغلی میگردد و عکس‌العمل مردم هم نسبت به آن شدید نخواهد بود. بدینسان گروههای قدرت با آنکه طی سالها بحدود و حقوق دیگران تجاوز کرده، چون به تدریج به قدرت دست یافته‌اند و این حالت عادی تلقی شده است، لذا برحسب عادت این را یك امر طبیعی و یك نوع حق مسلم خود خواهند شناخت.

تاریخ اجتماعی و سیاسی کشورها پراست از نمونه‌های کشمکش این گروههای شغلی و تجاوز یك گروه به گروههای دیگر شغلی که در نتیجه به تمرکز تدریجی قدرت در یك گروه منتهی شده است تجاوز گروه مالکین به گروه رعایا و استثمار آنها و سلطه گروه حکومت به گروههای دیگر تا قبل از دوران مشروطیت در ایران از این نمونه است و این کیفیت بقدری ریشه گرفته بود که بصورت فرهنگ گروهی جامعه جلوه میکرد و اجمالا صاحبان قدرت تصور می‌کردند که ماموریتی الهی نصیبشان شده است.

وقتی مشروطیت به ایران رسید گروههای شغلی در ایران عبارت بودند از رعایا، پیشه‌وران، روحانیان، مالکان بزرگ و حکام. از بین این گروههای شغلی، چون پیشه‌وران پراکنده بودند و تشکل نداشتند طبیعی‌است که تبلور قدرت در ایشان نمی‌توانست بروز کند و

زارعان نیز چون وابسته به زمین بودند از خوداختیاری نداشتند و بنابراین مالکان و روحانیان و حکام، گروه‌های بالنسبه متشکلی بودند که به ماموریت و هدف سیستم توجه داشتند و در راه بقای آن میکوشیدند و اما به محض آنکه تماس با دنیای خارج و رویدادهای آن فزونی گرفت و جانشین کردن استراتژی رشد و توسعه بجای استراتژی «**بقای وضع**» موجود زمینه‌ای پیدا کرد، این کیفیت روابط گروهها را تحت تاثیر گرفت و گروههای شغلی در صدد ایجاد تعادل میان قدرت‌های گروهی برآمدند، در حقیقت مشروطیت‌ایران در قلمرو کشمکش بین این گروههای شغلی به منظور از بین بردن سلطه گروه حکومت برگروههای دیگر و برقراری‌تعادل بین سه مرکز تبلور قدرت بوجود آمد و همان شکل سازمانی را که اغلب جوامع آزاد برای برقراری این تعادل پیدا کرده بودند پذیرفت و آن ایجاد نهاد پارلمانی مرکب از نمایندگان گروهها بود تا قدرت‌ها را از طریق انشاء و اجرای قوانین مهار کند و به صورت نهاد متقابل و متعادل کننده قدرت‌های سیاسی در آید تا تنگنای سیاسی و سازمانی رشد و توسعه را برطرف نماید.

نهاد پارلمانی در ایران با توجه به زمینه‌های **فرهنگ گروهی** به آسانی نمی‌توانست از کارآئی زیاد بهره‌مند باشد زیرا جامعه ماصدسال از قافله پیشرفت‌های تکنولوژی عقب مانده بود و سنتهای متجاوز گروههائی را همراه میکشید که تغییرات سریع‌اجتماعی مستلزم بهم خوردن تعادل قدرتها در آن گروههای سنتی بود و به‌همین جهت از زمان استقرار مشروطیت و انتخاب استراتژی رشد و توسعه تغییرات زیادی‌در جامعه ما بوقوع پیوست و سبب شد که در ساخت سازمان جامعه و بافت‌گروههای شغلی تغییراتی پیدا

شود(۱) و گروههای دیگری که خود آگاه از ماموریت سیستم و کم‌وبیش متشکل هستند در صدد برآمدند که مقام اجتماعی و موقع سیاسی مناسب خود را در جامعه حفظ کنند. این گروهها عبارتند از:

دولتیان ـ دانشگاهیان و فرهنگیان و روحانیان ـ مدیران موسسات و پیشه‌وران ـ کارگران وکشاورزان.

اهمیت مشروطیت در کوششی بود که به خاطر جانشین کردن حکومت قوانین بجای حکومت افراد و ایجاد یك نظام اجتماعی خاص بعمل آورد ـ نظامی که جامعه بتواند بطور خودکار تعادل قدرت بین گروههای شغلی را برقرار سازد و از سلطه و تجاوز یکی بر دیگری جلوگیری بعمل آورد و بدون هیچ نشیب وفراز و توقفی به پیشرفت و نیل به هدف خود و انجام ماموریت سیستم ادامه دهد.

برداشت مشروطیت از حکومت براین اساس بود که دولت قوه اجرائی است و بخودی خود قدرت ندارد، مسئولی است برای ایجاد همکاری بین گروهها واجرای نظم و حفظ امنیت و اجرای قوانین و لذا نمیشود آنرا گروهی در مقابل گروههای دیگر اجتماع دانست و فرض براین شد که افراد گروه دولتیان بی‌غرض و بیطرف هستند. مطالعات روانشناسی اجتماعی نشان میدهد که فرض بیطرفی و بیغرضی افراد، برپایه انسان مجرد از گروه و رفتار سازمانی نمی‌تواند واقعیت داشته باشد و ما ناچار از قبول این مسئله هستیم که‌دولتیان خود یك گروه شغلی را تشکیل میدهند و رفتار سازمانی آنها از رفتار گروهی تبعیت میکند.

بعلاوه جامعه‌ایکه استراتژی رشد وتوسعه راانتخاب میکند دائما در حال تحول است و در یك جامعه متحول

۱ـ گرچه درعرصه واقعیت این انقلاب شاه و ملت بود که تبلور قدرت مالکان بزرگ را بکلی از بین برد.

اولا وظایف و اختیارات و مسئولیتهای دولت پیوسته رو بفزونی است و ثانیا میزان‌تمرکز قدرت درگروههای شغلی مرتبا در حال تغییر است و اگر این تغییرات از طریقی اصلاح نشود و اجازه داده شود که هربار که گروهی متجاوز سر برمی‌آورد دولت گروه متجاوز را سرکوب نماید و تعادل گروهها را برگرداند در این صورت برای برگرداندن تعادل به لحاظ رفع سلطهٔ دستگاههای دولتی مرجعی وجود نخواهد داشت.

ایجاد نهاد پارلمانی در مشروطیت که یك نهاد سازمانی است اجازه داده است که نمایندگان شغلی گروهها دور هم جمع شوند و علاوه برامعان نظر در مسائل اجتماعی به آزادی درباره افزایش تبلور قدرت گروهها داد سخن بدهند و با یکدیگر به‌شور بنشینند و با ایجاد قدرتهای متقابل و نهادهای تعدیل‌کننده، عدم تعادل را رفع نمایند تا مردم از امنیت حقوقی بهره‌مند شوند و خلاقیت فردی و گروهی شکوفان گردد. ولی همانطور که یادآوری شد نهاد پارلمانی تنها یك نهاد سازمانی است و نماینده فرهنگ گروهها و میزان قدرتی که هرکدام از آنها در دست دارند. اگر درزندگی روزانه گروهی به گروههای دیگر تسلط یابد و یا به آنها تجاوز نماید و یا آنها را استثمار کند و سالها از این وضع بگذرد و بصورت عادت در آید مالا فرهنگ گروهی بوجود می‌آید و لاجرم نهاد پارلمانی بسختی خواهد توانست آنرا اصلاح کند و چه بسا برعکس در برقراری و حفظ آن روابط سنتی تلاش هم خواهدکرد. چون سازمان همیشه حافظ سنتها است و تابع اراده کسانی است که آنرا بوجود آورده‌اند و اداره میکنند.

به عبارت دیگر اگر نظام پارلمانی که از ارتباط‌نهاد پارلمانی با فرهنگ گروهی و قوانین موضوعه گروه‌های شغلی بوجود می‌آید، با استفاده از سیستم‌اطلاعاتی

جامعه که همان وسایل ارتباطات جمعی است متاثر از واکنشهای داخل نظام پارلمانی بشود ولی بــه‌علل فرهنگی و یا احترام به سنن و یا هرعلت دیگرتوانائی دادن تغییرات در روابط گروهها را نداشته باشد در اینصورت در چهارچوب سنتهای گذشته درجا خواهــد زد زیرا نهاد پارلمانی که نمایندگانی از گروههــای سنتی در آن جمع هستند هرگز اجازه نخواهد داد کــه تغییرات زیربنائی بصورت قانونی در آید و در نتیجه قدرت گروهی آنها را از بین ببرد.

بنابراین در چنین جامعه‌ای پیشرفت و توسعه‌امکان پذیر نخواهد بود مگر اینکه یك نظام مافوق و خارج از نظام پارلمانی وجود داشته باشد که با استفاده از سیستم اطلاعاتی خود طوری در نظام پارلمانی اثــر بگذارد که بتواند مخالف هرنوع سلطه و تجاوز و استثمار گروهی اقدام کند و اجازه ندهد گروهی‌طوری قدرت را بدست گیرد و نظام پارلمانی را طوری تنظیم و رهبری نماید که تسلط و تجاوز گروهی به‌گروههای دیگر ابدی گردد.

بربنیـاد فرهنگـد ملی مـا نهـادی که می‌توانـد ماموریت چنین قدرت مافوق و خارج از نظام پارلمانی را به‌عهده بگیرد نظام شاهنشاهی است. تاریخ‌سیاسی و اجتماعی ما در پنجاه سال اخیر نمونه بارزی ازعملکرد این نظام است اگر شاهنشاه نظام پارلمانی ما را متوجه تغییرات اجتماعی نمیکردند و سنتهای گذشته را بـا برقراری اصول جدید نمی‌شکستند. نظام پارلمانی ما در همان حرکت اولیه خود دور میزد و گروه مالکین برای سالها قدرت‌پارلمانی‌راحفظ میکرد وفئودالیسم از بین نمیرفت‌گروه کشاورزان وکارگران قدرت‌سیاسی‌بدست نمی‌آورد و همه اینها صورت نمیگرفت مگر باانقلاب‌

های خونین.

مطالب فوق، تحول و تطبیق ساخت سازمانی جامعه و بافت گروههای آن را با توجه به زمینه‌های فرهنگ ملی در مقابل انتخاب استراتژی رشد و توسعه که ماموریت آن جز با ایجاد و حفظ و پرورش انسانهای سالم و فعال و خلاق و مومن به مقدسات ملی تامین نمیگردد، نشان میدهد و بیان‌کننده حقایقی است که در زندگی اجتماعی و سیاسی ما ظاهر شده و بطور خلاصه از این قرار است:

۱ـ افراد در جامعه معمولا با گروه شغلی همبستگی پیدا میکنند و از رفتار گروهی تبعیت می‌نمایند.

۲ـ جامعه از گروههای شغلی مختلف تشکیل‌یافته است و افراد هرگروه تابع رفتار گروهی هستند وچون نوع وظیفه و خصوصیات شغلی روی رفتار گروهی آنها اثر میگذارد بطوریکه در تلاش برای کسب قدرت و افتخار، وظائف گروههای دیگر را نادیده میگیرند، لذا مشکل می‌توانند گروه بیطرفی باشند.

۳ـ کشور از کوشش تمام گروههای شغلی و پیوستگی آنها بهم اعتلاء می‌پذیرد و در یك جامعه‌مترقی یك گروه به گروه دیگر رجحانی ندارد و اگر گروهی نتواند خدمتی انجام بدهد از بین میرود.

٤ـ همه گروهها تمایل به کسب قدرت و امتیازات بیشتری پیدا میکنند و هرچه بیشتر قدرت و امتیاز به دست آورند باز بیشتر میخواهند. اگر در مقابل سلطه و تجاوز و استثمار گروهها قدرتی متعادل‌کننده وجود نداشته باشد لاجرم آنرا بصورت فرهنگ گروهی که برپایه تسلط و تجاوز و استثمار قرار گرفته است در خواهند آورد.

۵ـ جامعه مترقی جامعه‌ایست که افراد گروه در آموزش وپرورش خودکمرهمت می‌بندند. چون پیشرفت

و توسعه نتیجه دانش افراد است نه دارائی و ثروت آنها و این ممکن نیست مگر اینکه گروهها در کنار هم و با تفاهم و همکاری و اشتراك مساعی زندگی کنند و هیچکدام اسیر و برده دیگری نباشد و لذا هرگونه تسلط و تجاوز و استثمار گروهی نسبت به گروه و یا گروههای دیگر، جامعه را از پیشرفت و توسعه باز خواهد داشت.

٦ـ اگر تجاوز و تسلط گروهی به دیگران واستثمار آنها بتدریج صورت گیرد با مقاومت کمتری روبـرو خواهد شدو روزی خواهد رسید که فرهنگ گروهی برمبنای تسلط و تجاوز و استثمار شکل‌گرفته است و این تجاوز در طول زمان امری طبیعی تلقی و کمال عدالت و نصفت شمرده میشود. گشودن چنین گرهی نیز از طریق نهاد پارلمانی با مشکلاتی روبرو خواهد گردید.

۷ـ ماموران قوه مجریه علاوه براینکه یـك گروه شغلی را تشکیل میدهند ماموریت ایجاد همکاری در نظام پارلمانی را بعهده دارند و اگر نتوانند بیطرفی خود را حفظ کنند رفتار سازمـــانی آنها مثل سایر گروهها، آنها را بیشتر بطرف افزایش قدرت سوق خواهد داد و اگر به مانعی برخورد نکنند روز بروز بر قدرت خود خواهند افزود.

۸ـ نظام شاهنشاهی مـــا بصورت نظام تنظیم و تعدیل‌کننده نظام پارلمانی در آمده است چون شاهنشاه فارغ از این گروههای شغلی بوده و در راس جامعه قرار گرفته‌اند می‌توانند حرکت گروهها را بیطرفانه نظارت بکنند و با انشاء اصولی حفظ موجودیت ملی و حقوق اساسی مردم و گشودن گره‌هائی که‌گروههای شغلی ما را درگیر یکدیگر میکند تضمین نمایند.

این ساخت سازمانی که نظام پارلمانی آن برمبنای

گروههای شغلی و نظام شاهنشاهی آن برمبنای ملی قرار گرفته است مثل هرسیستم خودکار احتیاج به یك مکانیسم اطلاعاتی و ارزیابی و بازگوکننده داشت که بتواند سه وظیفه مهم را درکاربری و عملکردسیستم انجام دهد تا سیستم بتواند ماموریت خود را به‌خوبی انجام دهد.

این سه وظیفه عبارت بودند از:

۱ـ ایجاد فضائی در بین مردم برای طرح مسائل و مشکلات اجتماعی و ارزیابی راه حلهای آن مشکلات و مسائل که بصورت قوانین و مقررات و ضوابطوضع میگردد.

۲ـ ایجاد وسیله‌ای برای شناسائی و انتخاب نمایندگان برای نهاد پارلمانی.

۳ـ ایجاد محلی برای نشان دادن افزایش تبلور قدرت گروههای شغلی و امتیازات اجتماعی و سیاسی وآن مفاهیم ذهنی که مورد توافق گروهها است.

این نیاز سیستم با فرمان شاهنشاه برای ایجاد حزب رستاخیز ملت ایران که مکانیسم اطلاعاتی و انتخاباتی و افشاء تبلور قدرتها را در دست دارد ـ برآورده شد و بدون شك در صورتی که استراتژی‌رشد و توسعه دوام پیدا کند نظام حزبی را مجبور خواهد ساخت طوری فعالیت نماید که بتواند این سه وظیفه مهم را به خوبی انجام دهد و بالنتیجه مسئولین اداره امور حزب ناچار خواهند شد:

نخست ـ موارد زیر را مرتبا بررسی و مورد ارزیابی قرار دهند:

۱ـ آیا کانونهای حزبی به صورت مراکز انتقال اطلاعاتی درآمده‌اند یا نه؟ آیا شرکت‌کنندگان در آنها از تمام گروههای شغلی هستند یا نه؟ و اگر جواب‌منفی است بهترین راه رسیدن به هدفهای تعیین شده‌چیست؟

۲ـ آیا کانونهای حزبی نمایندگان انتخاب شده به نهاد پارلمانی را از طریق کاربری قوانین و مقررات ارزیابی میکنند یا نه؟

برای شناسائی افراد بهتر و طرق ارزیابی آنها چه راهی را باید انتخاب کرد؟

۳ـ آیا افزایش تبلور قدرت گروههای شغلی در کانونهای حزبی منعکس میگردد یا نه؟ و آیا حزب از تغییرات این تبلور اطلاع پیدا میکند؟

٤ـ آیا سازمانی که حزب برای خود ایجاد کرده است و مسئولیتهائی که بــه کانونها داده شده و ارتباطاتی که بین ارکان حزب برقرار گردیـده است برای رسیدن به هدفهای فوق موثر است یا نه؟

دوم ـ سیاستی اتخاذ کنند که نه دولت در راس حزب قرار گیرد و نه حزب قوه مجریه را به دست‌داشته باشد. قبول و اعمال این قاعده در اداره امــور حزب روشنگر تفاوت و اختلاف بارزی بین حزب رستاخیـز ملت ایران با احزاب کشورهـای تک‌حزبـی است. در کشورهای تک‌حزبی دیگر حزب حکومت میکند و آن حزب دولت را تشکیل میدهد ولی در کشور ما ترکیب و تلفیق نظام شاهنشاهی با نظام پارلمانی و شکل فراـ گیرنده حزب متعارض و متضاد با قبول برآمدن قوه مجریه از حزب است چون حزب جز مکانیسم اطلاعاتی و انتخاباتی و نمایش دهنده تبلور قدرتها وظیفه دیگری بسختی می‌تواند انجام دهد.

ب ـ شیوه سرپرستی و مدیریت

برداشتی از اصل انقلاب اداری

آنچه پیشتر آمد نشان میدهد که در چهارچـوب فرهنگ ملی ما انتخاب استراتژی رشد و توسعه چه اثراتی روی ساخت سازمانی سیستم مدیریت سیاسی

ما می‌تواند داشته باشد و اکنون می‌پردازیم به اثـرات این استراتژی در شیوه سرپرستی:

بطور کلی ساخت سازمانی این سیستم با حزب فراگیرنده آن که وظائف سه‌گانه اطلاعاتی و ارزیابی ـ شناسائی و ارزیابی نمایندگان نهاد پارلمانی ـ افشاء تبلور قدرت گروهی را بعهده دارد طوری است که عملا توانائی جلوگیری از رواج شیوه سرپرستی و مدیریت دستوری را دارد. زیرا در راس این سیستم مدیریت سیاسی نظام شاهنشاهی قرار گرفته که از ارتباط وجود شاهنشاه با ـ ملت ایران ـ قانون اساسی ـ و اصول انقلاب شاه و ملت بوجود آمده است و ایـــن نظام شاهنشاهی سایه خـود را روی نظام پارلمانـی انداخته است.

ساخت نظام پارلمانی برمبنای گروههای شغلـی قرار گرفته است و برقراری خودکار تعادل قـــدرت گروهها را فراهم میسازد و در صورت از کار افتادن سیستم خودکار تعادل قدرتها، نظام‌شاهنشاهی می‌تواند بیاری آن بیاید و برگشت تعادل خلاق را فراهم بسازد. به عبارت دیگر اگر عملکرد نظام پارلمانی طوری صورت گیرد که احترام به حقوق مردم و اصول آزادی که‌انقلاب مشروطیت بوجود آورده است و اسلاف ما برای بدست آوردن آن خونها نثار کرده‌اند پایمال شود و حکومت افراد، جانشین قوانین و ضوابط گردد و سنتهـای فرهنگ گروهی طوری برقرار شود که اجازه دهـد گروههائی سلطه و استثمار و تجاوز خود را ابـــدی سازند و سیستم خودکار تعادل قدرتهای خلاق در نظام پارلمانی را از کار بیندازند در اینصورت شاهنشاه با استفاده از قانون اساسی و یا ارتباط مستقیم با ملت ایران و برقراری اصولی بنام انقلاب شاه و ملت می‌توانند این عدم تعادل را از بین ببرند و حقوق‌پایمال

شده مردم را به‌آنها برگردانند.

در این زمینه مسئله‌ای را که شاهنشاه در تحقق استراتژی رشد و توسعه به‌آن توجه و لزوم تغییر بنیانی را در آن امر فرموده‌اند شیوه مدیریت و سرپرستی است که در فرمان اصل انقلاب اداری به‌آن دقیقا اشاره شده و نشان دهنده عملکرد ساخت سازمانی (که دربالا بدان اشاره رفت) و انطباق شیوه مدیریت با استراتژی و ساخت سازمانی است.

شاهنشاه این اصل را باین ترتیب بیان میفرمایند:

«مفهوم این اصل این است که همه افرادی که در سازمانهای اداری و دولتی مملکت وظیفه‌ای را اعم از بزرگ یا کوچك بعهده دارند، با کمال صداقت و وظیفه‌شناسی و با قبول مسئولیت در انجام وظیفه خود بکوشند، روح اتلاف وقت و باصطلاح قرطاس‌بازی و بوروکراسی در ادارات ما از بین برود، و هرکارمند اداری بداند که وظیفه‌او در درجه اول سرعت در انجام مراجعات مردم و اجرای صحیح و بیغرضانه وظایف اداری و تسهیل گردش کارهای کشور است، زیراهمین مردمند که از راه دادن مالیات، حقوق این کارمندان را تامین میکنند.

ادارات ما می‌باید از روح مماطله و دفع‌الوقت و بی‌تصمیمی و نیز تشبث و توسل، پاك و منزه شوند، روح خدمتگزاری و شور و علاقه که لازمه تحول‌اجتماعی امروز ایران است جایگزین آن گردد. از طرف دیگر می‌باید تمرکز بیدلیل و زیاده از حد امور در پایتخت مملکت از میان برود و به استانها و شهرستانهای‌کشور امکان ابتکار و مسئولیت بیشتری در کارهای مربوط به خود نشان داده شود. حتی شایسته است ترتیبی داده شود که خدمت در نواحی مختلف کشور با خدمت در پایتخت و شهرهای بزرگ لازم و ملزوم یکدیگر

باشند. بهرصورت، اصلاح وضع دستگاههای دولتی و تجدید بنای سازمانهای اداری و تغییر اساسی درروش کار و اعمال مدیریت صحیح ودقت در حسن انجام کارهای اداری و سرعت اتخاذ تصمیم با بی‌نظری و خیرخواهی، اصولی است که قطعا می‌باید در اجـرای انقلاب اجتماعی ایران تحقق یابد.»

اگر این فرمان شاهنشاه را با توجه به استراتژی رشد و توسعه و هدف سیستم که ایجاد و حفظ و پرورش انسانهای سالم و فعال و مومن به مقدسات ملی است بدرستی بکاویم، خواهیم دید که شاهنشاه با مشاهده روح اتلاف وقت و قرطاس‌بازی و بوروکراسی و غرض‌ورزی در وظایف اداری و اهمال در کار مردم و روح مماطله و دفع‌الوقت و بی‌تصمیمی و تشبث وتوسل گروه دولتیان نگاهی به تاریخ مشروطیت ایران‌فرموده و بخاطر آورده‌اند که خصوصیات حکام‌قبل ازمشروطیت و شیوه سرپرستی و مدیریت آنها هم واجد همیـن مراتب (که با استراتژی بقای وضع موجود انطباق دارد) بوده است که از طرفی گروه کثیر مامورین دیوانی را بیحال وبیکار و بی‌تفاوت پرورش میداد که غلام حلقه بگوش جماعت معدود حکام بودند و جز تقلید و تکرار، کاری از آنها ساخته نبود و از طرف دیگر کشمکش‌بین گروهها را فراهم می‌آورد که لاجرم نهاد پارلمانی را برای ایجاد تعادل، با انقلاب خونین سبب شد. لذا با دوراندیشی و جهان‌بینی خاص ایجاد و حفظ و پرورش آن نیروی انسانی خلاق را که در سازمانهای دولتی‌باید انجام وظیفه کنند یك ضرورت مدیریت در مقابل‌انتخاب استراتژی رشد و توسعه دانستند و فرمان انقلاب‌اداری را صادر فرمودند.

اگر دقت شود اصل انقلاب اداری:

اولا ـ رفتارگروهی مسئولان سازمانهای اجرائی را

به صورت شغلی تائید مینماید بدینصورت ممکن است بیطرف نباشند و توجهی به حقوق مردم نکنند. اعتقاد به بیطرف بودن حکام دولتی در نظام پارلمانی ما (که از آثار اولیه حکومت مشروطه بوده و موقعی ریشه دوانده که هنوز بین نظام شاهنشاهی و نظام پارلمانی تلفیق و ترکیب بوجود نیامده بود) چون سالها محترم شمرده شده لذا جزء فرهنگ گروهی‌ما درآمده و سیستم‌تعادل خودکار نظام پارلمانی را از کار انداخته بود، دیگر نهاد پارلمانی ما قادر به از بین بردن آن نمی‌توانست بود وفقط توانائی وکاربری نظام شاهنشاهی‌میتوانست دست به برهم زدن سنت قدیمی زند و اصلی را برقرار سازد که مبتنی بر واقعیت اجتماعی رفتار گروهی باشد.

و اما شکستن کامل این سنت می‌باید:

الف ـ نهاد پارلمانی را متاثر سازد تا در تدوین قوانینی که روابط گروهها را تنظیم مینماید، به فرض گذشته (که مامور دولت در جهت افزایش قدرت نیست) توجه نکند و اصل واقعی را در نظر بگیرد.

ب ـ مسئولین سازمانهای دولتی را متوجه رفتار گروهی نماید تا با خود آگاهی از مسئولیت اجتماعی (که تجاوز و سلطه به گروههای دیگر را نفی میکند) کف نفس از خود نشان بدهند.

البته مدتها طول خواهد کشید تا نهاد پارلمانی ما متوجه این حقیقت بشود و این همان فاصله فرهنگی است که در هرجامعه‌ای بهنگام تغییرات استراتژیکی پیش می‌آید چون برداشت ما از وظیفه دولت همیشه به عنوان بیطرف و متعادل کننده قدرتها و مجری قوانین بوده است و این برداشت اثرات خودرا در وضع‌قوانین و مقررات برای سالها حفظ میکند، بطوریکه هنوز در وضع قوانین بجای اینکه نظامهای خودکار تعبیه وحداقل دخالت مامورین دولت در نظر گرفته شود بدخالت و

قضاوت و اراده مامورین دولت اهمیت بیشتری داده می‌شود و بجای ضوابط و قوانین و مکانیسمهای خودکار، اراده و تصمیم گیریهای روسای سازمانها و ادارات وغیره، تنظیم کننده روابط بین گروهها میشود.

ثانیا (اصل انقلاب اداری) توجهی خاص به شیوه سرپرستی و مدیریتی دارد که بموجب آن افراد بتوانند در تصمیم‌گیریها شرکت کنند. با تغییر استراتژی در جهت رشد و توسعه، ضرورت توسل به‌این نوع شیوه سرپرستی و مدیریت احساس میگردید. وقتی هدف تنها حفظ وضع موجود است و خطرات نابودی بقدری فراوان است که تفویض اختیارات، مسئولیت بسیار سنگینی را در بر میگیرد، شیوه مدیریت و سرپرستی غالبا دستوری خواهد بود و مثال بسیار روشن آن مدیریت در زمان جنگ و مدیریت ارتشی است ولی وقتی خطر نابودی مرتفع گشت و هدف استراتژی رشد و توسعه تعیین گردید دیگر پیشرفت با شیوه مدیریت دستوری امکان نخواهدداشت. باکمال تاسف پاره‌ای مسئولین سازمانهای دولتی ما ناخودآگاه به‌تبعیت از رفتارگروهی و بی‌تجربه در مدیریت غیردستوری و بی‌توجه به تغییر استراتژی بدنبال آنچه درگذشته انجام میگرفت رفته و هرچه توانسته کارها را دور و بر خود تمرکز داده‌اند و بجای ایجاد نهادها و ضابطه‌ها و پرورش افراد که بتوانند بطور خلاق مسئولیت بعهده بگیرند، شیوه مدیریت و سرپرستی دستوری را انتخاب کرده وحکومت روابط را برقرار کرده‌اند و در حقیقت بصورت مامورین و مسئولین اجرای استراتژی بقای وضع موجود هنوز باقی مانده‌اند و به‌نظر میرسد که در برداشت آنها از مدیریت سیاسی، مفهوم ذهنی حفظ و استقرار وضع موجود و جلوگیری از نابودی، سایه برروی استراتژی رشد و توسعه انداخته است و تعجب نباید کرد که

هراندازه از مرکز به نقاط دورتر کشور بروید این مفهوم ذهنی را شدیدتر مشاهده خواهید کرد.

اگر در این مسئله متفق‌الرای باشیم که اصل انقلاب اداری در واقع اصلاح تشریفات اداری نیست بلکه ما را از رفتار گروهی مسئولین دولتی در جهت افزایش قدرت آگاه مینماید و شیوه مدیریتی را که بااستراتژی رشد و توسعه تطبیق دارد بجریان میاندازد، در این صورت باید انتظار داشته باشیم که با تحقق این اصل طولی نخواهد کشید که:

الف ـ قوانین مملکتی بررسی گردد و مواردی را که درآنها سلطه وحکومت افراد افزایش داده‌شده‌است لغوو بجای آنها مکانیسمها و نهادهای خودکار برقرار شود و نهاد پارلمانی با خود آگاهی از این اصل واقعی در صدد تدوین قوانینی که خلاف این اصل باشدبرنیاید.

ب ـ دولت، مسئولین سازمانهای خود را به جهاد معنوی دعوت نماید و یك آموزش همه‌جانبه در سازمان‌های دولتی معمول کند تا مامورین دولت متوجه رفتار گروهی خود شوند و از آنها خواسته شود که بین دخالت در امورکه می‌تواند از طریق وضع قوانین و ضوابط صورت گیرد با تبلورو افزایش قدرت وحکومت انسانها بجای قوانین فرق اساسی بگذارند. بدیهی است مشکلات زیادی که جوامع امروز به علت توسعه و پیشرفت با آنها روبرو شده‌اند دخالت روزافزون دولت را ایجاب کرده ولی طرز اعمال این دخالت به صورت حکومت انسانها است که باعث میشود توجه به مسئولیت اجتماعی فراموش گردد. اگر استثمار گروههای دیگر به علت عدم توجه به مسئولیتهای اجتماعی مورد نفی قرار گیرد، اعمال دخالت دولت در امور بصورت حکومت انسانها نیز باید عدم توجه به مسئولیتهای اجتماعی تلقی و نفی شود. روشن است که

برای عملی کردن‌آن مسئولان سازمانها ناچار خواهند شد در سازمانهای خود را بروی مردم باز نمایند و به آنها اجازه دهند انتقاد کنند و مسائل را به آزادی مورد بحث قرار بدهند .

ج ـ به آموزش و پرورش افراد فعـال و خـلاق در سازمانهای اداری اهمیت زیادی داده و کوشش شود که شیوه سرپرستی و مدیریت دستوری جای خود را به شیوه مدیریت متکی برمشارکت و اشتراك مساعی‌و همکاری بدهد.

ج ـ عدم تمرکز مدیریت

مسئله عدم تمرکز مدیریت از آن جهت بااستراتژی رشد ارتباط پیدا میکند که اگر هدف رشد و تـوسعه در سطح وسیع جغرافیائی و با تنوع زیاد در عملیات مطرح باشد ساخت سازمانی متمرکز کـه یك ساخت فانکشنال است نمی‌تواند ماموریت سیستم را تامیـن نماید. در یك استراتژی حفظ وضع موجود وجلوگیری از نابودی که در ادوار تاریخی برای هرجامعه‌ای ممکن است پیش آید وحدت فرماندهی و سرعت تصمیم‌گیری بقدری حیاتی است که ساخت سازمانی فانکشنال را ضروری میسازد. همچنین وقتی منابع جامعه محدود است و عملیات عمرانی را نمی‌توان در بیش از چنـد منطقه یا حوزه عمل ادامه داد طبیعی است که با یك سازمان فانکشنال مرکزی می‌توان چنین ماموریتی را با صرفه‌تر انجام داد. ولی وقتی وحدت ملی طوری استقرار پیدا کرده است که نه تنها نگرانی از نابودی نیست بلکه هدف رشد و توسعه سریع در سطح وسیع جغرافیائی با تنوع زیاد عملیات مطرح شده و منابع کافی در اختیار است که اجازه چنین رشد و توسعه را میدهد در اینصورت گرایشهائی بوجود خواهد آمد که

اثرات مهمی برروی دستگاهها و سازمانهای فانکشنال دولتی خواهد گذاشت که اهم آنها از این قرارند:

۱ـ وسیع‌تر شدن حوزه‌های عملیاتی دولت وتوسعه سریع احتیاجات عمومی و اتکاء زیاد مردم به‌دولت.

۲ـ پیچیده‌تر شدن مسائل وامور ـ توسعه سریع شهرها ـ آلوده شدن محیط زیست ـ بیکاریهای زمن‌ـ بهم خوردن هرچه شدیدتر تعادل اجتماعی و ضرورت استفاده از تکنولوژی‌های پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر که توسل به یك نیروی انسانی بسیار ماهر وبا دانش‌فنی بالاتری را ایجاب میکند.

۳ـ بوجود آمدن سازمانهای بزرگ و مستقل و متعدد که برعکس سازمانهای کوچك انعطاف‌پذیری کمتری دارند و بدون برقراری ارتباط مخصوص باتمام سازمانهای‌فانکشنال دولتی نمی‌توانندفعالیت وکاربری داشته باشند.

تصور این را بکنید که اگر شرکت ملی نفت برای گردش امور خود از وزارت صنایع و معادن ـ اقتصاد و دارائی ـ کشور ـ وزارت کار و شهرداری و غیره و غیره برای هرکار و حرکت خود اجازه میخواست بگیرد بچه وضعی در می‌آمد. همچنین تصور این را بکنید که اگر تعداد موسسات مثل شرکت ملی نفت یا کمی کوچکتر به حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ موسسه در کشور برسد و ۳/۴ محصول ناخالص ملی را هم تولید کنند و در اینصورت با برقراری این روابط مخصوص مثل شرکت ملی نفت چه سازمان و چه وظایفی برای وزارت‌خانه‌ها باقی میماند؟

٤ـ مشکلتر شدن مسئله ایجاد هم‌آهنگی امور بین سازمان‌های فانکشنال به علت مشکلتر شدن مسئله تخصیص منابع و کنترل و ارزیابی برنامه‌ها در سطح عالی کشور.

بدون شك وجود این گرایشها توسل به نوعی از مدیریت مبتنی بر عدم تمرکز را ضروری خواهد کرد و دستگاهها و سازمانهای دولتی بناچار ساخت‌سازمانی خود را باید با این تغییرات تطبیق بدهند تا ساخت سازمانی آنها بصورتی در آید که ایجاد وحفظ وپرورش نیروی انسانی سالم و خلاق و مومن به مقدسات ملی در یك منطقه جغرافیائی در چهارچوب منابع ـ نیرو و انرژی ـ نیروی انسانی در سطح اقتصاد ملی و هدف‌های رشد و توسعه در سطح مملکتی هدف آن سازمانها باشد.

آنچه ذکر آن در اینجا لازم است و ارتباط با کل سیستم مدیریت سیاسی دارد توجه خاص به همان هدف نهائی سیستم است. بهرترتیبی که این مشکلات اداری دولت حل شود و ساخت‌های سازمانی آن‌عوض گردد باید نتیجهٔ آن ایجاد و حفظ و پرورش انسان‌های سالم و فعال و خلاق و مومن به مقدسات ملی‌باشد تا ارتباط منطقی بین تمام قسمتهای این سیستم‌برقرار شود و لذا در هرجای کشور که سازمانهای دولت پراکنده شوند و استقلال محلی پیدا بکنند باید رهبری طوری انجام گیرد که تعادل خلاق قدرتهای گروهی در محل حفظ شود و شیوه سرپرستی و مدیریت‌دستوری نباشد.

د ـ تکنولوژی و نیروی انسانی ماهر

استراتژی رشد وتوسعه مخصوصا وقتی‌که باشتاب توام است بکارگیری تکنولوژی پیچیده را ضروری و استفاده از ابزار و آلات دقیق و سرمایه بررا اجباری میسازد.

در چنین جامعه‌ای نیروی انسانی ماهراولویت پیدا میکند وسرپرستی مدیریت نیروی انسانی ماهر به

صورت تنگنای پیشرفت و توسعه در می‌آید چون‌هنوز خودآگاهی به طرز تلقی و برداشت از مقام این نیروی انسانی در سازمان بوجود نیامـده است، مـدیران و سرپرستان همان شیوه مدیریت دستوری را که درمورد نیروی انسانی آموزش ندیده و غیرفنی و ساده بکار میبردند دنبال خواهند کرد.

از این دیدگاه هم اگر سیستم مدیریت سیاسی طوری اداره شود که نتیجه آن ایجاد و حفظ وپرورش افراد سالم و فعال و خلاق و مومن به مقدسات ملی نباشد پرورش نیروی انسانی ماهر که بتواند تکنولوژی پیچیده را اداره کند صورت نخواهد گرفت زیراعملکرد تکنولوژی پیچیده احتیاج به کار گروهی و میزان‌کاربری کار گروهی با میزان همفکری و همکاری و شرکت‌افراد بصورت فعال در تحقق هدف گروه همراه با اطلاع از مسئولیت و روابط بین افراد در گروه ارتباط دارد. هراندازه دانش افراد نسبت به مسائل و حقایق بیشتر گردد و هراندازه بتوانند ارتباط بین این حقایق را برقرار و بطور سیستماتیك بمسائل توجه کنند، قدرت نوآوری و خلاقیت بیشتری خواهند یافت و وقتی‌فرصت پیدا میکنند در تصمیم‌گیریها شرکت کنند و قادر می‌شوند مجهولات را کشف و حل نمایند احساس رشد و بلوغ خواهند نمود و برای خود قائل به شان ومنزلت خواهند شد و در این مرحله رشد روانی است که‌شخص استقلال رای پیدا میکند و پیرایه‌ها و القاب وعناوین را بدور می‌اندازد و باشوق و رغبت به‌حرکت درمی‌آید. گروههائی که ترکیبی از تخصصها هستند و در دنیای تکنولوژی بصورت یك پارچه در آمده، هدف وخط‌مشی مشترك پیدا کرده و خلاق و نوآور شده‌اند، از این‌نوع افراد تشکیل یافته‌اند.

مدیریت دستوری هرگز نمی‌تواند بصورت سیمان

و ساروج گروههای تکنیکی خلاق در آید و از این جهت میزان اختراعات و پیشرفت تکنولوژی در جوامع و گروههائی که از مدیریت دستوری تبعیت میکنندبسیار ناچیز است.

نتیجه‌گیری

آنچه از بیان‌مطالب فوق نتیجه‌گیری میشود اینست که وقتی استراتژی رشد و توسعه را انتخاب میکنیم چه از لحاظ ساخت سازمانی جامعه و بافت گروههای شغلی و ایجاد تعادل خلاق میان قدرتهای گروهی از طریق نظام شاهنشاهی و نظام پارلمانی و نظام حزبی و چه از لحاظ شیوه سرپرستی و مدیریت و ضرورت برقراری شیوه مدیریت غیردستوری و چه از لحاظ پراکندگی وسیع جغرافیائی و تنوع عملیات که ایجاب میکند ساخت سازمانهای اداری تغییر پیدا کند وبالاخره چه از لحاظ بکار بردن تکنولوژی پیچیده که احتیاج به کار گروهی فعال دارد که لازم است افراد خلاق با احساس‌مسئولیت در آن گروهها شرکت کنند، اگر احترام و اعتماد به انسانها در جامعه پرورش نیابد و تعادل خلاق قدرتها بوجود نیاید، شیوه‌های مدیریت، دستوری و تفویض اختیار صوری خواهد بود ونوآوری در گروهها تحقق پیدا نخواهد کرد وهرگز به‌هدفهای توسعه و رشد نخواهیم رسید.

در پنجاه سال دوران شاهنشاهی دودمان پهلوی در راه حل مسائل و ایجاد شرایط یك محیط پاك‌برای زندگی و کار در جامعه ما قدمهای بسیار بلندی‌برداشته شده است و وقت آن رسیده است که به مسئله ایجاد اعتماد به نفس و رشد و بلوغ روانی‌انسانها در جامعه ما توجه خاص و بیشتری بشود و بنظر من رستاخیز بزرگ ملی ما بدون برقراری و پرورش یك حس‌احترام

و اعتماد به انسانها و از بین بردن بی‌حرمتی به‌آنها و کشتن روح ضعیف‌کشی که تار وپود زندگی همه ما را در خانواده، درمدرسه، در کار و زندگی، و بطور کلی در تمام شئون زندگی فرا میگیرد هرگز در این امر مهم توفیق نخواهد یافت.

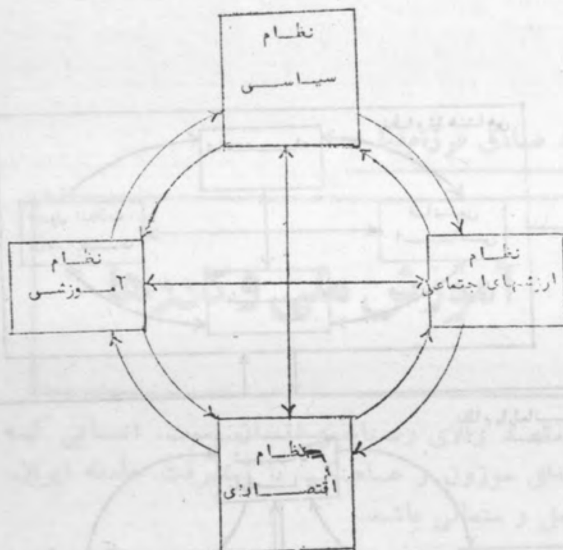
سیستم مدیریت سیاسی ما که یك ابتکار ایرانی است و به رهبری و ابتکار شاهنشاه بوجود آمده ونهاد پارلمانی غرب را با فرهنگ بیست و پنج قرن‌ایرانی تلفیق و ترکیب داده است چون وارد مرحله دوم‌تاریخی خود میگردد که در آن رشد و توسعه وخلاقیت ونوآوری و ایجاد و سازندگی، تنها برای تامین شرایط بهتر زندگی و کار نیست بلکه هم‌چنین وسیله ارضاء روانی انسانها نیز هست که از احساس رشد و بلوغ روانی و کمال لذت می‌برند، ناچار است به تعادل خلاق‌قدرتها و شیوه مدیریت غیر دستوری و مدیریت غیر متمرکز توجه مخصوص مبذول نماید و قبول کند:

۱ــ کمال مطلق، صلح و صفای ابدی، تامین دائمی، اشتراك مساعی ایده‌آلی، فراوانی تمام نشدنی، تعادل اجتماعی خود کار و زندگی بی‌درد و مشقت در جهان وجود ندارد و تا انسان موجودی است که نمی‌تواند پیش‌بینی دقیق از آینده بکند و امکان مقابله با مسائل با راه حلهای مختلف وجود دارد و احساسات و عواطف بشری در اعمال‌انسان اثر میگذاردنمی‌تواندازاشتباهات بدور بماند.

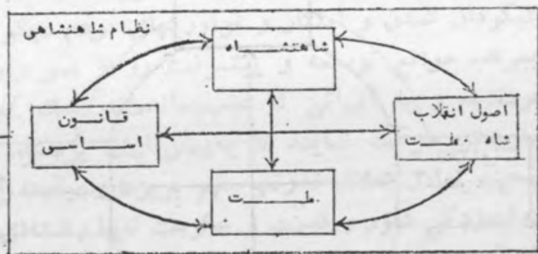
راه ما برای حل مشکلات پیچیده جامعه‌ای که روز بروز پیچیده‌تر میگردد و نیل به هدفهای مشترك، تنها با اشتراك مساعی مردم در جهت بسیج منابع انسانی و مادی برای تهیه و تولید کالا و خدمات خواهد بود و این اشتراك مساعی امکان نخواهد داشت مگر اینکه یك جهاد فکری در همه کسانیکه قدرت در اختیار دارند و

مسئولیتهائی در ایجاد این اشتراك مساعی و حفظ آن برای نیل به هدف بعهده گرفته‌اند بوجود آید بطوریکه در افزایش قدرت از خود کف نفس نشان دهند و از شکوفان شدن و ابتکار و نوآوریهای مردم دیگر لـذت ببرند، موانع توسعه و پیشرفت را از سر راه مردم بردارند و به آنهائی که عقب مانده‌اند کمك کنند که سریعتر حرکت نمایند تا به‌پیش‌تازان برسند. اجازه ندهند تعادل خلاق قدرتها بهم بریزد و جامعه گرفتار دولت‌زدگی شود و قدرت و حکومت تنها رشته‌ای باشد که گروههای‌اجتماعی را بهم پیوند بدهد چون چنین جامعه‌ای فاقد روح گذشت و تحمل و گرمی انسانیت و همچون یخچالی از زندگی یا زندگی دریخچالی خواهد بود که همه در آن یخ زده‌اند.

۲ـ احترام به قوانین و پرورش انضباط فکری در جامعه با تدوین قوانین دقیق ایجاد میگردد. اگر نهاد پارلمانی در انشاء قوانین آن دقت و نظم فکری را از دست بدهد و قوانین با عجله و بدون مطالعه دقیق وضع شود و با تضاد فکری همراه باشد بطوریکه هرکس در هرمقامی مطابق میل و دلخواه و سلیقه خود از آن تفسیر و تعبیر بتواند بکند، در این صورت حکومت افراد برقرار و احترام حکام جانشین احترام به قوانین خواهد گردید. درجامعه‌ای که در آن احترام به قوانین پایمال میگردد: انضباط فکری پرورش پیدا نمیکنـد و پراکندگی مانع هرگونه اشتراك مساعی در امور اجتماعی میشود وبی‌تفاوتی تمام وجود مردم را فرا میگیرد و احساس مسئولیت اجتماعی از بین میرود وحرمتی برای انسانها باقی نمی‌ماند.



بعلت اشتباه چاپی، این نمودارها در صفحات ۱۲۶ و ۱۲۷ نیز مجددا چاپ شده است، بدینوسیله ضمن عرض پوزش تقاضا دارد نسبت به تصحیح آن اقدام فرمائید.



نظام پارلمانی

نهاد پارلمانی

قوانین و مقررات ضوابط

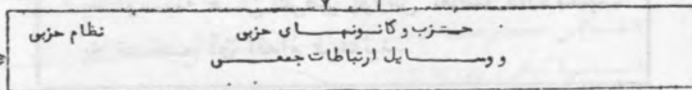
فرهنگ سازمانی ـ گروهی

گروه های شغلی

افراد

رفتار گروهی

انسانهای سالم خلاق و مومن بمقدسات ملی



محمد صادق فرزام‌نیا

آموزش ملی و کادرها

مقصد والای رستاخیز انسان است، انسانی که بگونه‌ای موزون و هماهنگ با پیشرفت جامعه ایران، متکامل و متعالی باشد.

انسان رستاخیزی شهروندی است که بطور گسترده و همه جانبه آموزش دیده و با نیروی خرد و ایمان، و در پرتو مهارت‌های فنی به تولید نعمت‌های مادی و معنوی بپردازد. این انسان کارساز و خلاق است، و در عین حال واجد جهان‌بینی، منش انسانی، و بینش علمی است.

در یك کلام انسان «تمدن بزرگ» در معنا واجد همه ویژگیهای عالی انسانی، و در اندام نیرومند و چابك است، تواناست زیرا که داناست.

براستی این انسان خود بخود، از ژرفای جامعه سربر میکشد و خویشتن را عرضه میدارد؟ اگر آرزو کنیم چنین انسانهای والائی باشیم، آنگاه «میشویم»؟ این چنین مقام ارجمند انسانی را نتوان به آسانی به دست آورد و کار دوچندان سخت میشود اگر بیاد آوریم که فرهنگ واپس‌نگر، چه آثاری به معنویت، بر روح و برتن ما گذارده است.

اندیشه در باب آموزش انسان و یافتن زمینه‌های مساعد بخاطر پرورش ملی و راه‌پیمائی به خاطر چنین مقصد با شکوه، تلاشی است صادقانه در راه بهبود مناسبات اجتماعی و آزادی انسان.

فلسفه ـ احتوا و ویژگی و ضرورت آموزش ملی را بشناسیم

بعضی را عقیده براین است که نیروی ایمان در روان ایرانی مرده و انسان ایرانی ایمان خود را به کار اجتماعی و مشارکت بخاطر پیشرفت از دست داده است. راستی را چنین است؟

در شرایط فعلی، نیروی ایمان به کار دستجمعی نمرده است، بلکه خفته است و مساله این است که این زیبای خفته را چگونه باید بیدار کرد.

بعضی دیگر را عقیده چنین است، که فنون، معنویت و فضیلت انسانی را بزیر سیطرهٔ خودکشانده و کار اخلاق را ساخته است. این گروه ناامیدانه در انتظار ظهور معجزه‌اند. راستی را چنین است؟ نه. زیرا انسان با خرد متعالی و دمبدم پویاترش، همیشه و تا پایان تاریخ بر مخلوقات خویش فرمان خواهد راند، همچنانکه تاکنون چنین کرده است.

چگونه؟ با آموزش با پرورش.

کسانیکه، دم از سرگشتگی و یاس انسان می‌زنند، از حرکت جامعه غافلند، و تاریخ پیشرفت و قوانین تکامل جامعه را ندیده میگیرند. انسانیکه پرچم حقیقت را در تاریکی‌های قرون وسطی برافراشته و امروز شأن و منزلت خویش را، اینجا و آنجا و در بیشتر نقاط جهان بکرسی اقتدار نشانیده است، میتواند با آموزش صحیح فرزندان خود کار مایه‌ی دنیای نو را در دل جامعه معاصر فراهم کند، همچنانکه مقدمات آنرا فراهم کرده است.

«رستاخیز» با آموزش ملی به فرزندان مملکت در راه نوزائی میهن است. یاس و حرمان و نومیدی که پوشش‌های بی‌کفایتی و ایستائی‌اند، از شتاب حرکت جامعه‌ی ما میکاهند، روحیه پیکار جویانه‌ی راه‌پیمایان را تضعیف میکنند و بالنتیجه در مجموع، ضریب توان ملی را کاهش میدهند.

هرچقدر اقتصاد در سایه‌ی رهنمودها و تلاش‌های فرماندهی، بالنده‌تر و شکوفاتر میشود، و هرچقدر دامنه‌ی تولید بسط می‌یابد، اینهمه بایستی به سود روابط آدمیان به کار آید و به‌استحکام مبانی دوستی و همدردی و برادریشان بیانجامد. در رهگذر پیشرفت مادی میباید اندیشه انسان دگرگون شود و مجموعه خصائل انسانی از مدارج فروتر، به مراتب فراتر اوج بگیرد. زیرا، **از ویژگی و طبیعت پیشرفت فنی است که اندیشه را پویاتر و کارسازتر میکند و پیوند آنرا بافرهنگ بی‌ثمر قطع میسازد.** در جریان پیشرفت است که انسان درمییابد باید اجتماعی بیندیشد، مشارکت‌جو و متحد باشد، و در پرتو وحدت و همبستگی، داد خود را از ستمگران و فریبکاران بستاند، در چنین شرایطی است که انسان میخواهد در امر جامعه و اقتصاد و کشور وسیاست واقعا شریك و سهیم باشد.

اینکه انسان ایرانی، در ساختن و پرداختن مملکت از یکسو شریك، و از سوئی، در منافع ملی واقعاسهیم باشد، این، کاری است دشوار، پیچیده و طولانی:

فعالانه و بی‌امان شرکت کردن، از بندهای‌بیشمار قرون و اعصار گسستن، پیشرو بودن، به‌ایمان‌هاشکل دادن، توده‌هار را بسیج کردن، و موزون و هماهنگ انسان را در خدمت انسانیت در آوردن، چهره زندگی را دمبدم دگرگون ساختن، به غناء فرهنگی افزودن، انسان مولد و اندیشمند و با فرهنگ و کارساز و

خودکفا را ساختن و بپاداشتن و مردم او را بازسازی کردن، چنین است ویژگی اساسی و ضرورت امر آموزش ملی، **چنین است خطوط اصلی‌مبانی‌فلسفی آن.**

در سایه‌ی رهنمودهای خردمندانه‌ی فرماندهی و در پرتو دست‌آوردهای اصیل انقلاب، و با تلاش و کوشش همه‌ی ایرانیان میهن‌پرست کشور ما بمراحلی از رشد اقتصادی دست یافته است. چهره‌ی مملکت از درون و از بیرون دگرگون شده است. این دگرگونی در جهت‌یابی و حرکت اندیشه‌ی عنصر ایرانی چنان‌فعال و نافذ بوده که، در شرایط فعلی، برآیند جمعبندی آگاهی‌ملی را بسی فراتر از دوران‌گذشته‌میتوان یافت. بدیگر سخن تردید نیست که امروز مردم در مجموع بسی «سیاسی»تر از دیروزند. ولی می‌توان به همین قناعت کرد؟ انسان ایرانی باید مصمم‌تر، هوشیارتر، آگاه‌تر، و مجهزتر به سلاح دورنگری و واقع‌گرائی **از این پس به «عمل» اجتماعی دست زند، زیرا؛ «عمل» اجتماعی است که امر ساختمان تمدنی بزرگ وملموس را آسان میکند.**

اکنون، هم در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی، و هم بخاطر وجود و توسعه‌ی روابط بالنسبه عادلانه‌ی اجتماعی و هم بخاطر زمینه‌های عینی موجود بمنظور آموزش گسترده و همه جانبه‌ی سیاسی، شرایطی فراهم است که می‌توان‌ایمان همه‌را **«برانگیخت»** و اعتقادات عنصر ایرانی را، ابتدا نوسازی و سپس شکل داد. **رسالت بازسازی اندیشه و تشکل سیاسی ملت ایران برعهده حزب است،** و حزب این رسالت را از ضروری‌ترین وظائف خود میشمارد، که در این میان زدودن افکار ناسالم و رفتارهای مغایر با تقوای شهروندی در فضای رستاخیز، جای مهمی را درسلسله وظائف حزب گرفته است.

روح میهن‌پرستی را تقویت کردن، دفاع از منافع‌میهن را ضروری‌ترین وظیفه شمردن، شناخت آرزوها و امیدهای انسان ایرانی، و نیز، **شناختن ضعف‌ها و** پیش‌داوریها و نوع برخورد او با اندیشه‌ها و افکار متناقض و کوشش بخاطر رفع این کمبودها، وتوجهی ژرف، به هیجانات‌درونی و پرورش احساسات وعواطف انسانی وتقویت روحیه خودشناسی و ایثار و فداکاری و همدردی؛ اینهمه، میتواند خطوط ربطی میان نیرو-های پراکنده‌ی اجتماعی بوجود آورد و امر تحقق‌وحدت ملی را آسان نماید.

٤- هدف آموزش ملی ساختن انسان قالبی نیست

میدانیم تمام انسان‌ها مانند یکدیگر نیستند. هرفرد ایرانی متعلق به محیطی خاص و دلبسته‌ی آرزوهائی خاص است. سرزمین ما، کشور پهناوری است که مردم بگونه‌های رنگارنگ زندگی میکنند، لباس‌های مختلفی میپوشند، ضرب‌المثل‌های ویژه‌ای دارند، آداب و رسوم و سنت‌ها و تمایلات و هنجارها و رفتارهای متفاوتی دارند، اینها از یکطرف، از سوئی، هرکس حرفه و شغل معینی دارد که از طریق‌آن امرار معاش میکند، و بالاخره هرکس واجد ظرفیت ویژه‌ای از استعداد کار است که براساس آن به تلاش و کوشش دست میزند. چه‌میشودکرد؟ انسان چنین است وچنین نیز خواهد بود بنابراین موضوع **آموزش ملی نمی‌تواند امری ایستا، قالبی و دارای الگوئی یکسان برای همه ایرانیان باشد.**

آموزش دهندگان حزب، باید محیط و مردم و پیرامون‌شان را بشناسند و برای نیازهای معنوی و خواستهای مردم ارزش و اعتبار مناسب قائل شوند.

هدف حزب این نیست که آدم‌های ماشینی و یك

زمینه‌های اساسی و خطوط اصلی حرکت بـه خاطر آموزش ملی

۱ـ زندگی سراسر آموزش است

صحنه‌ی زندگی واقعی‌ترین و صادقانه‌ترین کلاس آموزش است حزب امر آموزش ملی را در رابطه بـا زندگی مردم پی‌ریزی میکند، زیرا آموزش ملی امری است واقعی و عینی که از درون زندگی مردم میجوشد و زبانه میکشد، و در عین حال به زندگی باز میگردد و آنرا مطبوع‌تر وپویاتر میسازد. **برقراری رابطه‌ی‌صحیح با مردم، استحکام روزافزون و دمبدم صادقانه‌تر این رابطه، چنین است زمینه‌ی اصلی مسائل آموزش ملی.**

۲ـ پاکسازی فضای رستاخیز

شرط اساسی پیشرفت امرآموزش ملی، پاکسازی محیط اجتماعی است. باید فضای رستاخیز، از همـه‌ی سموم و آفات مادی و فکری پاك شود. **زیرا، آموزش ملی، در رابطه با بهبود روابط اجتماعی و اداری و در رابطه با نقش رستاخیزی مسئولان اداری می‌تواند به نتیجه برسد.** شیوه‌های ملموس و عینی‌ی برخورد باکار و ماموریت‌های اجتماعی و نظام ارزشی کار، موضع‌گیری در مبارزه علیه هرگونه ذهنی‌گرائی‌و مطلق‌گرائی، و مبارزه با تبلیغات دروغین و آمیخته بالاف و گزاف، اینها زمینه‌ی مساعدی را به منظور بسط و گسترش آموزش ملی فراهم میکنند. صداقت داشتن، با مردم بی‌نقاب و رك و راست بودن، مشکلات را با مردم در میان گذاشتن عیب‌ها را نپوشاندن اشتباهـات را صادقانه بیان کردن، زمینه‌های راستین آموزش ملی‌اند.

۳ـ وحدت ملی

غرورملی‌را در رابطه باوحدت‌ملی دمبدم‌برانگیختن،

دست تربیت کند. نظام اجتماعی ایران و بنیان هـای فلسفی اندیشه‌های رهبر خردمند ما نیز معطوف بـه آزادی انسان و رهائی او از هرقید و بند بازدارنده است. بنابراین آدمها نمی‌توانند مانند شخصیت‌هـای صحنه تاتر زندگی کنند و همیشه رفتار حساب شده و عکس‌العمل‌هـای قـابل پیش‌بینی داشته بـاشند. **بر کادرها و گویندگان حزب است‌که در متن زنـدگی، زندگی مردم قرار گیرند.**

ب ـ وسایل کار ـ شیوه‌ها

۱ـ کادرها ـ سپاهیان رزمندهٔ حزب

رستاخیز بیك تعبیر، حرکتی است انقلابی بسوی تعالی اندیشه و خلاقیت و تولید. آموزش ملی‌وسیله‌ای است که زمینه‌های عینی مساعدی را برای تشکل و راه‌پیمائی در این حرکت فراهم میسازد .میدانیم کادر حزب، مسئول انجام یك چنین رسالت عظیمی است. کادرها، در حقیقت سپاهیان پیکارجوی حزب‌اند کـه عملا به یاری توده‌ها میشنابند و آنها را در فراز و نشیب زندگی یاری میدهند. فرماندهی باصراحت اعلام فرموده‌اند که **مهمترین وظیفه‌ی حزب همانا تربیت‌کادر است.** چرا؟ زیرا حزب تنها بوسیله کادرهای آموزشی است که می‌تواند برمردم اثر بگذارد، زیرا، کـادر رابطی است آگاه که با شرایط موجود، بهترین‌امکانات را برای تغییر و تکامل بوجود می‌آورد. حزب بـدون برخورداری از نیروی کادر ـ کادری که آموزش یافته و هردم در جریان زندگی با توده‌ها آبدیده و آزموده شده باشد ـ مطلقا قادر به انجام ماموریت‌های خـود نتواند بود. **کادر براساس فرایافت‌های جدید، ودرك صحیح و منطقی خواستهای مردم، دائما بازسازی می‌ـشود و در جریان بازآموزی حزب نیز قرار می‌گیـرد.** بنابراین کادر هم از مردم می‌آموزد و هم زیرپوشش

آموزش دائمی و پویای حزب قرار گرفته است. کسی که مفتخر به داشتن عنوان کادر آموزش دهنده حزبی میشود، در واقع از بزرگترین و با شکوه‌ترین افتخار برخوردار میگردد زیرا وظیفهٔ او آموزش توده‌ها است بنحوی که **انسانهای تــازه‌ای شوند**، بـا آرمانهای بزرگ، با فضیلت‌های مردمی و کارساز و مولد و با فرهنگ.

بنابراین، کسانیکه در حزب ضرورت آموزش‌ملی را درك نکنند، کسانیکه، به فلسفه و ژرفای سیاست آموزش ملی نزدیك نشوند، کسانیکه اهمیت تربیت کادر را در حزب کوچك بشمارند یا آنرا دست کم بگیرند اینها، متعلق به هرجناح و وابسته بهرگونه طرز تفکر و جهان بینی که باشند، نظرشان اشتباه و در خلاف جهت حرکت رستاخیز است. راست‌هــای افراطی و برخوردار از عالیترین مواهب ملی، و چپ‌های افراطی، هردو گروه ـ که اولی رستاخیز را برای حفظ منافع خود پذیرفته و دومی اساسا ضدرستاخیزی است، هیچکدام کمکی به پیشرفت آرمانهای آموزشی حزب نمیکنند و در نتیجه نیل به هدف‌های مربوط به وحدت ملی را دشوارتر میسازند.

آموزش دهندگان حزبی باید مدام روی زمینه‌هــای اساسی و خطوط اصلی آموزشی حرکت کنند کادرحزب باید هرروز خویشتن را در آئینه روح پالایش یافته‌خود بنگرد و صادقانه برروی نقاط ضعف و نقائص و عیب‌های خویش انگشت بگذارد ـ هردم از خویش انتقاد کند و منتقد کارساز و سازنده محیط و پیرامون خود باشد. کادر باید دمبدم ضریب توان خود را افزایش دهد و در راه تکامـل و تعالی عقلی خویش تـلاش و کوشش نماید. کادر حزب باید بیاموزد که عظمت‌مملکت و بزرگیهای ملی در جمع‌بنـدی عظمت‌های روحـی و

بزرگیهای معنوی فرد فرد میهن نهفته است بنابراین او باید بکوشد تا به همه استعدادهای بالقوه موجود در ابناء خلق شکل رستاخیزی دهد و آنرا زنده و فعال در خدمت میهن در آورد.

کادرها در جریان عمل و ضمن تماس دائم با توده‌های شهری و روستائی به تدریج پی میبرند که مردم چگونه میاندیشند، چه آرزوهائی دارند و در انتظار و بامید چه چیز هستند و چه مسائلی برای‌آنها جالب است. کادرها باید برای همه‌ی اینها پاسخهای قانع‌کننده داشته باشند پاسخهای صحیح و روشن.

دنیای عاطفی و دنیای درونی انسان‌ها بایستی‌مورد بررسی و پژوهش‌های روانشناسان اجتماعی عضو حزب قرار گیرد و به کادرها آموزش داده شود. مبادا تئوریهای مربوط به تعقلی کردن کامل جامعه، کادرها را گمراه کنند و در مسائل آموزشی، عاطفه واحساس انسانی ندیده و یا دست‌کم گرفته شود. در اینجا تشکل دنیای درون و مساله انگیزش عواطف نیک از قبیل ایمان به پیشرفت، صداقت و صمیمیت در کار وانساندوستی مطرح است. کادرها در جریان عمل متوجه میشوند که بهترین و پاکترین عواطف انسانی بالقوه در توده‌های مردم وجود دارد باید این عواطف راپرورش و رشد داد و تربیت کرد و از عواطف مثبت و باردار، بنفع سعادت و خوشبختی و رفاه و پیشرفت استفاده نمود.

فرهنگ غنی و افتخارآمیز میهن ما، ادبیات وآثار کهن ایران منابع سرشاری هستند برای آموزش روح و روان انسان ایرانی. افکار بلند مولانا جلال‌الدین که در قالب قصص و امثال برای توده‌ها بسیار هیجان‌انگیز و جالب است، اندیشه‌های پاك و ایران‌ساز فردوسی بزرگوار و منظومه‌های فکری و پیکارجویانه‌ی

عارف بلند نظر شمس‌الدین محمد حافظ و زمینه‌های خرد و اندیشه‌ی صدها فیلسوف و متفکر این آب و خاك، وبالاخره زمینه‌های فکری و اندیشه‌های کارساز رهبر خردمند ما، اینهمه می‌توانند به کارمایه‌های کادرهای آموزشی کمك و یاری رسانند. حزب به همه‌ی این مسائل ، سازمان می‌دهد و بر جریان و نحوه کار سازمان آموزشی، نظارت پویا و مستمر برقرار می‌سازد.

ستادهای حزبی مهمترین وظیفه‌شان، هماناتربیت و بازآموزی و مراقبت از کادرهای حزب است.

۲ـ خانواده

سالها از انقلاب اجتماعی ایران میگذرد چهره جامعه‌ی ایران طی این سالها، از بیخ و بن دگرگون‌شده و روابط ومناسبات تولید به‌سود کارگران وروستائیان تغییر کرده است. کارگران و دهقانان که نیروهای عمده انقلاب ایران هستند سهم بیشتری از درآمدملی را به دست آورده‌اند، دهقان مالك و کارگر سهامدار کارخانه شده است.

میدانیم، از دیرباز در کشور ما امر تعلیم وتربیت، امری اعیانی و اشرافی بوده است ولی امروز، تحصیل و فراگیری از انحصار مشتی اقلیت بیرون آمده و تمام فرزندان توده و روستائیان و کارگران امکان آنرا یافته‌اند تا استعدادهای خود را به آزمون کشانند و از فرصت‌های مساوی بمنظور نیل به مراحل عالی تحصیل استفاده کنند. اکنون تعلیمات مجانی دراختیار همگان است.

ولی، آموزش ملی از کجا آغاز میگردد؟ مسلم‌است از خانواده. پدران، مادران، خواهران وبرادران بزرگتر، سهم عمده‌ای در امر آموزش ملی و آموزش سیاسی

ایفا میکنند. مراحل آموزش از خانواده آغاز و ازمراحل کودکستان، به مراحل مقدماتی و راهنمائی و آنگاه به مرحله عالی میرسد. رسانه‌های همگانی و روابط سیاسی موجود میان شهروندان، و رادیو و تلویزیون و سینما و تئاتر و مذهب این جمله نقش‌های بسی سازنده در امر شکل‌گیری ملی و سیاسی خانواده و بالنتیجه کودك ایفا می‌کنند. بنابراین‌نقش خانواده در مرحله کنونی تاریخ مملکت ما بسیار بـــا اهمیت و حساس است. خانواده ماموریت و رسالت ویژه‌ای بـــه منظور آموزش فرزندان این مرز و بوم به عهده‌دارد. خانواده گهواره تمدن و کانون آسایش، و پناهگاه امن کودك است. فضای خانواده نمایشی است عینی از برخورد اندیشه‌ها و عواطف و احساسات پاك وانسانی. ایرانیان به خانواده با چشم تقدس مینگرند. حکمت و فلسفه اسلامی، خانواده را منشاء خیر وبرکت‌میشمارد. بنابراین، خانواده یکی از مهمترین پایگاههـــای تربیت انسان است. کانون پرورش کودك در حقیقت جائی به جز خانواده نتواند بود. خانواده به تمام افکار و عواطف و احساسات کودك شکل میدهد و او را برای زنـــدگی اجتماعی آماده میسازد. خانواده جامعه‌ی کوچك کـــودك است کودك در آن می‌بالد و رشد میکند، دنیای درون کودك، معنویت او سیرمنش‌های ابتدائی و کودکانه‌اش این جمله انعکـــاسی است از رفتار و منش اطرافیـــان. **در خانواده است که کودك باید بیاموزد تا شهروندی نیك رفتار با هنجارهای اجتماعی باشد** در خـــانواده است که کودك بـــا اصول اساسی انسان بودن آشنا میشود و فرا میگیرد تا انسان باشد. در خانواده کودك با معیارهای نظام‌های آموزشی آشنا میشود و می‌آموزد تا پندار نیك، گفتار نیك و کردار نیك را به آزمـــون گذارد. آیا ضروری است که باز هم‌در باب اهمیت

خانواده و نقش سازنده‌ی این اصیل‌ترین کانون اجتماعی سخن بگوئیم؟

پس: خانواده یکی از پایگاههای اساسی امر آموزش ملی است که شیوه‌های کاربرد آن بایستی به وسیله کارشناسان و متخصصان حزب رستاخیز ملت ایران به‌بحث‌های ملی‌کشانده شود. وبنحوی دموکراتیك باید خانواده را تحت تاثیر بگیرد و با شناخت عینی شرایط، با خانواده‌ها روابط صمیمانه برقرار نماید.

وظیفه‌ی کادرهای آموزشی، در این مورد بسی حساس و بسی خطیر است. خانواده‌ها بایستی به آموزش ملی، بیندیشند و زمینه‌ها و مسائل‌آنرا مورد بررسی قرار دهند. هرخانواده باید خطوط اصلی حرکت کودك را ترسیم کند و بداند که کودك او سازنده‌ی اصلی تمدن فردا است و نقشی حساس و موثر در حیات اجتماعی کشورش دارد و بر کادرآموزشی است که به همه‌ی این امور شکل رستاخیزی بدهد و به عنوان رابط میان حزب و خانواده به هردو جانب یاری‌رساند .

۳ـ کودکستان و دبستان

کودکستان و دبستان، پس از خانواده دومین‌مکتب اجتماعی‌کودك است، منتها در مقیاسی پیچیده‌تر و وسیع‌تر. شناخت‌های ابتدائی کودك در این مرحله شکل میگیرد. محیط تازه، به او امکان میدهد تا جهان پیرامون و طبیعت و اسرار هستی راتجربه‌کند.مدرسه، جهان‌بینی کودك را پی‌ریزی میکند ذات و جوهر شخصیت او را به‌آزمون میکشاند و اولین درس‌های «سیاست» را باو میدهد و در حقیقت او را «سیاسی» میکند. کودك در مدرسه می‌آموزد تا به «سیاست» نزدیك شود. این مرحله از آموزش ملی انسان‌ها را به خاطر امر مشارکت و نیز شرکت در تولید آماده

میسازد و امکانات خلاق و بالقوه موجود در کودك را بارور و شکوفا مینماید و کودك را برای نیل به‌مراحل عالی آموزش آماده میکند. در این میان‌همکاری خانواده با این مرحله آموزش از طریق انجمن‌های خانه و مدرسه بسی با اهمیت است وحزب وکادرهای آموزشی مساعی خود را به کار میبرند تا با مشارکت فعالانه و ثمربخش همه‌ی اولیاء، فضای تجلی استعدادها، مساعدتر گردد. رفتار کودك، زمینه‌های اخلاقی و خصائص انسانی و میهنی کودك و خطوط اصلی شغل آینده و تخصص و حرفه‌ی او در این مرحله شکل میگیرد و بر کادرهای آموزشی است که انسان‌های فردا را زیر پوشش آموزش ملی بگیرند بنحوی که دنیای نسل‌های بعد فارغ از زشتکاری و بدکاری اجتماعی باشد و نیروهای باز-دارنده جملگی تبدیل به نیروهای محرك به خاطر ترقی و تعالی گردند.

٤- آموزش راهنمائی تا آموزش عالی

در این مرحله از آموزش موجبات فراهم ساختن نیروی انسانی برای کشور فراهم میشود. خصلت‌ها و ویژگی‌های این آموزش در تاثیر پذیری آموزشهای ملی‌وسیاسی نقش‌عمده‌ای‌ایفامیکنند. این‌آموزش‌عمده‌باید مبتنی باشد **اولا برآموزش به خاطر کسب مهارت و تخصص و شرکت فعال در نظام عملی و تولیدی و اقتصادی و ثانیا عاملی باشد برای ساختن‌اندیشه‌ی صحیح و تقویت دیانت کار و وجدان اجتماعی و قبول مسئولیت** بنحوی که آموزش یافتگان خود تبدیل به آموزش دهندگان بعدی شوند و همیشه مظهری باشند از پویائی و خلاقیت و تولید.

٥- آموزش سیاسی

شهروندان ایرانی بایدقادرباشندتادرامر سازماندهی

و مسائل سیاسی کشور شریك و سهیم گردند هر شهروند، باید بطور خودکفا و با برداشتی صحیح از محیط و فضای سیاسی پیرامون خود، در هر مرحله از زندگی و با شناختی عینی، اظهارنظر کند، مشارکت و مداخله داشته باشد و در صورت لزوم اتخاذ تصمیم نماید. شهروندان بایدافکار شاهنشاه‌رادقیقا بشناسند و آنرا درك کنند و کاربردشان را در مسائل روزمره پیدا کنند و در مراحل تصمیم گیری افکار ایشان را چراغ راهنما قرار دهند. این یکی از مهمترین خطوط اساسی آموزش ملی است که کادرهای حزبی به عنوان سپاهیان خط اول جبهه باید نمونه و مظهر آن افکار باشند.

محتوای پیشرو و فرهنك مترقی نظام دوهزار و پانصدساله‌ی میهن ما با همه‌ی فرازو نشیب‌ها و کامیابیها و شکست‌ها و دوران‌های شکوه و عظمت و زمانهای سقوط و انحطاط، اینهمه در زمره محتوای آموزش سیاسی‌اند. مبارزات استقلال‌طلبانه‌ی مردم ما، از نبردهای موضعی و استراتژی‌های ملی بخاطر رهائی از پستی و فرومایگی، در مسائل مربوط به آموزش ملی و سیاسی مردمان این مرز وبوم، به بحث گذارده میشود. چنین‌آموزشی، که‌بمنظور بازشناسی‌وبازسازی هویت ملی صورت میگیرد امری است حیاتی، که باید بوسیله کادرهای حزبی آموزش داده شود و در تمام صحنه‌های زندگی در کارگاهها، درروستاها، درشهرها، در مدارس و در دانشگاهها، بطور علمی و اصولی و با استفاده از روشهای روانشناسی تربیتی و روانشناسی اجتماعی ملت ایران بمورد اجرا در آید.

ماحصل این آموزش بایستی دمبدم و بطور مستمر بوسیله مراکز مسئول حزبی و از طریق تماس دائم با کادرهای آموزشی، مورد ارزیابی و نقد قرار گیرد تا آموزش سیاسی جزء وظائف روزمرهٔ هرفرد ایرانی‌در

آید و به داستان بی‌تفاوتی و تک‌روی و باری بهرجهت خاتمه داده شود، باید بخاطر سپرد که نتایج حاصله از اجرای برنامه‌های آموزشی عمده با معیار کمی و کیفی شرکت و مشارکت فعالانــــه‌ی شهروندان در امــور سیاسی و اجتماعی ارزیابی میگردد. به دیگر سخــن هرچقدر توده‌ها فعالانه‌تر، گسترده‌تر و صادقانه‌تر در امور سیاسی و اجتماعی شرکت کنند، این نشانه‌ی آنست، که حزب و کادرهای آموزشی در امرسازماندهی و نظام‌بخشی به مسائل سیاسی کامیاب‌تر بوده‌اند.

تعالی‌انسان در رابطه‌بافرهنگ‌ـایرانی‌وکار:

۱ـ تکامل تاریخی انسان

با بررسی تاریخ تکامل اجتماعی به آسانی می‌ـتوان دریافت که هرچقدر وضع اقتصادی و اجتماعـی انسان بیشتر بهبود یافته، فرهنگـ او در مجمـوع بارورتر و شکوفاتر و همه‌جانبه‌تر گردیـــده. انسان امروز، در مجموع بسی با فرهنگـ‌تر از انسان عهـد عتیق است.

در نیمه دوم قرن بیستم، دیگر از خونخواریها و مطلق‌گرائیها خبری نیست یا چندان خبری نیست. از شدت امواج هجوم به حرمت انسان بسی کاسته شده است. استعمار، هرچند باشکال مختلف، اینجا وآنجا، پنهان و آشکار مشغول تنیدن تارهائی‌برای شکاراست‌ـ به ضعف کلی گرفتار شده و در بـرابـر هوشیاری و آگاهی ملل مظلوم ناچار از عقب‌نشینی است. تئوری‌ـهای نژادپرستانه و نظریه پردازی برگزیدگان میرود تا برای همیشه در زباله‌دان تاریخ مدفون گردد. دیگر کسی را برکسی، و ملتی را برملتی رجحان نیست مگر به خاطر ویژگیهای شهروندی و فضائل نیك انسانی. تکنیك و علم، عمده در خدمت پیشرفت است و بامر

توسعه و اعتلاء فرهنگ بشری یاری میرساند. صنعت چاپ، رادیو و تلویزیون و سینما در خدمت آموزش‌اند. اقمار مصنوعی کار انتقال فرهنگ را آسان و به همبستگی جهانی کمك میکنند. تکنیك بامر پیشرفت‌و گسترش فرهنگ کمك میکند. و فرهنگ غنی شده در پرتو تکنیك، خود به توسعه‌و گسترش تکنیك یاری میرساند و این دو رشد یابنده‌ی شتاب‌انگیز همچنان راهگشای بشریت بسوی تعالی معنویت است.

در میهن ما، شرایطی فراهم آمده که همگان از انوارحیاتبخش معرفت بگونه‌ای‌و به‌سهمی برخوردارند. شعاع‌آموزش تقریبا همه‌حائزین‌شرایط‌را فراگرفته‌است و تقریبا هر کس میتواند، بیاموزد و استعداد خود را بیازماید. در سایه‌ی منابع ملی و درایت رهبری، فرصتها، تقریبا بیکسان برای همه‌کس فراهم گردیده هنر، ادبیات و همه‌ی زمینه‌های فرهنگی از طریق شبکه‌های رادیو و تلویزیون و بعضا سینما و تئاتر و مراکز علمی و غیرو... میرود تا توده‌ها را فراگیرد و بطور کارساز در خدمت تعالی اندیشه انسان در آید.

چنین است شرایط وامکانات موجود. حزب ازهمه‌ی این شرایط و امکانات بهره‌برداری میکند و نیروهای خود را برای تربیت کادر واستفاده از امکانات بسیج مینماید. برخورداری از امکانات، بسط و گسترش فرهنگ در میان توده‌ها و آشنا کردن همگان به رموز و اسرار زندگی و سیاست.وتربیت انسان بافضیلت‌ها و طبایع انقلابی و نو، چنین است یکی از رسالت‌های تاریخی حزب رستاخیز ملت ایران.

حزب وسائلی برمی‌انگیزد تا غناء فرهنگی دراختیار همگان قرار گیرد و نه فقط توده‌ها رابخاطر مشارکت در امر تولید بسیج می‌نماید، بلکه، نیز، فرهنگ ملی را به خدمت و در اختیار تمامی خلق در می‌آورد وتوده‌

هـــای وسیع را از فرهنگ انقلابی معاصر متلذذ و بهره‌مند می‌سازد.

فرماندهی بـدفعات و در مقتضیات و مناسبتهـای گوناگون فرموده‌اند ملت باید در امور اجتماعی و ملی شریك و سهیم باشد، یعنی از یکطرف در امر ساخت میهن مشارکت کند، و از سوئی، از سهم عادلانه خود در مواهب مادی و فرهنگی برخوردار گردد.

از طریق آموزش به کادرها، امکانات مساعـدی برای تحقق راستین این رهنمود فرماندهی‌فراهم‌می‌آید **زیرا هرچقدر دامنه‌ی سهام در مواهب و نعمات مادی‌و فرهنگی وسیعتر و همه‌جانبه‌تر و مردمی‌تر باشد، موج مشارکت فراگیرتر و همه‌گیرتر میشود و این یکی از جنبه‌های فراگیری یا فراگیرندگی حزب رستاخیز ملت ایران است.**

در یك کلام، باید تمام نظام سازمانی فرهنگ ملی یعنی نظام آموزشی، علوم، هنر و ادبیـات و غیره، جملگی در خدمت ساختن و پرداختن انسان و شکوفائی و تعالی معنوی او بسیج گردد و چنین است مقصدوالای تکامل تاریخی انسان ایرانی در این مقطع تاریخ.

۲ـ فضیلت در کار است

کار اجتماعی و کارآئی انسان ایرانی در رستاخیز باید مـلاك والای همه‌ی فضیلت‌ها باشد. این جمله، تبلوری است از این آیه قرآن «آنکس در نزد پروردگار گرامی‌تر است، که پرهیزکارتر است» **امروز تبلور عینی پرهیزکاری انسان در رابطه‌ای است‌که انسان با کار و کارائی اجتماعی پیدا کرده است.** شرایط عینی جامعه بنحوی است که باید گفت: **هرکس کار مفیدتری برای جامعه انجام میدهد، او گرامی‌تر و پرهیزکارتر است.**

انسان چگونه باین مرحله از تعالی اندیشه عروج میکند؟ بدیهی است با آموزش با ممارست با تمرین با

آگاهی و با معرفت راستین به قوانین طبیعت واجتماع، و نه تنها با معرفت به این قوانین بلکه، هنوز، بـــا شناخت کاربرد این قوانین در راه رهائی انسان و در راه منافع جمعی انسان و بالاخره در راه آزادی انسان از تمام قید و بندهای مزاحم و بازدارنده.

کار، در طو ل‌تاریخ مورد تعبیرهای گوناگون قرار گرفته و دانشمندان و فیلسوفان وحکیمانی بوده‌اند، که بانحاء گوناگون و از مواضع مختلف به‌آن پرداخته‌اند. در ادبیات ما آمده است:

برو کار میکن مگو چیست کار
که سرمایـــه جاودانی است کار

از هفتصد سال قبل مساله کار، بـــا سرمایـــه، پیوندی زیرکانه یافته و بهرحال در مرکز ثقل زندگی جا افتاده است امـــا، کار همیشه بعنوان یك مرارت اجتماعی موجبات بسی از عصیان‌ها و نابسامانیهارانیز فراهم ساخته. چرا؟ زیرا کار، وسیله‌ای بوده است برای استثمار، و بردگان که جزکار سرمایه‌ای نداشته‌انـــد، خود، در رنج و بدبختی روزگار میگذراندند، در حالیکه میدیدند فرمانروایان و استثمارگران از ما حصل رنج آنان در عیش و لذت و عزت‌اند. فرمانده بزرگ ما از دیرباز براین امر بزرگ اجتماعی، وقوف داشته و حرمت کار را به صاحبان اصلی آن یعنی کارگران و دهقانان باز گردانده‌اند، دیگر چهره کار آنقدرها کدر و ملال‌آور نیست ولی هنوز در جامعه‌ی ما کار به‌عنوان یك زحمت و یك مرارت و عقوبت اجتماعی تلقی می‌گردد. بعضی‌ها سعی میکنند از کار بمعنای وسیع‌کلمه بگریزند وکار «بهتر» و«نان‌وآب‌دارتر»و «کم‌زحمت‌تر»ی بدست آورند. واقعیت، چنین است. ولی چرا همـــه کس نباید کار کم زحمت‌تر و عاری از مرارت داشته باشد؟!

فرمانده بزرگ به این امر اساسی نیز توجـــه

داشته و تکنیك و علوم و دانش را به خدمت گرفته و نیروهای نهفته در دل طبیعت یعنی نفت و گاز وذغال سنگ و اتم و غیرو غیرو را در راه خود کار کردن وسائل تولید و در نتیجه طولانی کردن ایام فراغت کارگران مورد توجه قرار داده‌اند ولی اینهمه چگونه بدست می‌آید؟

با کار اجتماعی، با اعتقاد به آینده و با تلاش و کوشش همگانی.

از این بحث نتیجه میگیریم که فرهنگی دیگر و فرهنگ نوئی لازم است تا بتواند به ضریب توانائی‌های فردی بخاطر نیل به چنان هدف‌های شورانگیز و والائی بیفزاید و حرمت کار را افزون سازد. ما درآینده از حرمت کار به تفصیل سخن خواهیم گفت ولی در اینجا ضروری است بگوئیم که **فرهنگ تازه باید در رابطه با معیارهای کار اجتماعی شکل بگیرد** و برپایه میراث غنی فرهنگ کهن ایرانی، مولد و کارسازباشد. باین ترتیب در پرتو کار خلاق و با استفاده از علوم و تکنیك میتوان به فراغت بیشتری دست یافت و با فراغت بدست آمده میتوان برغناء فرهنگی و تعالی اندیشه افزود و راه را برای اعتلاء معنویت‌هموارساخت. **مبادا فراموش کنیم که میتوان بدون دست‌یابی به عالیترین دست‌آوردهای فنی و علمی نیازهای فرهنگی را تامین نمود** و به جوانان امروز آموخت‌که دنیای فردا دنیای پیشرفته‌تر علوم و دانش‌هاست. هرفرد بایدقادر باشد که با مهارت و تخصص ویژه ولی در عالیترین سطح در امر ساختمان میهن فعالانه شرکت داشته باشد. **بنابراین باید دائماً و بدون یك لحظه فوت وقت از آموختن و باز آموختن باز نایستد وخود را وقف ترقی نماید.**

شعار «زگهواره تا گور دانش بجوی» باید شعار

کادرهای حزب باشد. زیرا راه دیگری وجود نداردزیرا تنها ازاین طریق‌است‌که انسان ایرانی هردم متعالی‌تر و آگاه‌تر میشود انسان ایرانی، از طریق آموزش‌حزبی، باید بداند که در طول تاریخ، هیچگاه میهنش باینهمه کار مشارکت جویانه و همگانی نیاز نداشته. امروز ۳۲ میلیون و فردا ۵۰ میلیون انسان هموطن، جملگی می‌باید در یك نظام هماهنگ و موزون و در کنسرت عظیم کار به خاطر ترقی و تمدن برتر بسیج شوند تن‌پروری، بیکاری، بی‌اعتقادی به حرکت اجتماع، این همه عواقب تباه کننده‌ای در بردارند که کمترین‌جزای معنوی آن نفرین نسل‌های آینده است.

حزب چنین کارهای عظیمی را سازمان میدهد وکادر حزب را با چنین فرهنگی آشنا میسازد.

ساخت جهان‌نگری:

۱ـ قوانین طبیعت و جامعه

طبیعت و جامعه قوانینی دارد عینی و ملموس که باید بهرحال آنرا شناخت بنابراین آگاهی به قانون‌مندی طبیعت اشیاء و روندهای اجتماعی یکی از ویژگیهای انسان معاصر است. زیرا اگر انسان قوانین طبیعت راعمده و قوانین جامعه را خصوصا نشناسد بی‌تردید نمیتواند بی‌سرگشتگی و بدون مرارت زندگی کند. هرچندکه در بعضی ازنظام‌های ارزشی آنان‌که نادان‌ترند رنج کمتری را متحمل میشوند و یا شاید مرفه‌تر و آسوده‌تر و فارغ‌البال‌تر زندگی کنند ـ ولی در مجموع و برای همیشه نمی‌تواند چنین باشد.

بی‌گمان یکی از اشکال عمده‌ی فعالیت انسان همانا شناخت قوانین طبیعت و جامعه است. انسان پژوهشگر در تمام طول تاریخ در مقابل اسرار طبیعت سئوال‌ـ کننده بوده و هردم خواسته است تا به کنه و درون‌آن

راه جوید. واقعیت جهان خارج مملو از رازهای بیشمار است و نیز دنیای اندیشه و روان انسان که خود به تنهائی جهانی است پراز شگفتی. از برخورد این دو جهان، یعنی جهان اندیشه‌ی دور پرداز، با واقعیت عمیق و بی‌پایان، جرقه‌های حقیقت و شناخت بیرون میجهد. انسان، می‌باید درست بیندیشد، و از این طریق جهان پیرامون خویش را بشناسد و به قوانین روندهای حرکت جامعه و طبیعت وقوف یابد، جامعه وطبیعتی که در پویش جاودانی خود راه بسوی تعالی و تکامل دارند.

کوته‌نظرانی که جامعه را آنقدر گسسته و آنقدر تنگ و جهان را آنقدر حقیر و پیچیده تصور میکنند، که بالاخره روزی به ویرانی خواهد رسید، آنها خود گرفتار چنبر نوعی بی‌اعتقادی و بی‌ایمانی به تکامل و پیشرفتند. بشر به آسمانها بال گشوده کرات را یکی پس از دیگری فتح میکند و دیر یا زود به ژرفای اقیانوس‌ها و به ژرفای کرهٔ خاکی دست خواهد یافت و با غناء روز افزون و هردم گونه‌گون تفکر و درایت خویش، زندگی بهتر و بارورتر و مساعدتری خواهد ساخت.

۲- جهان بینی علمی و درست اندیشی

جهان بینی علمی یعنی شناخت قوانین روند هستی و قوانین روندهای اجتماعی و نیز شناخت شیوه‌ها و اسلوب‌های درك واقعیت،که اینهمه ناگزیر بایدبه آزادی انسان و به صلح و عدالت و برادری بیانجامد.

در هر اجتماع، ابتدا متفکران و خردمندانی یافت میشوندکه بموجب‌شرایط زندگی وویژگیهای فرهنگی‌شان پیشگام و پیشروند و قوانین جامعه‌و مسیر حرکت آنرا زودتر از دیگران تشخیص میدهند. فرمانده نامدار

ما یکی از بارزترین چهره‌های اینگونه مردان تاریخی‌اند که ظرف ۴۰ سال تجربه بارور در تفکر و عمل و گذار از کوره‌های حوادث به گنجینه‌ای عظیم از جهان‌بینی و شناخت علمی دست یافته‌اند.

رهبر ما، قبل از هرکس و بدرستی مبانی حرکت و ویژگیهای جامعه‌ی خود را شناسائی کرده و راههای اصلی و خطوط مشی نیل به جامعه‌ی برتر را مشخص و مرحله بمرحله ملت را در مسیر این راه‌پیمائی‌تاریخی رهبری کرده‌اند.

بنابراین با الهام از افکار سازنده‌ی ایشان، و با مطالعه‌ی دقیق آثار گرانبهایشان می‌توان به عالیترین سطح شناخت مسائل ملی و اجتماعی دست یافت و به مفاهیم جهان‌بینی و شناخت مسائل سیاسی شکل ملی داد.

خردمندان، آگاهان و صاحبان عقیده نیز هریک بنوبه خود می‌باید در یك تلاش صمیمانه و همگانی به خاطر کشف قوانین عینی حرکت روزمره جامعه‌ی ایران و یافتن بهترین و کوتاه‌ترین راههای تاکتیکی مشارکت نمایند. کافی نیست که اندیشه و خرد و سلاح درست‌اندیشی و جهان‌بینی علمی در انحصار رهبر، و یا در دست گروهی از برگزیدگان جامعه باشد. قوانین اساسی انقلاب شاه و ملت بعنوان یکی از مهم‌ترین روندهای جامعه‌ی امروز ایران باید برای همگان روشن باشد و مشخصات ملموس و عینی هدف‌های آینده نیز معلوم گردد: حزب باید جهان‌بینی‌علمی را بوسیله کادرها و از طریق وسائل دیگری که قبلا ذکرشان بمیان آمد، به توده‌ها بیاموزد بنحوی‌که هرعنصر ایرانی در هرمقام و موقع اجتماعی، واجد تفکر راستین و جهان‌بینی‌علمی باشد.

در زمینه‌ی علوم و تجربیات علمی شناخت، کشف

قوانین طبیعت آسان شده است، بنابراین با استفاده از علوم، انسان ایرانی باید براساس شناخت علمی از هرنوع ذهن‌گرائی، اوهام و تخیلات و دخالت دادن عواطف درونی در حل مشکلات و کشف قوانین اجتماعی بپرهیزد و، با توجه به عواطف نیك انسانی از قبیل روح همبستگی، همدردی و عدالتخواهی و حق‌طلبی، به سازمانها و شیوه‌های عمل اجتماعی و کاربرد قوانین اساسی در حل معضلات، از خرد و اندیشه عقلائی‌یاری بگیرد. در یك کلام بجای تاکید برروابط عاطفی عمده به ضابطه‌های عینی و اجتماعی تکیه کند و دنیا را آنچنان که هست نه آنچنانکه آرزو دارد، ببیند.

جهان‌بینی علمی همچنین بما می‌آموزد تا دنیای واقعی را بشناسیم، ضرورت‌ها و امکانات را تشخیص دهیم، از گزافگوئی و فزون‌طلبی و آسان‌گیری بپرهیزیم دمبدم موضع و موقع خودمان را ارزیابی کنیم وبیاموزیم که پیکارجوی راستین راه تمدن و پیشرفت باشیم.

نظام سیاسی و اجتماعی ایران و مبانی اصلی و اساسی آن واقعیتی است مترقی و قابل شناخت. حزب، جهان‌بینی عنصر ایرانی را بنحوی شکل میدهد که این واقعیت‌را بشناسد و آنرا در ذهن پژوهشگر خود هردم بازسازی کند. بنابراین آموزش فلسفه انقلاب ایران و قبل از آن تدوین رساله‌ای که نمایانگر محتوا ـ اصول ویژگیها و مبانی این انقلاب است درمقابل حزب‌قرار دارد و **حزب میداند که فهم و درك عمیق فرایافت‌انقلاب برای توده‌ها، قدم اول، بخاطر شناخت و جهان‌بینی علمی است.**

عنصر ایرانی‌باید در پرتو شناخت عینی و مجهز به سلاح خرد و اندیشه‌ی کارساز، هرلحظه قادر باشدتا در جریان عمل و کار اجتماعی تصمیم بگیرد. حزب براساس شناخت عینی مسائل اساسی مملکت و طرق

برخورد و مواجه با آنها و بااستفاده از غناء فرهنگی مملکت به مثابه‌ی نیروهای برانگیزنده، قوانین مربوط به طرز تفکر صحیح و درست اندیشیدن را جمع‌بندی و با تشکیل کلاس‌های آموزشی بتدریج تفکر علمی را همگانی مینماید. بدیهی است این وظیفه‌ای است افتخارآمیز ولی سخت و طولانی و پیچیده.

۳ـ کار، در رابطه با جهان‌بینی علمی

گفتیم، که شناخت علمی، انسان را قادر میسازدتا مجهز بسلاحی نیرومند، با سرکشی‌های طبیعت بستیزد، و از قوانین طبیعت و جامعه به سود رفاه و خوشبختی انسان استفاده کند. کافی نیست انسان به نحوی‌علمی قوانین را ارزیابی کند و اشیاء را بشناسد و آنگاه سرخوش و سرمست بکنجی بنشیند و مقام عرفانی خود را به جهانیان اعلام نماید و دل خوش‌کند که همه‌چیز را میداند و به رموز و اسرار دست یافته است.

مراد از جهان‌بینی علمی چیست؟ و مقصد آموزش ملی بخاطر توسعه‌ی تفکر علمی چه تواند بود؟

هدف ، همانا تغییر طبیعت و کوشش بخاطرتداوم انقلاب و استمرار پیشرفت و رفاه است.

ولی انسان پژوهشگر چگونه به مراحل عینی خرد و اندیشه دست می‌یابد؟ و چگونه با انسانهای دیگر رابطه برقرار میکند؟ مسلم است که با «عمل» یعنی بـا کار.

آیا میتوان بدون انجام کار به قوانین فشار دست یافت و فی‌المثل نفت را از ژرفای زمین بیرون کشید آیا میتوان بی‌انجام «عمل» میوه را از شاخه چید؟ آیا می‌توان با معجزه و کرامت جریان رودخانه را ناگزیر از توقف کرد و آنرا در محوطه‌ای متراکم ساخت؟ آیا می‌توان فقط آرزومند تحقق تمدن بزرگ بود؟ مسلما

نه. بپا داشتن شهرهای جدید، ساختن راه‌ها و پل‌ها و خطوط ارتباطی، ساختن سدها و استقرار نیروگام‌های عظیم و ساختن بیمارستانها، دانشگاهها، مجتمع‌های بزرگ صنعتی و هزاران دست‌آورد انسانی، از این دست اینها پایه‌های اساسی تمدن بزرگ ما را تشکیل میدهند و اینهمه با کار وبا کار مشترك همه‌ی پویندگان مسئول راه پیشرفت میسر تواند بود و به سامان خواهد رسید.

آموزش ملی به غناء فرهنگی و توان اندیشه میافزاید و دامنه‌ی شناخت و جهان‌بینی علمی راوسعت میدهد اما غناء فرهنگ و جهان‌بینی علمی بخاطر چه مقصدی؟ معلوم است بخاطر تغییر و به مقصد پیشرفت. ولی تغییر و پیشرفت تحقق نمی‌یابد مگر با کار، و، اما نفس کار امری نیست فارغ از جهان‌بینی و فرهنگ، بنابراین امر آموزش ملی بایستی همیشه در رابطه با کار اجتماعی مورد توجه مسئولان و کادرهای آموزش ملی، قرار گیرد بدیگر سخن هرکس کار میکند باید بیاموزد و هرکس میاموزد، ضمنا بایستی کار هم بکند. و تنها در پرتو برقراری چنین رابطه‌ای ملموس است که میتوان امر تحقق تمدن برتر را سامان داد.

کارگر در کارگاه، روستائی در مزرعه، شاگرد در مدرسه، استاد در دانشگاه، اداری در اداره هرانسان ایرانی حائز شرایط کار، در هرکجا باید اولا کار کند یعنی‌به عمل دست زند، ثانیا دمبدم بیاموزد و بازآموزی شود و حزب رستاخیز ملت ایران چنین امر حیاتی و با شکوهی را سازمان میدهد.

صحنه اجتماع گفتیم عالیترین و ممتازترین مکتب سیاسی است. در اینصورت باید بپذیریم که در جریان کار و عمل اجتماعی است که امر سیاسی کردن مردم شکل میگیرد. اگر کاراجتماع وجود نمیداشت، سیاست

نیز مفقود بود و در نتیجه آموزش سیاسی مصداق نمی‌یافت. انسانها در رابطه‌ی تولیدی‌شان با یکدیگر رابطه میگیرند و مناسبات معین منجمله مناسبات اجتماعی و سیاسی برقرار میکنند و حال که کار پایه و اساس هرگونه رابطه‌ی اجتماعی و سیاسی و یا تقریبا هرگونه رابطه‌ی اجتماعی و سیاسی است پس کار باید دررابطه‌ای پویا و مستمر با امرآموزش‌ملی‌باشد **و برصاحبنظران و خبرگان رستاخیز است که در این زمینه مطالعه کنند و نظر بدهند.**

در مسائل آموزش ملی و آموزش سیاسی بدلائل بسیار نمیتوان یك لحظه از مساله کار غافل ماند وحزب اعتبار و ارزش کار را مجددا ارزیابی و نظام ارزشی آنرا مشخص و معلوم میدارد. به نظام ارزشی کارتکیه میکنیم و میگوئیم که بایستی میان ارزش واقعی کار و سهم آن در تحقق هدف‌های اجتماعی از یکسو، و از سوی دیگر پاداش و بهره‌ای که باین کار تعلق میگیرد تناسب عادلانه و معقول و منطقی برقرار گردد. **زیرا آموزش انسان بخاطر اینکه شهروندی مسئول و متعالی باشد ملازمه دارد باینکه این شهروند سهم عادلانه خود را از اجتماع دریافت دارد به دیگر سخن شهروند متعالی را باید در مدینه عادل پرورش داد** و چون صحنه‌ی جامعه اصیل‌ترین و واقعی‌ترین مکتب آموزش است باید به عدالت اجتماع و ضوابط آن‌توجه خاصی مبذول داشت.

اخلاق رستاخیزی و آموزش آن :

۱ـ ساخت و تکوین

در بادی‌امر بایستی ژرفای و جوهر و ذات اخلاق رستاخیزی را بشناسیم و ضرورت‌ها و الزامات واصول اساسی چنین اخلاقی را بازشناسی کنیم و بویژه به

مسائل عملی و به‌شیوه های ساختن و پرداختن آدمهائی متصف به مبانی اخلاق رستاخیزی اشاره نمائیم.

مردم ما بعلل تاریخی، بعضا، پای در سنت‌ها و آدابی دارند که چندان محرك برای پیشرفت نیست، پیش‌داوریها، خرافات، تعصبات و جمود فکری از زمره صفات مذمومی‌اند که از قرون و اعصار تاریك بیادگار مانده‌اند. ضرورت دارد که باین جنبه‌های ملی اخلاق ایرانی با تاکید بیشتری توجه کنیم. آموزش اخلاق یعنی زدودن صفات ناسالم و جایگزین ساختن خصلت‌های نو مترقی به جای آن.

تقویت روحیه‌ی انقلابی و پژوهشگر، علاقمندکردن فرد به نظام‌های مترقی میهن، تعالی و تکامل روحیه‌ی شهروندی، پیکار علیه قانون‌شکنی اینها از جمله زمینه‌های اصلی و خطوط اساسی اخلاق عنصر رستاخیزی است. در سایه پرورش اخلاقی، عنصر رستاخیز، شهروندی خواهد شد، متعلق به پیشروترین نسل‌های تاریخی ایران، فردی خواهد بودانساندوست که همگام با بشریت مترقی و با همدردی با تمام انسانهای کره خاك، همیشه از اصول شرافت پیروی میکند و آنرا گرامی میدارد و عالیترین و نجیبانه‌ترین خصایل بهترین نیاکان این مرز وبوم چراغ راهنمای صفات اخلاقی اوست.

میدانیم، اصول اخلاق و معنویت چیزهائی نیست که طی یکی دو نسل به ملتی آموخته شود. اصول معنویت و اخلاق میرائی است بسیار کهن که از نسل‌های قدیم به عنصر ایرانی منتقل و باخون و تبار او در آمیخته است و آن اصول در تاریخ، در ادب، در هنر و حتی در قصص و روایات و ضرب‌المثل‌ها و متل‌های مردم این مرز و بوم تبلور یافته است.

بنی آدم اعضاء یکدیگرند
که در آفرینش زیك گوهرند

دور فلکی یکسره برمنهج عدل است
خوش‌باش که ظالم نبرد راه بمنزل

در بیت اول اصل همبستگی ملل و در بیت دوم اصل مبارزه با ستمگری متجلی‌اند و هزاران شعر و مثل در باب برداشت‌های اخلاقی در ادبیات ما موج میزنند و هریک نمایانگر چهره‌ای از اخلاق عنصر ایرانی‌اند.

اصول اخلاقی مربوط به ایثار و فداکاری، برادری، میهن‌پرستی، و غیروغیرو در گنجینه‌های ادب ما به بهترین شکل بازگو شده است.

اصول اخلاقی مربوط به پشتیبانی از قانون و نظم، گرامی داشتن سلامت و زندگی دیگران، و مبارزه با کسانیکه زندگی و امنیت دیگران را به خطر میاندازند، احترام به بزرگترها، احترام به زنان، دوست داشتن کودکان، کمك به‌ناتوانان وبیماران و افتادگان وحتی رقت به حیوانات «مسکین خر اگر چه بی‌تمیز است ـ چون بار همی برد عزیزاست» وصدها اصل اخلاقی‌ازاین دست در فرهنگ غنی ایرانی آمده‌است و بدیهی است که بدون رعایت اصول اخلاقی جامعه موجودیت خود را از دست میدهد و تبدیل به گله‌ای از حیوانات درنده میشود.

عشق به کار، شور و شوق به تحقیقات و خلاقیت، همبستگی برادرانه، حس مسئولیت اجتماعی، اراده نیرومند، علاقمندی به سرنوشت دیگران، منافع جمع‌را مقدم برمنافع خود داشتن چنین‌است زمینه‌های اساسی اخلاق شهروند ایرانی در رابطه با جامعه.

۲ـ اخلاق رستاخیزی

پیشرفت ناگهانی و بعضا ناهماهنگ ملی اخیر بعضی از اصول اخلاق ایرانی را که از یادگارهای نیك

گذشتگان است متزلزل ساخته و معیارهای اصیل اخلاقی را بهم ریخته است.

یکی از مهمترین وظائف کادرهای حزب بازسازی اخلاق عنصر ایرانی است که امروز، بویژه در شهرها تحت تاثیر فرهنگهای دیگر قرار گرفته و بعضی آنرا بنام غرب‌زدگی خوانده‌اند.

پس اساس اخلاق عنصر ایرانی امروز بایستی در مسیر وحدت ملی شکل بگیرد و ساخت و بافت آن با هدفهای وحدت ملی هماهنگ گردد بنابراین هرعمل و رفتار اجتماعی که در خلاف جهت وحدت ملی باشد یك عمل و یك‌رفتار ضد اخلاقی به‌شمار میرود و به عکس آن رفتار و آن عمل اجتماعی نیك و پسندیده و منطبق به اخلاق رستاخیزی است که راه به سوی وحدت ملی داشته باشد و از تفرقه‌ی نیروهای ملی جلوگیری کند.

مثال: کارکردن، خلق کردن، مسئول بودن، اخلاص داشتن، اجتماعی اندیشیدن و اجتماعی عمل کردن، آگاه بودن، نظم و قانون را گرامی داشتن در سلامت جامعه و محیط زیست کوشیدن، اینهمه چون راه به اتحاد نیروهای ملی دارند اخلاقی و منطبق با رفتار رستاخیزی‌اند.

و به عکس: کار نکردن، تماشاچی بودن، حس مسئولیت نداشتن، ریاکار بودن، انفرادی اندیشیدن و روحیه انفرادی داشتن، جاهل ماندن، قانون شکن بودن و نظم را رعایت نکردن سلامت جامعه و محیط زیست را به خطر انداختن، اینهمه چون به تفرقه‌ی نیروهای ملی می‌انجامد غیراخلاقی و ضد رستاخیزی است.

دیانت کار، وسواس و دلواپسی بخاطر حفظ وغناء خوشبختی عمومی برخورداری از وجدان متعالی در زمینه‌ی تکالیف اجتماعی، خصومت و آشتی‌ناپذیری با هرعمل قهرآمیز ضد میهنی، همکاری و تعاون مشترك

و متقابل، پاکدامنی، صداقت، صفای دل، سادگی، فروتنی در زندگی خصوصی و خانوادگی و اجتماعی، نگران تربیت فرزندان خانواده بودن، خانواده را گرم وگرامی داشتن، مبارز بی‌امان با کج‌اندیشی و کج‌روی و نادرستی بودن، و طفیلی‌گری و بی‌اعتقادی و بی‌تفاوتی و جاه‌طلبی و طمع و فزون‌خواهی را خوارشمردن و دشمن سرسخت هرعنصر ضد ایرانی و ضد ملی شدن، چنین است بعضی از اصول اخلاق انسان رستاخیزی.

اعتقادراسخ بتحقق‌هدفهای‌ملی ورستاخیزی‌داشتن، تقویت روح میهن‌پرستی و شاهدوستی را اولین‌وظیفه دانستن، دفاع از منافع میهن را تا ایثار جان اصلی‌ترین وظیفه شمردن، در مقابل حفظ اموال جامعه مسئول بودن، شاهنشاه را مظهر همه‌ی بزرگیهای میهن‌دانستن چنین است اصول دیگری از اخلاق رستاخیزی.

۳ـ اخلاق رستاخیزی در رابطه با میهن و شاه

میدانیم که مفهوم میهن‌پرستی و به ویژه مفهوم شاهدوستی در قرون و اعصار متفاوت بوده و با تحول و پیشرفت جامعه صور و اشکال گوناگونی یافته است. این دو مفهوم در نزد قوم ایرانی همیشه منطبق بوده است با جریان‌ها و ضرورت‌های تاریخی و روندهای تکامل آن. در طول تاریخ، پاکترین و بی‌آلایش‌ترین میهن‌پرستان، که گهگاه ملعبه‌ی نیرومندان نیز قرار گرفته‌اند ـ همانا مردم عادی و توده‌ها بوده‌اند. درطول تاریخ بدفعات پیش آمده که گروههای مرفه و حاکم، به احساسات پاك مردم خیانت کرده و میهن را به‌بهای نجات زندگی خود فروخته‌اند.

مبارزه با متجاوزان و اشغالگران، قیام‌های ملی و ضد بیگانه و بالاخره حفظ سرزمینی که امروز، بنام

ایران در پهنه‌ی گیتی عرض وجود میکند اینهمه را فرزندان ملت ما رهبری کرده بنحوی که اکنون میهن ما میرود تا از گذشته‌های تاریك به روشنائیهای آینده دست یابد.

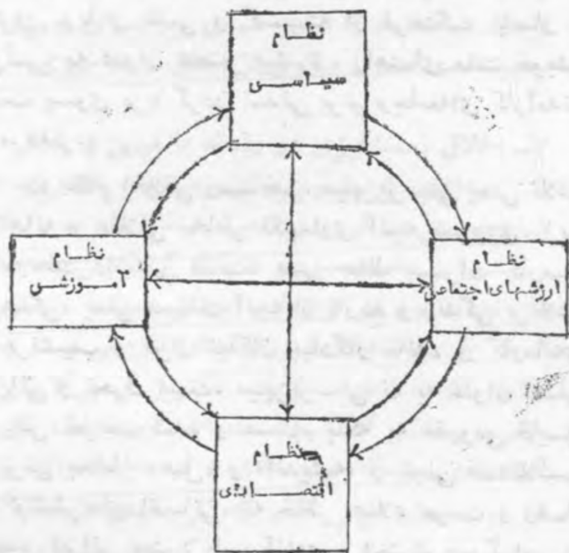
با اینهمه مفاهیمی از قبیل میهن‌پرستی و شاه‌دوستی و حس تعاون و برادری و غیرو.... مفاهیمی ایستا و یك جانبه نیستند که همیشه در برهوت وخلاء اندیشه فرمانروائی گروهی را بر انبوه مردم سازمان دهند این مفاهیم در حزب، نوسازی و بازسازی میشوند و به صورت اخلاق رستاخیزی در می‌آیند، اخلاق رستاخیزی، اخلاقی است مبتنی برآگاهی و شناخت عینی جامعه، و عنصر رستاخیزی ـ طی سالها آموزش مستمر و پویا، نه در تباهی اندیشه، بلکه در یك نظام فکری پویا و علمی و گسسته از فرهنگ ناساز و بی‌ثمر، به عنوان عنصر پیشرو، راهنمای ملت خویش است بسوی برپا کردن تمدنی برتر وجامعه‌ای کارآمدتر و مرفه‌تر.

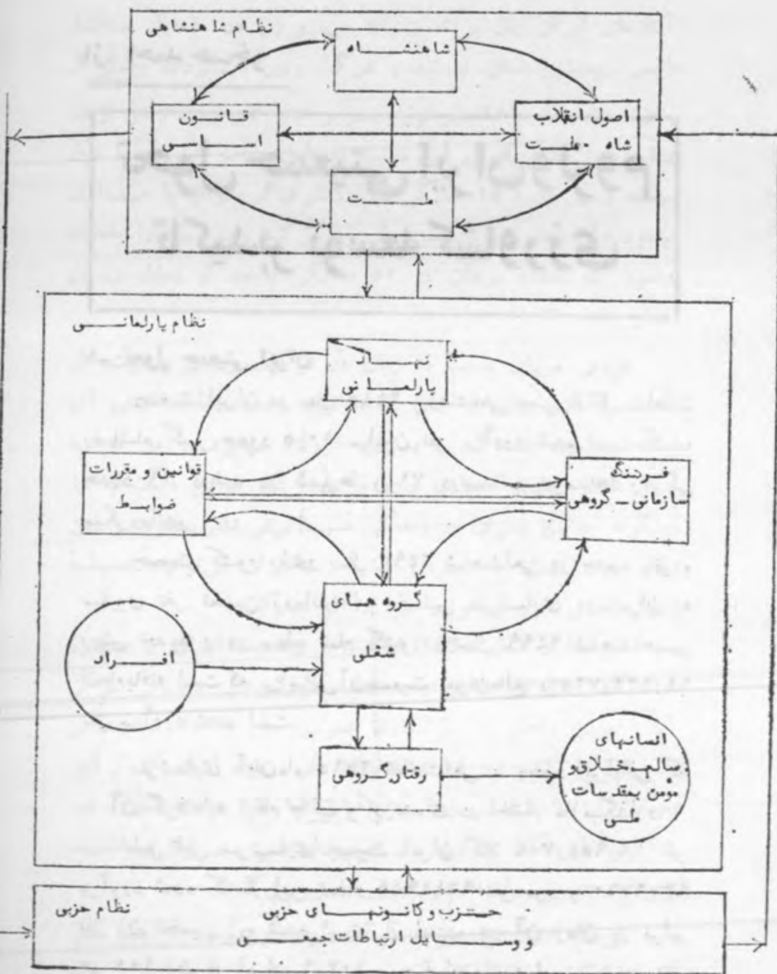
در نظام اخلاقی رستاخیز، میهن‌پرستی یعنی تلاش آگاهانه و عقلائی بخاطر نگهداری آنچه ضروری، زیبا و دوست داشتنی است، یعنی حفظ میراث کارساز فرهنگی، یعنی صیانت آنچه از تاریخ و زندگی پرتلاش و پرنشیب و فراز نیاکان بیادگار مانده و کارمایه‌ی پویائی و تحرك است. میهن‌پرستی نه به عنوان اصلی ازپیش تعریف شده و مسلم، بلکه به مفهومی قابل پذیرش بخاطر «عمل» و «اندیشه» و تجلی همه‌تلاشها و کوشش‌های انسانی، به خاطر اعتلاء حرمت و رفاه عنصر ایرانی یعنی: پاس آزادی و احترام دموکراسی‌را نگاهداشتن، و به‌عدالت و صلح و برادری ارج نهادن و در پهنه‌ی سیاست جهان هوادار راستین نیروهای اهورمزدائی و خصم بی‌امان قدرت های اهریمنی شدن.

اینها که برشمردیم از ویژگیهای اخلاق میهن‌پرستانه رستاخیزی‌اند و کادر حزب و پایگاههای دیگر آموزشی ماموریت دارند تا با «عمل» و در «عمل» نمونه‌های خوب چنین آموزشیِ باشند، و با ارائه نمونه‌های واقعی، زمینه را برای پذیرش چنین اخلاقی بزرگوارانه و شریف آماده نمایند.

کادرها، در پرتو «اندیشه»ی کارساز و با «عمل» خلاق خود راهنمای راستین اخلاق رستاخیزی‌اند وآنها هستند که باید حقانیت و مشروعیت چنین اخلاقی را به ثبوت رسانند.

چنین است رسالت آموزش ملی، در زمینه‌ی اخلاقی نو، به خاطر زیستن در فردای نو.





نظام شاهنشاهی
شاهنشاه
قانون اساسی
اصول انقلاب شاه ـ ملت
ملت
نظام پارلمانی
نهاد پارلمانی
قوانین و مقررات ضوابط
فرهنگ سازمانی ـ گروهی
گروه‌های شغلی
افراد
رفتار گروهی
انسانهای صالح ـ خلاق و مومن بمقدسات ملی
نظام حزبی
حزب و کانونهای حزبی و وسایل ارتباطات جمعی

از: احمد حب‌خو

تحول جمعیتی ایران ولزوم تاکیدبر توسعه کشاورزی

۱ـ تحول جمعیتی ایران

جمعیت ایران در سال ۲۴۸۵ شاهنشاهی یعنی اوائل سلطنت رضاشاه کبیر حدود ۱۰٫۵ میلیون نفر برآورد شده است که حدود ۲۹ درصد در شهرها و ۷۱ درصد در روستاها زندگی میکرده‌اند.

جمعیت کشور را در سال ۲۴۹۳ شاهنشاهی در حدود پانزده میلیون نفر تخمین زده‌اند(۱). نخستین سرشماری در ایران به روش جدید و در سطح تمام کشور درسال ۲۴۹۹ شاهنشاهی انجام‌یافته است که براساس آن‌جمعیت ایران‌بالغ بر۱۱٫۱۲۲٫۷۶۵ نفر برآورد شده است.

سرشماری آبان‌ماه ۲۵۱۵ شاهنشاهی با وجود ایراداتی که به آن گرفته‌اند ارقام جالب و ارزنده‌ای در اختیار ما میگذارد.

طبق این سرشماری جمعیت ایران کلا ۱۸٫۹۵۴٫۷۰۴ نفر برآورد شده که از این تعداد ۹۶۴۴۹۴۴ نفر مرد و ۹۳۰۶۷۶۰ نفر زن تخمین زده شده است. از این‌رو در آن زمان در برابر هر ۱۰۰ زن در ایران ۱۰۳٫۶ مرد قرار داشته است. با در نظر گرفتن اطلاعات آماری از قرن ۱۷ به‌بعد که در جوامع مختلف

۱ـ جمشید بهنام. نظری به جمعیت ایران، انتشارات اداره کل ثبت احوال ـ تهران ۲۵۱۹.

در مقابل هر ١٠٦ پسر ١٠٠ دختر بدنیا می‌آید و با توجه به‌این که نسبت جنسی $\frac{106}{100}$(Sex Ratio) تقریبا ثـابت است، آمارهای ایران دال برآنست که مرد و زن در مقـابل مسائـل طبیعی زیست یکسان نیستند و مرگ ومیر در مردان بیشتر از زنان است. اگر ١٠٦ نفر نوزاد پسر و ١٠۶ نفر نوزاد دختر ازیك نسل را در نظر بگیریم این نسبت در طول حیات این نسلها فرق میکند و در حدود ١٥ سالگی تعداددختران و پسران با هم‌مساری میشود ولی بعد از این سن، ازدیاد مرگ ومیر مردان باعـث میشود که تعداد مردان در ٥٠ سالگی به‌بعد از تعداد زنـان کمتر باشد (٢).

فزونی مردان نسبت به زنان در ترکیب جنسی جمعیت، از خصائص کشورهای در حال رشد است وشاید علت اصلی آن توجه بیشتری باشدکه به پسران خانواده میشود و این توجـه بدون شك ریشه اقتصادی دارد و علت آن هم‌این است‌که در اینگونه جوامع پسران در زندگی ثمربخش‌تر تلقی‌میشوند و این نظر جاری است که پسران بهتر از دختران می‌توانند وسیلهٔ تامین معاش خود وخانواده خود را فراهم کنند.

سرشماری سال ٢٥٢٥ شاهنشاهی جمعیت ایران را حـدود ٢٥،١٨١،٠٠٠ نفر نشان داد. طبق گزارش‌های مقدماتی مرکز آمار ایران راجع به سرشماری عمومی سال ٢٥٣٥ شاهنشاهی جمعیت کل کشور به ٣٢،٨٥٦،٠٠٠ نفر رسیده است که از این تعداد ١٦٠٦٥٠٠٠ نفر زن و ١٦٧٩١٠٠٠ نفر مرد هستند.

همانطور که میدانیم علم جمعیت‌شناسی مـراحل مختلـف تحولات جمعیتی را به چهاربخش تقسیم می‌کند.

مرحله اول: تولد زیاد، مرگ زیاد در نتیجه افزایش کم، که نمایانگر وضعیت کلی کشورهاست و بیشتر آنها این مرحله را پشت سر گذاشته‌اند.

٢ـ ناصر پاکدامن «یـادداشتهای درس جمعیت‌شناسی» دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران سال ٢٥٣٣ـ٢٥٣٢ صفحه ١٠٥.

مرحله دوم: بعلت پیشرفت بهداشت از مرگ ومیر کاسته می‌شود ولی تعداد موالید مثل قبل ثابت می‌ماند. در انگلستان وویلز این مرحله حدود ۱۳۰ سال طول کشیده است و افزایش جمعیت سرعت زیادی داشته است.

مرحله سوم: میزان مرگ ومیر و موالید کاهش می‌یابد در نتیجه از نرخ ازدیاد جمعیت به مقدار قابل توجهی کم‌میشود.

مرحله چهارم: میزان موالید و مرگ ومیر به حداقل میرسد و اختلاف آنها خیلی کم میشود. در این دوره ازدیـــاد جمعیت بسیار کند است و حتی میتوان گفت ازدیاد ندارد(۳).

توضیح اینکه جمعیت ایران در مرحله سوم این دگرگونی قرار دارد. زیرا براساس سرشماری اخیر رشد جمعیت ایران به ۲٫۵ درصد رسیده است و رقم موالید از ۵۲ به ۳۸ و رقم مرگ ومیر از ۲۱ به ۱۳ درهزار کاهش یافته است. و به‌این ترتیب رقم موالید در کشور سریعتر از مرگ و میر پائین آمده است (٤).

سرشماری سال ۲۵۱۵ نمایشگر آنستکه هرم سنی جمعیت ایران از نوع هرمی است که معمولا کشورهای در حال توسعه دارند، یعنی هرمی با پایه‌های عریض و بدنه‌های منظم وتارکی باریك (۵).

این «جوانی جمعیت» دربرخی ازنقاط میهن ما آشکارتر دیده می‌شود. مثلا درباره سیستان و بلوچستان گزارش داده‌اند که افراد از ۱۵ سال به‌پائین بین ٤۵ تا ۵۰ درصدکل جمعیت را تشکیل میدهند و افراد ۶۰ ساله به‌بالا به زحمت شمارشان به

۳ـ فرتیس‌باده دنیای سال ۲۰۰۰ ترجمه شریف لنکرانی، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران ۲۵۲۷، صفحه ۱۳.

٤ـ نقل از روزنـــامه کیهان مورخـــه ۱۰ آذر، صفحه ۲.

۵ـ هوشنگ کریمی، «جمعیت و منابع نیروی انسانی‌ایران» مجموع بررسیهای مسائل نیروی انسانی ـ سال ۲۵۲۳ صفحه ۵۷۰.

۲ درصد کل جمعیت میرسد(۶).

شدت جوانی جمعیت در روستاهای ما بیشتر است تا در شهرها و شاید یکی از علل آن مهاجرت روستائیان به‌شهرها باشد.

بطور کلی کشورهائی که در آنهانسبت جمعیت افرادی که از ۲۰ سال کمتر دارند از ۳۳ درصد بیشتر باشد جزوکشورهای جوان بحساب می‌آیند در صورتیکه این نسبت بین ۳۰ تا ۳۳ درصد باشد جزو کشورهائی منظور می‌شوند که هنوز به پیری نرسیده‌اند و بالاخره اگر این نسبت از ۳۰ درصد کمتر باشد جزو ممالکی گذاشته میشوند که جوانی خود را از دست داده‌اند. با مقایسه آمار موجود با این دسته‌بندی ملاحظه میشود که‌جمعیت ایران جوان است.

مقایسه سرشماری سالهای ۲۵۱۵ و ۲۵۲۵ نشان میدهد که میانه سنی از ۲ر۲۰ در سال ۳۵ به ۲ر۱۸ درسال ٤٥ رسیده است این تغییر حاکی از آن است که در این مدت جمعیت ایران کمی جوانتر شده است و افراد فعال مسئولیت تامین مخارج عده بیشتری را متحمل شده‌اند.

این عدم تناسب بین تولیدکنندگان (جمعیت فعال) و مصرف‌کنندگان (تمام جمعیت) در اقتصاد ایران مسائل درخور مطالعه‌ای بوجود آورده است. هرم شهرها که توسط محققین مختلف از روی نتایج سرشماری سالهای ۲۵۱۵ و ۲۵۲۵ ترسیم شده است این عدم تناسب را به‌خوبی نشان میدهد. برآمدگی‌هائی که در بعضی گروههای سنی بربدنه هرم دیده میشود نشانه‌هائی از هجوم روستائیان به شهرها است که بر گروههای سنی جوان شهری خصوصا برگروه مردها افزوده است.

این عدم تناسب قبل از هرچیز بعلت مهاجرت دسته‌های عظیم جمعیت فعال بجانب شهرهای بزرگ است و نتیجه‌مستقیم آن بطوریکه هرم سنی برخی از این شهرها نشان میدهد انتقال «بیکاری پنهان» از روستاها بشهرهاست در چنین شرایطی گروه

۶ـ ماخذ فوق صفحه ۵۷۲.

انبوهی از جمعیت چه در شهر و چه در روستا از روی اضطرار به کارهائی تن میدهند که نـــه تولید ملی را بوجه شایسته‌تر افزایش میدهد و نه تکافوی معاش ایشان را میکند، بنحویکه اگر آنان را از ادامه چنین کارهائی بازدارند کاهش محسوس در میزان درآمد ملی رخ نخواهد داد.

اگر از نتایج آمارگیری نمونه‌ای سال ۲۵۲۲ استفاده بعمل آید و ارقام آن‌با سرشماری ۲۵۲۵ مقایسه شود ملاحظه میشود که بین سالهای ۲۵۲۲ تا ۲۵۲۵ میزان مطلق سالانه رشد جمعیت شهری ایران مساوی ۷ر۵ درصد است.

در سال ۲۵۱۵ بالغ بر ۱۹۹ شهربا جمعیت کل ۵ر۹۹۶ر۷۲۶ نفر در سال ۲۵۲۵ حدود ۲۷۱ شهر با جمعیت کل ۹ر۷۸۹ر۶۹۳ نفر وجود داشته است. خصوصیت کل شهرهای ایران در دو سال این است که تعداد زیادی شهر با جمعیت کم وتعداد معدودی شهر با جمعیت بسیار زیاد جامعه شهری ایران را تشکیل میدهد.

نمودار شاخص تمرکز جمعیت شهری ایران در سال‌هـای ۲۵۱۵ و ۲۵۲۵ براساس آمار موجود تـــدوین و ترسیم شده است(۷). هرچه نمودار بدست آمده از ۲۵۱۵ به ۲۵۲۵ دارای تقعر بیشتری بشود دلیل برتری رشد جمعیت شهرهای پرجمعیت به رشد جمعیت شهرهای کم جمعیت و به‌لفظ دیگر عمیق‌تـــر شدن شکاف دموگرافیك بین شهرهای بزرگ و کوچك است. برای اینکه تحول این شکاف نمایان‌تر شود می‌توان سطح زیر منحنی های بدست آمده را یا از طریق انتگرال یا از طریـق شمارش میلیمتریك حساب کرد و آن را بر سطح زیر وتـر تقسیم نمود. تحول این نسبت در زمان مبین بیشتر یا کمتر شدن شکاف دموگرافیك بین شهرهای کشور است در سال ۲۵۱۵ مقدار این نسبت مساوی ۳۵ درصد و در سال ۲۵۲۵ مساوی

۷ـ مهدی امانی، شهرگرائی و شهرنشینی در ایـــران. دانشگاه تهران. موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهـران، اردیبهشت ماه ۲۵۳۰ صفحات ۱۰ و ۱۱ و ۱۵.

۲۹ درصد است و بنابراین ملاحظه می‌شود که از ۲۵۱۵ به ۲۵۲۵ رابطه بین تعداد و جمعیت‌شهرها بیشتر نامتعادل شده و بطور نسبی شهرهای پرجمعیت، پرجمعیت‌تر و شهرهای کم‌جمعیت کم‌جمعیت‌تر شده است.

بررسی‌های دیگر حاکی ازآن‌است‌که در دهه ۲۵۲۰ـ۲۵۳۰ نرخ رشد جمعیت روستائی ۱٫۷ درصد در مقابل نرخ رشدجمعیت شهری ٤٫٤ درصد بوده است باین معنی که از آخر سال۲۵۳۱ جمعیت روستائی به حدود ۱۷٫٤ میلیون و جمعیت شهری به ۱۲٫۹ میلیون بالغ شده است‌که این مبین افزایش ۲٫۵ میلیون شهرنشین و فقط ۱٫۲ میلیون روستائی در سالهای ۳۱ـ۲۵۲٦ است (۸) چون نرخ رشد طبیعی جمعیت در مناطق شهری کمتر از همین نرخ در مناطق روستائی است. ازدیاد این نرخ را باید با مهاجرت روستائیان به شهر توجیه کرد.

آمار زیر تحول شهرنشینی جمعیت را در ایران به خوبی نشان میدهد (۹) و (۱۰).

۸ـ نقل از

W·B·Fisher the Middle East : A Physical Social and Regional Geography, Methuen 2 co· Ltd· London 1971، P·294

۹ـ اعداد این جدول از

J·Bharier "The Growth of towns and Villa- ges in Iran 1900 - 1960,, the Midele East Studies

و گزارش سالانه بانك مرکزی (به انگلیسی) صفحه ٦۳اقتباس شده است رقمهای مربوط به سال ۱۹۸۰ محاسبه شده است.

۱۰ـ نقل از

Fredy Bémont· Les Villes de l' Iran des Cites d, Autres Fois a, l'Urbanisme Contemporan, Fabre & Cie, Paris 1969

سال	درصد جمعیت شهری	درصد جمعیت روستائی
۱۹۰۰	۲۰٫۹	۷۹٫۱
۱۹۲۰	۲۱	۷۹
۱۹۴۰	۲۲	۷۸
۱۹۵۰	۲۷٫۸	۷۲٫۱
۱۹۶۵	۳۸٫۱	۶۱٫۹
۱۹۷۰	۴۰	۶۰
۱۹۷۲	۴۱	۵۹
۱۹۸۰	۵۰	۵۰

همانطور که می‌بینیم نیمی از جمعیت ایران در سال ۱۹۸۰ یعنی ۲۵۳۸ شاهنشاهی در روستاها و نیم دیگر در شهرهازندگی خواهند کرد و دراین سال کل جمیعت کشور حدود ۴۰ میلیون خواهد بود.

از طرفی درکمتر از ۲۵ سال یعنی حتی قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی جمعیت ایران دو برابر خواهد شد و کل آن به حدود ۶۰ میلیون نفر خواهد رسید.

در بعضی از گزارش‌های موجود درجه بیکاری آشکار در سال ۱۹۶۶ حدود ۹ر۴ درصد برآورد شده است. این رقم قطعا در سال‌های اخیر کاهش یافته است.

نتایج حاصله از بررسی تحولات جمعیت روستائی در کشور-های پیشرفته نشان میدهد که اندازه نسبی جمعیت روستائی باتوسعه اقتصادی نسبت معکوس دارد، بدین معنی که هرچه کشور پیشرفته‌تر میشود سهم جمعیت روستائی در کل جمعیت کشور کاهش می‌یابد. در حالیکه اندازه مطلق جمعیت روستائی از سه مرحله زیر خواهد گذشت.

۱- رشد

۲- اندازه ماکزیمم (ثبات نسبی)

۳- کاهش

قدر مطلق جمعیت روستائی ایران هنوز در مرحله رشد

یعنی مرحله نخستین قرار دارد. در حالیکه سهم نسبی آن‌نسبت به جمعیت شهری کاهش می‌یابد.

براساس آمار موجود کل شاغلین کشور در سال ۲۵۱۵ معادل ۵ میلیون و ۵۹۰ هزار نفر بوده است که ۵۶٫۳ درصد در بخش کشاورزی، ۲۱ درصد در بخش صنعت و معدن و ۲۲٫۷ درصد در بخش خدمات مشغول بوده‌اند نسبتهای فوق درسال ۲۵۳۰ به ترتیب به ۴۱٫۹ درصد، ۲۹٫۳ درصد و ۲۸٫۸ درصد تبدیل شده است. چنانکه ملاحظه میشود درصد افرادی که به امر کشاورزی مشغول بوده‌اند از ۵۶ درصد کل افراد شاغل به حدود ۴۲ درصد کاهش یافته است در حالیکه جمعیت کل روستائی از ۱۳ میلیون در همین فاصله زمانی به ۱۷٫۶ میلیون نفر بالغ شده است. (رجوع شود به جدول ۲).

با آنکه ارقام رشد کلی جمعیت در ایران متفاوت است می‌توان رقم ۲٫۵ را با احتیاط قبول کرد.

ضمنا در حال حاضر تراکم جمعیت ایران با توجه بـه ۱٫٦٤۷٫٤۱٤ کیلومتر مربع مساحت آن، رقمی حدود ۲۰ نفر است.

این رقم با ملاحظه امکانات طبیعی کشور بسیار ناچیز مینماید. کافی است یادآور شویم که در هرکیلومتر مربع از خاك هلند ۳٦۱ نفر و درهرکیلومتر از خاك ژاپن ۲٦۲ نفر و در هرکیلومتر از خاك هند ۱۱۰ نفر زندگی میکنند.

اما نباید فراموش کرد که تراکم‌حسابی (Mathematical Density) یـا رابطه «جمعیت مساحت» مـلاك و ضابطه قطعی و بارزی برای شناسائی و سنجش امکانات اقتصادی یك‌کشور نسبت به جمعیت آن نمی‌تواند باشد. مطالعه در وضع‌جغرافیائی ایران و میزان زمین‌های قابل کشت آن به خوبی مبین این واقعیت است. طبق محاسبات دفتر اقتصادی سازمان برنامه، یك سوم از ۱٦٤ میلیون هکتار مساحت کل ایران قابل استفاده برای محصولات کشاورزی است (میزان مذکور شامل جنگل‌ها و مزارع و چراگاهها نیز می‌شود) در حال حاضر فقط در ۱۸

جدول ۴ـ مقایسه جمعیت ایران در طول سالهای ۲۵۳۵-۲۴۸۵
(هزار نفر)

سال	جمعیت کشور	درصد	جمعیت مناطق شهری	درصد	جمعیت مناطق روستائی	درصد
۲۴۸۵	۱۰۴۵۶	۱۰۰/۰	۳۰۴۴	۲۹/۱	۷۴۱۲	۷۰/۹
۲۴۹۰	۱۱/۱۸۵	۱۰۰/۰	۳۳۰۰	۲۹/۵	۷/۸۸۵	۷۰/۵
۲۴۹۵	۱۱/۹۶۴	۱۰۰/۰	۳/۵۷۶	۲۹/۹	۸/۳۸۸	۷۰/۱
۲۵۰۰	۱۲/۸۳۳	۱۰۰/۰	۳/۸۸۶	۳۰/۳	۸/۹۴۷	۶۹/۷
۲۵۰۵	۱۴/۱۵۹	۱۰۰/۰	۴۳۴۳	۳۰/۷	۹/۸۱۶	۶۹/۳
۲۵۱۰	۱۶/۲۳۷	۱۰۰/۰	۵/۰۴۳	۳۱/۱	۱۱/۱۹۴	۶۸/۹
۲۵۱۵	۱۸/۹۵۵	۱۰۰/۰	۵۹۵۴	۳۱/۴	۱۳/۰۰۱	۶۸/۶
۲۵۲۰	۲۲/۳۹۸	۱۰۰/۰	۷/۷۰۳	۳۴/۴	۱۴/۶۹۵	۶۵/۶
۲۵۲۵	۲۵/۷۸۹	۱۰۰/۰	۹٬۷۹۴	۳۸/۰	۱۵/۹۸۵	۶۲/۰
۲۵۳۰	۳۰/۰۲۰	۱۰۰/۰	۱۲/۳۹۸	۴۱/۳	۱۷/۶۲۲	۵۸/۷
۲۵۳۵	۳۴/۲۷۸	۱۰۰/۰	۱۵/۵۳۹	۴۵/۳	۱۸/۷۳۹	۵۴/۷

میلیون هکتار (۱۱درصد) از کل مساحت ایران زراعت میشود و همچنین مقداری از زمین‌های زراعتی در حال آیش است کشت حقیقی سالانه در مساحتی کمتر از ٦ میلیون هکتار (یا ٤ درصد) مساحت کل ایران انجام میگیرد(۱۱).

حال باید دید که توزیع جمعیت ایران به‌چه نحوی است. همانطور که میدانیم و آمار بخوبی نشان میدهد مرکز ایران تقریبا خالی از جمعیت است زیرا در مناطق مرکزی ایران یکی از مهمترین عوامل زندگی یعنی آب وجود ندارد و جستجوی آن، سکنه این مناطق را به نقاط باران‌دار یا کنار رودها و کوهپایه‌ها و به حواشی کویرهای مذکور کشانیده است. نتیجتا نواحی شمالی، شمال غربی وغربی ایران پرجمعیت‌تر وآبادتر ازبقیه‌قسمت‌های کشور است.

تراکم جمعیت در نقاط مرکزی بیش‌از ٥٠ نفر در کیلومتر مربع ودر سیستان و بلوچستان کمتر از ۲ نفر است.

افزایش و آینده جمعیت ایران

ازیکسو دیدیم که از سال ۲٥٤٠ شاهنشاهی جمعیت شهری برابر جمعیت روستائی وهر کدام برابر ۲۰ میلیون نفر خواهندشد.

از سوی دیگر برآورد کردیم که در سال ۲٥٥۹ (یعنی ۲۳ سال دیگر برابر ۲۰۰۰ میلادی) جمعیت ایران اگر با همین نرخ کنونی افزایش یابد به حدود ٦۰ میلیون نفر خواهد رسید.

قبل از هرچیز لازم است توضیح داده شود که تخمین جمعیت در آینده و تسری وضع گذشته و حال و آینده (Extrapolation) به دو علت زیر مشکل است اول آنکه

۱۱ـ سنجش پیشرفت و عملکرد برنامه عمرانی هفت ساله دوم ایران انتشارات دفتر اقتصادی سازمان برنامه، اسفندماه ۲٥۱۸ صفحه ۲۸ ـ تغییرات سالهای اخیر تغییر زیادی در این درصد نداده است. چون بیشتر کوششها در جهت کشاورزی عمقی بوده است.

اشتباهاتی در محاسبه‌های پایه‌ای همیشه و همه‌جا محتمل است و ثانیا به روش نسل‌های بعدی که در مدار زندگی قرار میگیرند چندان اطمینان نمی‌توان داشت. بدین معنی که میزان باروری و تولید مثلشان در سطح آنچه بوده است و یا هست ممکن است باقی نماند.

مثلا در ژاپن صنعتی کردن مملکت وبالا بردن‌سطح معلومات مردم یعنی «راسیونلیزه» کردن تمام رشته‌ها بقول فرتیس‌باده موثر-ترین وسیله جلوگیری از ازدیاد جمعیت محسوب میشود.

بزعم مالتوس تمایل ازدیاد جمعیت دنیا بیش از ازدیاد تولید مواد غذائی است. و تعادل میان جمعیت ومواد غذائی بوسیلـه گرسنگی، فقر، مرض و در صورت لزوم جنگ باید برقرار شود. فقر، آنطور که مالتوس میگوید ازدیاد جمعیت را متوقف نمیکند، بلکه برعکس آن یعنی رفاه باعث توقف‌افزایش جمعیت میشود. شهرنشینی و اصلاح وضع اجتماعی زنان نیز ازمسائلی هستند که در کاهش سرعت افزایش جمعیت ممالك در حـال توسعه اثر میگذارد بدین ترتیب زمانی که یك خانواده از فقر سیاه به رفاه میرسد قدرت و تمایل آن برای طرح‌ریزی‌صحیح خانوادگی بیشتر میشود(۱۲). این مطلب در مورد ملت ما صادق است‌ومیتوان تصور کردکه بارفاه نسبی که درحال‌حاضربوجودآمده‌و جامعه‌مرفه‌تری که در آینده خواهیم داشت نرخ رشد جمعیت نیز تقلیل یابد و جمعیت کشور به‌حد متناسب خود برسد و درآن حدود ثابت شود.

لزوم توسعه کشاورزی در کشور:

اقداماتی که‌برای جلوگیری‌ازافزایش‌موالیدصورت‌میگیردیعنی برنامه‌تنظیم‌خانواده‌درایران‌موفقترازبرنامه‌های‌بهداشتی‌بوده‌است‌ورشد جمعیت را از چیزی حدود ۳ درصد به ۲٫۵ درصد کاهش داده است. ولی همین نرخ ۲٫۵ درصد نیز یکی از رشدهای بسیار بالا

۱۲ـ فرتیس‌باده دنیای سال ۲۰۰۰، صفحه ۱۶.

در دنیا است. و از اینرو در حال حاضر باید تمام انرژی مملکت تجهیزشود وکمبود موادغذائی‌موجود را تاحد امکان جبران کند.

طبق گزارش سال ۲۵۲۷ بانك مرکزی ثلث کودکان کشور ما که به بیمارستانها مراجعه کرده‌اند گرفتار کمبود غذا و یا سوءتغذیه بوده‌اند (۱۳). یك گزارش دیگر حاکی از آنست که یك سوم کودکانی که به بعضی ازبخشهای طبی اطفال در تهران مراجعه کرده‌اند دارای عوارض سوء تغذیه به علت کمبود انرژی و پروتئین بوده‌اند (۱٤).

برای بدست آوردن ارقام صحیح بررسی مصرف موادغذائی و تعیین بیماریهای ناشی از سوءتغذیه در ایران مطالعاتی توسط انستیتو خواربار و تغذیه ایران از سال ۲۵۲۱ آغاز شده واکنون هم ادامه دارد.

حد متوسط مقدار دریافت گروههای مختلف غذا برای هرنفر در روز که بصورت‌خرید محاسبه شده مبین آنست که غذای اصلی کلیه مناطق بررسی شده نان است (۱۵).

از طرف دیگر با آنکه مقدار متوسط کالری دریافتی بخصوص در روستاها بحدکافی بوده، معذالك بعضی ازخانواده‌ها نتوانسته‌اند مقدار مورد نیاز خود را دریافت کنند و این عدم دریافت به‌علت عدم دسترسی به‌غلات وسایر مواد انرژی‌زا واحتمالا

۱۳ـ نقل از اسمعیل سمیعی «بررسی علل کمبود محصولات دامی در ایران و امکانات افزایش آن» در مجله بانك مرکزی ایران ـ مهر و آبان ۲۵۲۸ صفحه ۱۰.

۱٤ـ نقل از
Dehydration Syndrome in Malnurished Iranian Children A Report by Mahin Sadr M.D Habib Hedayat M.D et al

۱۵ـ هرمز هرمزیاری «بررسی مصرف مواد غذائی در ایران» مجله تغذیه: نشریه اختصاصی انستیتو خواربار و تغذیه ایران شماره ۱ مهرماه ۲۵۳۰ صفحه ۷۰.

دلایل دیگر بوده است (۱۶).

حال اگر مشکل را از دیدگاه تولید کشاورزی نگاه‌کنیم خواهیم دید که طبق محاسبات مختلف و بطورکلی در ده سال اخیر تقاضای موثر برای کالاهای کشاورزی و غذائی بطور متوسط برابر با ۵ درصد در سال افزایش یافته است (۱۷). حال آنکه حد متوسط آهنگ رشد عرضه واقعی برابر با یك تا دو درصد بوده است. از این رو باعث تعجب نخواهد شد اگر به‌بینیم که واردات کشور بین سالهای ۲۵۲۷ تا ۲۵۳۰ حدود سه برابر شده باشد.

در جدول زیر رشد صادرات و واردات دامی و زراعی را به تفکیك نقل کرده‌ایم ارقام این جدول خود نشانه اهمیت توجه به این مطلب است.

۱۶ـ همان منبع: صفحه ۷۲ (توضیح منبع ۱۸).

۱۷ـ رجوع شود به: محمد علی کاتوزیان، بخش کشاورزی در اقتصاد ایران مجله تحقیقات اقتصادی ـ شماره ۲۷ و ۲۸ پائیز و زمستان ۲۵۳۰ صفحه ۲۱۱ تا ۲۴۰.

برخی از ضرایب کشش تقاضا برحسب درآمد که توسط کارشناسان سازمان خوار بار کشاورزی جهانی برای ایران محاسبه شده است باختصار در اینجا نقل میشود (۱۸).

۱۸ـ نقل از کتاب

F.A.O Agricu Hural Commodities Projections For 1975 and 1985 Vol. II Rome 1967 P8

جدول ۳ـ آهنگ رشد صادرات و واردات محصولات کشاورزی در سالهای اخیر (درصد)

	(١) ٢٥٢٦	(٢) ٢٥٢٧	(٣) ٢٥٢٨	(٤) ٢٥٢٩	(٥) متوسط ٢٥٢٩ـ٢٥١٩
الف ـ صادرات:					
(١) فرآورده های دامی	١٥/٦ـ	٦/٢ـ	٢/٣ـ	٧/٨ـ	٣/٢
(٢) " " زراعی	٦/٨	١٩/٩	٩/٤	٧/١	٦/٩
(٣) جمع	١١/٦	١٤/٣	١١/٧	٤/٣	ـ
ب ـ واردات:					
(١) فراورده های دامی	٨/٦	١٦/٩	١٩/٩	٣٤/٨	٢٠/٨
(٢) " " زراعی	٤٥/٤	٨٦/٧	١٥/٠	٩٨/٨	٤/٣
(٣) جمع	٢١/٠	٤٣/٣	٢/٧	٦٠/٩	ـ

محصول کشاورزی	ضریب کشش تقاضا برحسب درآمد
گندم	۰ر٤
برنج	۰ر٦
شکر	۰ر۸
حبوبات	۰ر۷
سبزیجات	۰ر۸
مرکبات	۱
گوشت گاو و گوساله	۱
گوشت گوسفند	۱ر۱
گوشت طیور	۱ر٥
تخم مرغ	۱ر۲
ماهی	۰ر۸
شیر	۰ر۹
روغن‌های نباتی	۰ر۷
کره	۰ر٥
چای	۰ر۸

ضرایب فوق نشان میدهد که در اثر ازدیاد درآمد برابر یك درصد تقاضا برای هریك از کالاهای فوق برابر مقدار نوشته شده افزایش خواهد یافت. همانطور که ملاحظه می‌شود اغلب این ضرایب قابل توجه و حاکی از تقاضای زیادی برای محصولات کشاورزی هستند.

تاکنون پیش‌بینی‌های راجع به تقاضا برای مواد کشاورزی در سالهای آینده توسط محققین ایرانی و خارجی انجام شده است که شاید معروف‌ترین آن‌ها کارهای پروفسور لوبارون (۱۹)

۱۹ـ کتاب
Allen Le Baron "Long term Prcjections of Supply and demand For Selected Agricultuval Product in Iran,, Uiah State University utah 1970

و گزارش برنامه جامع کشت کشور است (۲۰).

بطور کلی به علت ازدیاد درآمد سرانه در کشور و رفاه عمومی در سالهای اخیر تقاضا برای محصولات کشاورزی و بخصوص مواد پروتئین‌دار افزایش فوق‌العاده‌ای را نشان میدهد. و این تقاضا در سالهای آینده نیز همچنان افزایش خواهدیافت و تنها راه اجتناب از افزایش واردات کشاورزی در سالهای آینده مدرنیزه کردن کشاورزی کشور در سطح وسیع آن خواهد بود.

از اینرو میباید انگیزه‌های کافی برای تولید بیشتر در کشاورزی بوجود آید، تسهیلات حمل و نقل هرچه بیشترفراهم شود، داده‌های لازم برای تولید از قبیل کود شیمیائی - بذور اصلاح شده - لوازم یدکی وسایل ماشینی، و از همه مهمتر تکنولوژی جدید بطور وسیع در دسترس روستائیان قرار گیرد تا بتوانند هرچه بیشتر در افزایش تولید کشاورزی نقش مهم‌تری ایفا کنند.

گذشته از اینها با در نظر گرفتن نسبت جمعیت شهری به روستائی که دائما در حال افزایش است کارآئی سرانه کشاورزان باید باز هم بیشتر از پیش افزایش یابد.

مقایسه عملکرد بعضی از محصولات اساسی در دوران اخیر

این بخش از آنجهت ضروری است که پیشرفت‌های دوران اخیر را نیز در مد نظر داشته باشیم.

۱ـ گندم ـ در سال ۲۵۰۲ مساحت زیر کشت گندم حدود ۲۳۰۰ هزار هکتار و برآورد تولید آن به حدود ۲۰۰۰ هزارتن گزارش شده است (۲۱). به عبارت دیگر عملکرد گندم در یك

۲۰ـ گزارش برنامه جامع کشت کشور ـ وزارت کشاورزی و منابع طبیعی سال ۲۵۳٤.

۲۱ـ مرکز آمار ایران: «بیان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران در دوران پرافتخار دودمان پهلوی» سال ۲۵۳۵.

هکتار در این سال حدود ۸۷۰ کیلو گرم بوده است. درحالیکه در سال ۲۵۳٤ مساحت زیر کشت گندم به حدود ۵۹۹۳ هزار هکتار افزایش یافته است و محصول آن به حدود ۵۵۰۰ هزار تن بالغ گردیده ودر نتیجه عملکرد گندم بطور متوسط دریك هکتار به ۹۱۸ کیلو افزایش یافته است (۲۲).

۲ـ برنج شلتوك ـ در سال ۲۵۰۲ حدود ۲۱۰ هزار هکتار از مساحت زیر کشت به برنج اختصاص داشت و تولید این محصول نیز در این سال به حدود ۵۸۰ هزار تن بالغ‌شده بود و درنتیجه عملکرد آن درهرهکتار حدود ۲۷٦ کیلوبوده است(۲۳). در سال ۲۵۳٤ مساحت اراضی زیر کشت برنج به ٤٦۱ هزار هکتار (تقریبا ۲ برابر) افزایش یافته در حالیکه تولید آن به ۱٤۳۰ هزار تن رسیده بود و در نتیجه عملکرد آن در هرهکتار به متجاوز از ۱۱ برابر یعنی تا ۳۱۰۲ کیلو افزایش یافته است (۲٤).

۳ـ جوـ در سال ۲۵۱۲ مساحت اراضی زیر کشت جوحدود ۸۳۰ هزار هکتار و مقدار محصول معادل ۸۷۲ هزار تن بوده است و در حقیقت عملکرد این محصول در یك هکتار حدود ۱۰۵۰ کیلوگرم بوده است. در سال ۲۵۳۱ مساحت زیر کشت جو به حدود ۱۵۱۹ هزار هکتار رسیده در حالیکه تولید آن به ۱۲۲۷ هزار تن بالغ شده است و عملکرد محصول بطور متوسط به ۱۲۳۸ کیلوگرم در هکتار افزایش یافته است.

مقایسه عملکرد محصول های مذکور که برای نمونه بیان شد در طول سالهای فوق‌الذکر حاکی از استفاده بهتر ازسیستم آبیاری ماشین‌آلات کشاورزی و کود شیمیائی است.

مقایسه همین عملکردها با بازده تولید در کشورهای

۲۲ـ منبع فوق.

۲۳ـ وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، مقاله آقای دکتر عبداله تمدن درباره تولیدات کشاورزی ایران طی پنجاه سال دوران شاهنشاهی پهلوی.

۲٤ـ منبع فوق.

پیشرفته و اختلافی که هنوز بین آنها موجود است نشانه‌ظرفیت خالی‌ایست که کشاورزی ایران هنوز نتوانسته است پر کند. برای مثال متوسط تولید گندم در کشور فرانسه ۳۷۵۰ کیلوگرم، متوسط تولید برنج شلتوك در ژاپن ۶۰۱۸ کیلو گرم ومتوسط تولید جو در اروپا بطـور کلی ۳۲۱۴ کیلو گرم در هکتار میباشد (۲۵).

استفاده باز هم بیشتر و صحیح‌تر از ماشین‌آلات کشاورزی و کود شیمیائی و بکاربردن سیستمهای نوین آبیاری در سطح وسیع کشور لازمه اصلی پیمودن راهی است که تولید کشاورزی ما را به سطح کنونی تولید در کشورهای‌توسعه یافته خواهـد رسانید.

۲۵ـ ماخذ

F.A.O. Production Year Book 1973

هاشم فرهنگ

«نفت» و «انرژی» در یك رابطه نادرست

درجریان یك برداشت ناصحیح (طی سالهای چندی که همانا تاریخ بهره‌گیری از «نفت» است) مساله «انرژی» و مسأله «نفت» در مقام «یك مسأله واحد» و دو معنای کاملا مترادف مطرح شده است این «ترادف» و «پیوستگی» تا اندازه‌ای تصادفی ـ تا اندازه‌ای ناآگاهانه ولی در هر حال خودخواهانه از سوی گروههای معدودی پیگیری شده و در نتیجه بزیان بشریت و طبعا ما که صاحب یکی از مهمترین منابع نفتی جهان هستیم، تمام شده است. هدف از طرح این موضوع آنستکه بشریت عموما و ما ایرانیان خصوصا در رد این رابطه مطلق هرچه بیشتر کوشا باشیم.

وجود منطقی این جدائی ازدیدگاه صاحبنظران تازگی ندارد ولی از نظر شناخت عام، بایك مثال ساده می‌توان نادرستی رابطه تاریخی و ذهنی نفت و انرژی را برملا کرد.

اگر امروز کسی درخت و در نتیجه چوب را بلحاظ یك منبع انرژی عنوان کند، غالبا خیلی فوری اشتباه این شخص را برخش میکشیم ـ ما وقتی از درخت نام میبریم، تصویری از جنگل، باغ و سرسبزی در مغز مخاطب ایجاد میکنیم و چون صحبت از چـوب میشود

مصارف صنعتی و خانگی آنرا در ذهن بیاد می‌آوریم و کمتر تصور یك **نیروگاه حرارتی** یا سوخت یك **کارخانه** را در ضمیر خود زنده می‌یابیم. حال آنکه در دورانهای نه چندان دور گذشته چوب را یك منبع انرژی می‌شمردند و در درجه‌دوم مصارف‌دیگر آنرا مدنظر می‌آوردند (هم اکنون نیز در بعضی جوامع کم رشد این اندیشه وجود دارد). مفهوم این مثال در مورد «نفت» و «انرژی» نیز صدق میکند. اما دنیای تکنولوژی امروز نباید به این تصور خطا ادامه دهد و وقتی از نفت‌سخن بمیان می‌آید بلافاصله «انرژی» را تداعی کند.

وقتی همه به‌آسانی قبول‌میکنیم‌که چوب یك ماده «نجیب» است و نباید آنرا بعنوان یك منبع تولیدانرژی مصرف کرد: پس با همین برداشت می‌توان در مورد ماده‌ی بسیار «نجیب»تری نیز که نفت خوانده میشود و دارای چندین ده هزار مشتقات و مصارف صنعتی وغیر صنعتی است، حکم صحیح را پیدا کرد.

مسلم است که سوزاندن نفت خاصه در شرائط کنونی یك خطا است. بدینجهت که امروز دانسته‌ایم از این ماده گرانبها، چه کالاها و مصنوعات پر ارزشی که‌نمیتوان ساخت؟! بهمین‌سبب‌است که‌میبایذ باتمام‌قوا در جهت حذف رابطه «انرژی» و «نفت» بکوشیم و در عین حال نگاهی بس جدی‌و عمیق‌به برنامه‌های‌جایگزینی آن بنمائیم. پیش از اشاره به برنامه‌های جایگزینی،لازم است مقتضیات کنونی دنیا را بررسی کنیم:

در حال حاضر نفت بمقدار بس وحشتناکی به مصرف سوخت میرسد و گروه خودخواهی که در بالا به آن اشاره رفت، با آهنگ وحشتناکتری بازدیاد مصرف نفت در راه سوخت ادامه میدهند در عین حال باید تصدیق کرد که نه «موقع» و شرائط کنونی اقتصاد جهانی و نه «موقع» و «اقتصاد ایران»، هیچیك اجازه نمیدهد که «ناگهان» و حتی با آهنگی قاطع و سریع

از مصرف نفت کاسته شود. اگر اقتضاهـای **دنیـا** و اقتصاد آن می‌توانست چنین امری را تحمل کند، توصیه میشد که قیمت نفت با یك جهش دیگر بسان آن چه در سالهای ۱۹۷۳ـ۷٤ صورت گرفت فزونی پذیرد تا از این رهگذر مصرف نفت در تمام وسیله سوخت وانرژی کاهش بگیرد ولی چون مقتضیات مغایر آرزو است پس قیمت نفت می‌باید حداقل متناسب با تورم و (یا ازدیاد قیمت‌های جهانی بهر دلیل که باشد) اضافه شود و هر زمان که اقتصاد دنیا و در نتیجه «**اقتضای منصفانــــه**» آن ایجاب کرد جهت دیگری در جهت ازدیاد قیمت نفت قابل توصیه و پشتیبانی باید باشد.

اول باین دلیل که قیمت سایر مواد انرژی‌زا بر مبنای هر کیلو کالری و یا هر واحد استاندارد بخش دیگری قابل مقایسه باشد و دوم اینکه آنقدر گران‌شود که‌مصلحت کشورهای‌مصرف‌کننده (سوزاننده‌ی)عمده‌ی نفت بر سرمایه‌گذاری و تحقیق جدی در راه پیدایش جانشین‌های نفت تعلق گیرد.

پس وقتی در ایران صحبت از قیمت نفت برمبنای «اندیس» میشود باید بخاطر داشت که مراد فقط برای مدت کوتاهی است چون بهر دلیل که بـاشد چــه: اقتضای تمدن بشری، چه توجه منطقه بـه یـك مادهٔ «نجیب» و چه فشار بازار برمبنای عرضه و تقاضا، قیمت نفت بالا خواهد رفت و باید هم برود.

ازدیاد قیمت اورانیوم (که صاحبنظران از آن آگاه بودند و تازگیها نیز در نشریات جهان منعکس شد)ـ توسط کارتل واقعی و پر قدرت آن بمیزان ۷ برابر بمنزله هشداریست که تولیدکنندگان نفت باید به آن توجه کافی مبذول دارند. استدلال غیر قابل انکـــار افزایش بهای نفت را وقتی با «برهان» افزایش بهای اورانیوم می‌سنجیم «اقتضای منصفانه»ای راکه در بالا به آن اشاره شد می‌باید با تردید و احتیاط تلقی کنیم.

در اینجا مسائل بیشتر از یك دیدایرانی و یك سیاست مستقل ملی مورد تاکید است ولی در هر صورت برای هر کشور تولید کننده و بخصوص صادر کننده نفت بهمان اندازه حائزاهمیت است. اگر کشوری بدلایلی که گاه معلوم است و گاه نامعلوم (ولی بهر تقدیر مضر بحال مردم آن کشور است)، در نحوهٔ تولید و قیمت گذاری این مادهٔ نجیب سیاست‌های ضد ملی و ضد منطقه‌ای اختیار میکند، مسئولیت آن بعهده همان‌کشور است که طبعا نتایج این سیاست نصیب نسلهای آینده مردم آن کشور میشود ـ و اگر در این زمینه بر موقع و روش ایران مکرراً تاکید میشودکه سیاست عالی رهبری شدهٔ ما ۱ـ بسیار روشن است ۲ـ متکی بدلایل است که همواره آشکارا توضیح داده شده است ۳ـ در هر حال نه تنها برای ایرانی بلکه برای بشریت مفید است: باین جهت است که کشور دیگری را خوب نمیشناسیم که نسبت به سه اصل مذکور پای‌بندی قاطع نشان‌داده باشد.

باتکاء این مفاهیم است که مباحث زیر مطرح‌میشود

الف: مقدار منابع نفتی ایران: سعی و مجاهدت بس پر تحرك‌تری باید در اثبات ذخائر نفتی «ثابت شده»انجام گیرد ـ جسته گریخته استنباط میشود که ذخائر نفتی ایران که اینك خوشبختانه بطور مطلق در اختیار خود ما است، بسبب شیوه‌های تولید در سالهای متمادی گذشته، می‌تواند غیر از آن باشد که یك «مدل‌ریاضی» ممکن‌است نشان دهد. ازاین‌گذشته از آنجائیکه داده‌ها و پارامترهائی که بنابرمصالح شرکتهای خارجی و توسط آنها بدست آمده، گویاترین و صحیح‌ترین‌داده‌ها و پارامترها جهت تعیین ذخائر منابع نفتی نمی‌توانند باشند، لذا تامل بیشتر دراستفاده بی‌دریغ‌آنهاشایسته است. جای بسیار خوشوقتی است که این مسائل از سوی کارشناسان برجسته ایرانی که در سطح جهانی

دارای ارزش و شایستگی فراوانند، مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته معذالك تحرك ممتد برمبنای عمل و علم بهر تقدیر قابل توصیه است.

ب ـ پژوهش و تحقیق: در امر پژوهش و تحقیق نکات زیر شایان توجه است:

نخست اینکه بدلیل اختلاف سطح تکنولوژی میان کشور ما و کشورهای صنعتی جهان این حقیقت راباید پذیرفت که نتایج تحقیق و پژوهشگر در میهن ما کندتر بدست بیاید دوم: با اینکه درسازمانهای‌چندی بخشی تحت عنوان پژوهش و تحقیق تاسیس‌شده‌است و نیز با اینکه اصولا سازمانی بنام «مرکز تحقیق وپژوهش» هم اکنون در کشور وجود دارد، معهذا هیچیك نمی‌تواند جواب‌گوی نیازهای مملکتی بویژه در موردپژوهش وتحقیق‌برزمینه پیداکردن‌جانشین وجانشینهای‌مناسب برای‌نفت بشود. پژوهش درصنعت‌نفت‌که درعالیترین سطح هم انجام میشود رابطه مستقیم به‌مسائل‌حرفه‌ای نفت دارد نه به شیوه‌های جلوگیری از مصرف آن به عنوان سوخت و نیرو، به همین سان پژوهش‌هائی که در سازمان اتمی کشور یا صنایع بزرگ مصرف‌کنندهٔ مواد سوختی انجام میگیرد نمی‌توانند روی به مساله جانشینی نفت داشته باشند و انتظاری هم از این بابت نباید از آنها داشت. پس فقط یك راه باقی میماند و آن ایجاد یك مرکز مستقل برای پژوهش بر زمینه‌ی جایگزینی نفت و دستیابی به انرژیهای دیگر است و باید توجه داشت که در این مورد محدودیت بودجه‌ای هم نباید در میان باشد.

همکاری نامحدود این مرکز با دانشگاههای واجد شرائط چه از نظر علمی و چه از نظر اقلیمی بسیارلازم و سودمند است این مرکز هم چنین باید بتواند از سایر کشورها محققانی را که هم از نظر علمی واجد اهلیت و صلاحیت هستند و هم به‌فلسفه پیدائی این

مرکز ایمان و اعتقاد دارند- استخدام نماید. عنوان کردن «ایمان و اعتقاد» از آن جهت است که این‌افراد منباب مصالح و منافع بشری باینگونه تحقیقات روی آورده باشند و در نتیجه منافع مالی و سیاسی خاصی را در کار خود دخالت ندهند.

۳- خوشبختانه در کشور ما بسبب موقع اقلیمی و جغرافیائی ویژه‌ای که دارد، استفاده از نیروهای طبیعی باد (حدود منجیل)خورشیدی (تقریبا در ۳/۴ وسعت خاك و بخصوص در محدوده کویر) جذرو مد (خلیج فارس)- گرمای زیرزمینی (آذربایجان) و هم چنین استفاده اقتصادی از انواع ذغال‌سنگ (نه تنهاآنهائیکه مستقیما موردنیاز صنایع فولاد کشورند بلکه‌آنهائیکه در گاز سازی (Gassification) با شیوه‌های جدید قابل بهره‌برداری هستند) و سرانجام **مطالعات زمین‌شناسی و اکتشافات سیستماتیك معدنی** جهت پیدا کردن منافع جدید امکان‌پذیر است.

اجمالا در امر پژوهش مطالب بسیار پر اهمیتی وجود دارد که باید بدرستی شناخته شوند ومثلااینکه:

هیچ کشوری هرقدر هم بزرگ نمی‌تواند براین زمینه ادعای خودکفائی داشته باشد والزاما می‌بایست از پیشرفت و نتایج تحقیق در سایرممالك استفاده‌کند برای نمونه سوئد که کشوری بسیار پیش رفته است فقط تا حدود ۱۰ درصد از علوم مورد نیاز خود را در داخل ایجاد میکند این درصد برای کشورهائی مانند ژاپن بمراتب کمتر است نتیجه میگیریم: در عین ایمان و اعتقاد به ضرورت اشتراك مساعی و همکاری با سایر کشورها، ایران می‌باید باایجاد یك مرکز ملی پژوهش: موقع- قدرت و جاذبیت تحصیل تازه‌های علمی را برای خود فراهم کند. چون وارد کردن تکنو- لوژی بسان وارد کردن ماشین‌آلات یك کارخانه‌نیست، تکنولوژی موقعی منتقل میشود که گیرندهٔ آن اهلیت جذب آنرا داشته باشد.

امیرشاپور زندنیا

آشنائی با اصطلاحات سیاسی و اجتماعی

از شماره پیش پاره‌ای از صفحه‌های نشریه را به تشریح و تحلیل لغات و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی است خاصه برای‌آن دسته‌که بدین‌راه تازه دادیم. قصد اصلی‌در این‌کار ایجاد مایه‌دستی برای دانشجویان و دوستداران مطالعه متون فلسفی و اجتماعی‌است خاصه برای‌آن دسته‌که بدین راه تازه گام نهاده‌اند. بدیهی است همانطور که نویسنده خود گواهی داده در اینگونه تعریف‌ها و برداشتها اختلاف نظر بسیار است و بقول هم‌او «هرکسی از ظن خود» به تعریف و برداشتی رسیده است. از چنین دیدگاهی است که «اندیشه‌های رستاخیز» به اقتضای روش برگزیده و «رستاخیزی» خود این سلسله یادداشتها را نیز به بحث و ابراز نظر اندیشمندان میسپارد، باشد که در پایان راه ـ فرهنگی توانگر از تعریفها و دیدهای «سیاسی و اجتماعی» فراهم آید. «اندیشه‌های رستاخیز»

پیشگفتار

انسان از آغاز پیدائی خود جانوری اجتماعی بوده که نمی‌توانسته است به تنهائی زندگی کند و گلیم

خویش را از آب بیرون کشد. بهمین سبب از ابتدا انسان دارای نهادهای «اجتماعی» و از جمله دارای سازمان سیاسی بوده، در رابطه با سازمان سیاسی که آن را «دولت» می‌نامیم بسر برده است. بنابراین به عبارتی میتوانیم انسان را «حیوان دولتی» بنامیم.

بخاطر همین توام بودن زندگی انسان با «دولت» صحیح است اگر گفته شود که از همان سپیده‌دمان تکوین جامعه‌ی انسانی، پیرامون «دولت» اندیشه شده باشد مجموعه‌ی این اندیشه‌ها را «پندارهای سیاسی» یا «اندیشه‌های سیاسی» میشناسیم.

اما همچنان‌که گفته‌اند راه‌ها بسیار است و رهروان بسیار و هرکس به سلیقه‌ی خویش پیرامون «دولت» اندیشه‌هایی عرضه داشته است:

«هرکی از ظن خود شد یار من»

چون «دانش سیاست» از دانش‌های اجتماعی وآن نیز خود بخشی از «دانشهای نظری» است، وارون «دانش‌های آزمونی» قانون‌های مشخص وقطعی (رابطه‌های ثابت) تقریبا در آن وجود ندارد.

آنان که مدعی وجود «قانون های علمی» یا «قانون‌های علی» در علم سیاست هستند، در واقع نقش آن دیو اساطیری یونان باستان را بازی می‌کنند که قوزی داشت و با آن ره‌گذران را اندازه میگرفت. اگر بلندتر بودند آنان را میتراشید و اگر کوتاه‌تر بودند آنان را میکشید. «دانش‌های نظری» تابع سلیقه و پندار اندیشمندانی است که آنها را بنیان نهاده‌اند.

گیرندگان این دانش نیز براستی برحسب سلیقه و منش خویش آن پندارها را که خوشایندشان باشد برمیگزینند.

از جانب دیگر چون دانش سیاست در عمل بکار می‌آید، آنان که پندارهای سیاسی را برمیگزینند و

می‌خواهند در عمل بکار برند، بنابر اصول روانشناسی اجتماعی، در اثر تکرار، باورشان به اعتقاد و ایمان بدل میشود و نسبت به آن پندارها تعصب پیدامیکنند.

باین سان «دانش سیاست» پندارهائی عرضه میدارد که در عمل بصورت «کیشهای سیاسی» در می‌آیند.

از همان آغاز راه، پندارهای سیاسی مسائلی را در برگرفته است که امروز نیز موردگفتگو است. زمانی که ریش‌سفیدان یك جامعه‌ی بدوی، پیرامون کیفر یا پاداش کرداری گفتگو میکردند، یا پیرامون رابطه‌ی خود با جامعه‌ی دیگر یا رابطه‌ی خویش با افراد عادی جامعه یا رابطه‌ی افراد عادی جامعه با یکدیگر، بحث میکردند یا میخواستند رئیسی انتخابی یا میراثی داشته باشند، در واقع «دانش سیاست» را تدوین میکردند و «پندارهای سیاسی» را میساختند.

در بحث حاضر نویسنده برآن است تا پندارهای سیاسی را، از کهن‌ترین زمان‌ها که از آن سندی بجا مانده است، تا روزگار کنونی معرفی کند - بی‌آن که جانب هیچ پنداری را بگیرد یا هیچ پنداری را نفی کند. این بدان سبب است که در شمارهٔ پیش نیز بدان اشاره کردیم - یعنی «کمك به‌دانشجویان و دوستداران متون فلسفی و اجتماعی».

چون ذهن انسانی در رهگذر شناسائی به ایجاد حد و رسم وساکن ساختن پدیده‌ها (نمودها) عادت دارد، در مورد شناسائی پندارهای سیاسی نیز باید این قاعده رعایت شود. از این روی طبقه‌بندی اندیشه‌های سیاسی لازم می‌آید.

برای دانش‌سیاست میتوان طبقه‌بندی‌های گوناگونی بکار گرفت. مثلا، میتوان اندیشه‌ها را بی‌توجه به زمان پیدائی آنها، از لحاظ مشابهت دسته‌بندی کرد، یا میتوان اندیشه‌ها را برحسب زمان طبقه‌بندی نمود -

مثلا «اندیشه‌های روزگار کهن»، «اندیشه‌های سده‌های میانه»، «اندیشه‌های دوران نو» و «اندیشه‌های‌معاصر». یا می‌توان اندیشه را در رابطه با صورتهای اجتماعی یا اقتصادی جامعه‌ها، طبقه‌بندی کرد.

ولی من بهتر آن میشمارم که از پیوند «مردم» با «دولت»، طبقه‌بندی خود را اختیار کنم.

با این برداشت، کانون وفاداری «مردم» را بـه «دولت» در هرصورت اجتماعی، میتوان بنیاد طبقه‌بندی قرار داد. نگاهی به تاریخ جامعه‌های انسانی نشـان میدهد که کهن‌ترین صورت وفاداری سیاسی افـراد جامعه‌ها به پیوندهای خونی‌شان بوده است. به زبـان دیگر، «دودمان» محور پیوندهای سیاسی جامعه بشمار میرفته است. زمانی که سنگ نوشت داریوش بزرگ را میخوانیم که میگوید:

«... داریوش شاه، پسر ویشتاسب، هخامنشی، پارسی، آریایی....» می‌بینیم که پیوندهای خونی‌مدارج وفاداریهای سیاسی آن شاهنشاه ایران باستان را بازگو میکند.

سپس به مرحله‌ای از تکامل سیاسی جامعه‌ها می‌ـرسیم که کانون وفاداری سیاسی افراد یا کیشهای خدایی است یا شخصیت‌ها و سلسله‌های شاهی. این مرحله را می‌توانیم «دولت جهانی» بنامیم‌که درآن قومیت کانون پیوند افراد با جامعه نیست ـ اعتقاد و ایمـان افراد به شخصیت‌ها یا آئین‌ها (خواه آئین‌های‌خدائی، خواه قانون‌ها و عنوان‌های دولتی) است.

آنگاه به مرحله‌ی دیگری میرسیم که تقریبا امروز جهانگیر است و آن قرار گرفتن «ملت» (**Nation**) به عنوان کانون وفاداری افراد جامعه‌ها است.

بنابر آنچه گذشت، بتدریج، سه دوران تـــاریخ اندیشه‌های سیاسی، بشرح زیر بازگو خواهدشد:

ـ اندیشه‌های سیاسی در دولت دودمانی.
ـ اندیشه‌های سیاسی در دولت جهانی.
ـ اندیشه‌های سیاسی در دولت ملی.

اما، پیش از پرداختن به اندیشه‌هـــای سیاسی، بهتر است خوانندگان با تعریف‌های گوناگون مفهوم‌های بنیادی «دانش سیاست» آشنا شوند تـــا درك اندیشه‌های گوناگون سیاسی برای ایشان آسان‌تر گردد. پس نوشته را با معرفی مفهوم‌های بنیادی این دانش آغاز میکنیم:

تعریف‌های بنیادی دانش سیاست:

۱ـ تعـریف دانش سیـاست ـ دانش سیـاست (Politics) دانشی است نظری که دولت موضوع‌آن است (در زبان دری واژه سیاست به چند معنی بکار رفته است ـ تدبیر، مجازات، خط‌مشی یا روش و «دانش دولت»).

۲ـ دانش سیاست در سلسله مراتب دانش‌هـا ـ «دانش سیاست» از «دانشهای نظـری» و جزئـی از «دانش‌های اجتماعی» است. «دانش‌های اجتماعی» خود بخشی از «دانش‌های انسانی» هستند. در طبقه‌بندی کلی دانشها، در بالاترین مرحله، سه گـروه دانش شناخته شده است:

ـ دانشهای آزمونی (علوم مثبته).
ـ دانش‌های نظری.
ـ دانش‌های مختلط.

«دانش‌های آزمونی» و «دانش‌های مختلط»، دانش‌هائی هستند که تجربه و مشاهده، ابزار بوجود آمدن و ابزار کار آنها است. براساس تجربه و مشاهده، ذهن ما رابطه‌های علی میان عوامل‌وعناصر این‌دانشها را می‌یابد و آن رابطه‌ها زیر نام «قانون علمی» شناختـه میشوند که به گفتهٔ اهل «منطق علمی» و «روش‌شناسی»

(Methodology) «رابطه‌های ثابت» هستند.

اما «دانش‌های نظری»، چنان که از نامشان پیدا است، از مشاهده به عنوان ابزار کار خود استفاده می‌کنند. در این دانش‌ها، دانشمند «منفعل» Passive است حال آنکه در دانشهای آزمونی (علوم مثبته) دانشمند «فعال» (Active) است. یك دانشمند «کیمیا» (شیمی) در آزمایشگاه، عناصر شیمیائی را با یکدیگر ترکیب میکند ـ در شرایطی که خود بوجود می‌آورد ـ ازگرما، نم و فشار ـ ماده‌های ترکیبی بدست می‌آورد که با فرمول‌های ویژه مشخص هستند وهرکسی می‌تواند، با ایجاد شرایط مشابه و ترکیب عناصر مشابه در آن شرایط، همان مواد ترکیبی را، عینا دوباره بسازد.

اما، در «دانش‌های نظری» وضع چنین نیست. مثلا یك جامعه‌شناس که پیرامون جامعه‌های ملي بررسی میکند، نمی‌تواند این جامعه‌ها را در آزمایشگاه بسازد. وی باید بررسی خود را در خود جامعه که یك موجود زندهٔ طبیعی است، انجام دهد. تفاوت دیگر آن است که شناسائی جامعه‌ها نیازمند بررسیها تاریخی، یعنی بررسی‌های زمان دراز است و مانند «علوم مثبته» نمی‌توان ننیجه بررسی را در مدتی کوتاه بدست‌آورد.

از سوی دیگر، چون اجزای ترکیب کننده هر رویداد و هرنمود (فنومن) اجتماعی بسیار زیاد است، یافتن پیوندهای علی میان همهٔ آن اجزا بسیار دشوار و اغلب ناممکن است. ازاین‌رو «قانون‌علمی» در «دانش‌های اجتماعی»، جز در موارد بسیار کلی براستی‌وجود ندارد.

۳ـ تعریف دولت ـ دولت نمودی است اجتماعی که کلیت جامعه‌های انسانی را، در انفراد خود نشان میدهد و شامل قلمرو (سرزمین ـ وطن)، جمعیت

(شهروندان ـ مردم، ملت)، سازمان اداری (دیوان) و قدرت عالیه (حاکمیت ـ استقلال) است. در زبان دری واژهٔ «دولت» را به‌معنی‌دارائی، حکومت Government و بخت خوش و نیز بمعنای کلیت جامعه State, Etat Reisch هم بکار برده‌اند.

باید دانست که درگذشته «دولت» را شامل سه جزء می‌شمردند که قلمرو، جمعیت و حاکمیت بوده، و گمان داشتند دیوان (سازمان اداری) جزئی ازحاکمیت است. ولی تاریخ نشان میدهد که در دولت‌های بی‌ـ حاکمیت (از انواع «دولت ناقص») دیوان داشته‌ایم. البته، اگر «دولت» را از نظر حقوقی بخواهیم تعریف کنیم، باید به جای عبارت «نمود اجتماعی»، «شخصیت حقوقی» بکار بریم.

هرگاه دولتی برخی از چهار رکن یاد شده را نداشته باشد آن را «دولت ناقص» می‌نامیم مانند «دولت در تبعید» و «دولت مستعمره» (مانند دولت هند زمانی که در تصرف انگلستان بود). باید دانست که مارکسیستها، بجای کلمهٔ «دولت» واژهٔ «جامعه» را به کار می‌برند. و دو واژهٔ «دولت» و «حکومت» را مرادف هم مورد استفاده قرار می‌دهند که به نظر آنها زیر عنوان «حکومت» اشاره خواهد رفت.

٤ـ تعریف ملت ـ «ملت»(Nation) در دانش سیاست، تعبیر و تعریف یکسانی ندارد و با چندتعبیر که مربوط به مکتب‌های گوناگون سیاسی است، معرفی میشود. در اینجا، دو تعبیری را که به زمان ما بیشتر مقبول است، بیان می‌کنم. یکی از این تعبیرها مربوط به مکتب تاریخ‌گرائی (Historis) منقول از «ترایچکه» و «هگل» و دیگری مربوط به مکتب طبیعی‌ـ گرائی Naturalism ، منقول از «روسو» و «رنان» است:

الف ـ تعریف تاریخ‌گرایانهٔ ملت:

ملت نمودی است تاریخی (دارای بعد زمان) که از نژاد و سرزمین (خاك و خون) پایه گرفته و افرادش دارای همنوائی (سمپاتی) فرهنگی(Cultural) باشند.

با این تعریف، «مردم» (People) افراد زمان‌حال «ملت» می‌شوند.

ب ـ تعریف طبیعی‌گرایانهٔ «ملت»:

ملت مجموعهٔ افرادی است که تمایل به زیست مشترك دارند و برسرزمین معینی گرد آمده حکومت واحدی تشکیل داده‌اند.

بنابراین واژهٔ «مردم» و «ملت» مترادف یکدیگر می‌شود.

بی‌مناسبت نیست یادآوری شود که واژه «ملیت» Nationality از نظر حقوقی به معنای «شهروندی» و «تابعیت» Citizenship است. زمانی که می‌گوئیم فلان فرد «ملیت» ایرانی دارد مراد آن است که آن فرد تبعه یا شهروند ایران است و شناسنامه یا گذرنامهٔ ایرانی دارد.

در زبان دری درگذشته واژهٔ «ملت» را به معنای «جمعی از مردم» یا به معنای پیروان یك مذهب (امت) بکار می‌بردند.

از نظر مارکسیست‌ها، واژه «ملت» معرف یك ترکیب اجتماعی است که پس ازپیدایش «طبقه بورژوا» پیدا شده است که هدف از به‌کار بردن آن فریب دادن «پرولتاریا» (طبقه کارگر بطور اخص) و تظاهر بوجود وحدت طبقاتی است.

ولی «استالین» در جزوه‌ای بنام «مسئله ملیت» برای «ملت» یك‌تعریف «مردم‌شناسانه» (Antropologic) عرضه می‌دارد که به موجب آن «ملت» از افرادی تشکیل

می‌شود که دارای «زبان» و اقتصاد و «فولکلور» (فرهنگ) مشترك هستند و در سرزمین بهم‌پیوسته‌ای زندگی می کنند.

۵ـ **حکومت** ـ «حکومت» آن بخش دولت است که امرفرمانروائی برجامعه‌ها وحفظ «استقلال» و«حاکمیت» آنها را برعهده دارد و نماینده درجه استقلال یا «خودمختاری» جامعه‌ها و میزان فرمانروائی آنها بر «قلمرو» خودشان است. معنی این بیان آن است که «صورت» (Form) حکومت‌ها و قدرت درونی آنها حد «خودمختاری» **Autonomy** و حد استقلال

Indipendence

هر «دولت» را نشان می‌دهد. در هرجامعه «حکومت» در اختیار گروههای معدودی است که بنا برنظر «روسویی» «هیات حاکمه» نامیده می‌شوند و به زبان «ارسطوئی»، «اولیگارشی» نام دارند. «انگلس» همکار «مارکس» در کتاب خود پیرامون «خانواده»، «مالکیت» و «حکومت» می‌نویسد، حکومت هرجامعه در اختیار طبقه مالك «ابزار تولید» است ـ یعنی بجای «هیات حاکمه» مارکسیست‌ها، «طبقه حاکمه» را می‌شناسد. جامعه‌شناسان «پراگماتیك» گمان دارندکه در جامعه‌ها «طبقات فشار» وجود دارد که خود آنها نیز به ترتیب درسلسله مراتب هرم جامعه زیر فشار یکدیگرند و حکومت از بالاترین لایهٔ «طبقات فشار» تشکیل می‌شود.

چاپ دوم
شماره اول

اندیشه های رستاخیز

با مقالاتی از:
امیر عباس هویدا ـ محمد اسعد نظامی ـ منوچهر تسلیمی ـ پرویز نیکخواه ـ منصور معتمدی ـ مهدی قاسمی ـ محمود جعفریان ـ عنایت‌اله رضا ـ پرویز پارسا

بزودی منتشر خواهد شد

چاپ دوم
شماره دوم

اندیشه های رستاخیز

با مقالاتی از:
عبدالمجید مجیدی ـ محمد مقدم ـ کاظم ودیعی ـ شاپور راسخ ـ عنایت‌اله رضا ـ ضیاءالدین دانشوری ـ امیر طاهری ـ امیرحسین فرزانه ـ احمد حامی ـ بهمن سرکاراتی ـ حسین کاظم‌زاده ـ شکوه میرزادگی
بزودی منتشر خواهد شد

اندیشه های رستاخیز

شماره مشترك

من : نام .... نام‌خانوادگی .... نام‌موسسه ....

نشانی: نام کشور .... نام شهر ....

....

با ارسال مبلغ .... ریال طی حواله / قبض / چك ....

درخواست اشتراك یکساله (۴شماره) « اندیشه‌های رستاخیز » را به

تعداد .... جلدازشماره .... تا شماره .... دارم

توجه : طبق‌مقررات خواهشمنداست ازارسال‌وجه درپاکت‌پستی خودداری‌فرمائید

اندیشه های رستاخیز

شماره مشترك

من : نام .... نام‌خانوادگی .... نام موسسه ....

نشانی:نام کشور .... نام شهر ....

....

با ارسال مبلغ .... ریال طی حواله / قبض / چك ....

درخواست اشتراك یکساله (۴شماره) « اندیشه‌های رستاخیز » را به

تعداد .... جلدازشماره .... تاشماره .... دارم

توجه: طبق‌مقررات‌خواهشمنداست ازارسال‌وجه درپاکت‌پستی‌خودداری فرمائید

میزان حق اشتراک (۴ شماره) اندیشه‌های رستاخیز درکشورهای جهان

ایالات متحده امریکا وکانادا : ۵۰۰ ریال

اروپا و آسیا : ۳۵۰ »

استرالیا و افریقا : ۵۵۰ »

خاور دور : ۵۰۰ »

داخله : ۲۰۰ »

درداخل این کادر چیزی ننویسید

خواهشمنداست مبلغ حق اشتراک را به شعب بانک ملی ایران بحساب شماره ۱۴۵۰ شعبه تخت جمشید واریز ورسید آنرا همراه این قبض به «اندیشه های رستاخیز» بفرستید



میزان حق اشتراک (۴ شماره) اندیشه‌های رستاخیز درکشورهای جهان

ایالات متحده امریکا وکانادا : ۵۰۰ ریال

اروپا و آسیا : ۳۵۰ »

استرالیا و افریقا : ۵۵۰ »

خاور دور : ۵۰۰ »

داخله : ۲۰۰ »

در داخل این کادر چیزی ننویسید

خواهشمنداست مبلغ حق اشتراک را به شعب بانک ملی ایران بحساب شماره ۱۴۵۰ شعبه تخت جمشید واریز ورسید آنرا همراه این قبض به «اندیشه های رستاخیز» بفرستید

اندیشه‌های رستاخیز

این نشریه هر سه ماه یکبار منتشر میشود

از انتشارات:

حزب رستاخیز ملت ایران

سال دوم ـ شماره پنجم

امردادماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

مقالاتی که در نشریه آمده نظر و رای نویسندگان آنها است ومقالاتی که به‌مجله میرسد بازپس‌فرستاده نخواهد شد.

---
۵۰ ریال